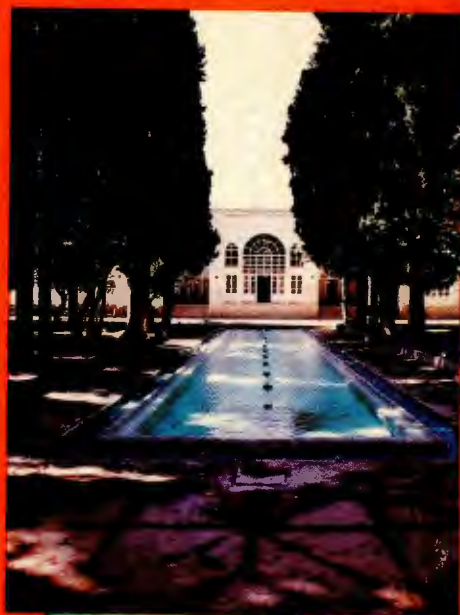


آداب سُنن اجتماعی فین کاشان



تألیف: مرتضی اخوان



تالیف : مرقصی اختر

آدابِ نونِ اجتماعی میں نونِ کاشان

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۶۹۸۹۴



کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

آدابِ سُپن
اجتماعی
فسنِ کاشان

تألیف: مرتضیٰ اخوان

● آداب و سنن اجتماعی فین کاشان

● مؤلف: مرتضی اخوان

● ناشر: مؤلف

● حروفچینی: مؤسسه عروج

● لیتوگرافی: مؤسسه عروج

● چاپ: پیکان

● تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه

● چاپ: اول پائیز ۷۳

● بهاء: ۴/۵۰۰ ریال

● حق چاپ برای مؤلف محفوظ است

فهرست مطالب

موضوع	صفحه
- چکیده	۱
- مقدمه	۵
- نقشه	۱۴
فصل اول: کاشان گنجینه تمدن	۱۵
گذری کوتاه بر اوضاع جغرافیایی و سابقه تاریخی کاشان	۱۶
ریشه اصلی نام کاشان	۲۴
نام کوههای بزرگ کاشان	۲۵
کوههای کاشان	۲۶
رودخانه های کاشان	۲۶
چشمه های کاشان	۲۷
قلعه های شهر و دهات کاشان	۲۸
بناهای تاریخی کاشان	۲۹
فصل دوم: تپه های سیلک یکی از قدیمیترین تمدنهای بشری	۳۱
خلاصه ای از گزارش حفاریات تپه سیلک، نوشته رمان گریشمن	۳۳
- تپه شمالی	۳۳
- تپه جنوبی	۳۵
فصل سوم: فین کاشان	۳۷

۳۸	فین بزرگ
۳۸	روستاهای مجاور فین کاشان
۳۸	- روستای حسن آباد
۳۹	- روستای خنب
۴۰	- روستای دره
۴۰	محله های فین بزرگ (سفلی)
۴۱	محله های فین کوچک (علیا)
۴۳	فصل چهارم: باغ تاریخی فین
۴۵	چشمه سلیمانیه فین
۵۱	سوابق تاریخی
۵۴	موزه باغ فین
۵۴	- اشیاء موجود در موزه
۵۸	- فرمان و مهر شاهان در موزه باغ فین
۵۹	- سکه های موجود در موزه
۵۹	- سکه های دوره ایلخانی (ایلخانان مغول)
۵۹	- سکه های ضرب شده دوران صفویه
۶۰	- سکه های افشاریه
۶۰	- سکه های زندیه
۶۰	- سکه های خلفای اموی
۶۰	- سکه های خلفای عباسی
۶۰	- سکه های ضرب شده سامانیان
۶۰	- سکه های ضرب شده دوران اشکانی
۶۰	- سکه های ضرب شده دوران ساسانی
۶۰	- سکه های ضرب شده آل بویه
۶۱	- سکه های ضرب شده شاهان
۶۱	- سکه های ضرب شده دوران قاجار
۶۱	- سکه قاجاری دارالخلافه تهران

۶۱	- سکه های ناصر الدین شاه قاجار
۶۲	- سکه های احمد شاه
۶۲	- سکه های مظفرالدین شاه
۶۲	- سکه محمد علی شاه قاجار
۶۲	- سکه جلوس پهلوی
۶۲	وصف حمامهای کاشان
۶۳	حمام باغ فین
۶۴	فصل پنجم: فرمان عزل امیرکبیر
۶۵	- سفر شوم
۶۷	- عزل امیرکبیر با بزرگترین جنایت
۶۸	- ملاقات و دودلی شاه
۷۱	صدر اعظم جدید
۷۱	- گرفتن تمام مناصب امیر
۷۲	- نقش استعمارگران
۷۳	- اقدامات دشمنان امیر برای تهیه مقدمات صدور حکم قتل
۷۴	فرمان قتل
۷۵	- هویت جلاد (علیخان حاجب الدوله)
۷۶	- جریان قتل امیر
۸۰	- محل دفن پیکر پاك امیرکبیر
۸۱	اقدامات امیرکبیر اتابك اعظم
۸۲	الف - خواباندن شورشها
۸۳	ب - اصلاحات عمومی
۸۳	ج - اصلاح ارتش جدید
۸۳	د - تأسیس نیروی دریایی
۸۴	هـ - اصلاح دستگاه عدالت
۸۴	و - اصلاح اخلاقی مدنی
۸۴	ز - اصلاح امور شهری

۸۶	ح - نشر دانش و فرهنگ نو
۸۶	ط - گسترش صنعت جدید
۸۶	ی - گسترش کشاورزی
۸۷	روابط خارجه
۸۸	فصل ششم: بقاع متبرکه
۸۹	انگیزه مهاجرت امام زادگان
۸۹	بقاع متبرکه فین بزرگ
۸۹	- بقعه امامزاده هادی
۸۹	- بقعه امامزاده قاسم
۹۰	- بقعه ابولولو
۹۱	بقاع متبرکه فین کوچک
۹۱	- بقعه امامزاده سلطان سید علی
۹۱	- بقعه شاهزاده احمد و محمود
۹۱	- بقعه شاهزاده ابراهیم فین
۹۱	بقعه حضرت سلطانعلی (ع) - (اردهال کاشان)
۹۳	- اثبات نسب و محل دفن حضرت سلطانعلی (ع)
۹۴	- تذکره حضرت سلطانعلی بن امام محمد باقر (ع)
۹۹	- وصایای آن حضرت
۹۹	- چگونگی قتل حضرت سلطانعلی (ع)
۱۰۰	- دفن کردن شهداء
۱۰۱	- کشتن زرینه کفش
۱۰۲	ثواب زیارت حضرت سلطانعلی (ع)
۱۰۳	فصل هفتم: مراسم قالی شویان در مشهد اردهال
۱۰۶	- آثار تاریخی کاشان و نظنز می نویسد
۱۰۷	- در تاریخ کاشان
۱۱۰	فصل هشتم: مسافرتها و توقفهای شاهان در فین کاشان
۱۱۲	سنگرگاه یاغیان در باغ شاه فین

۱۱۵	فصل نهم: آموزش و پرورش در فین کاشان (۷۱-۷۲)
۱۱۷	کتابخانه باغ فین
۱۱۸	هتل امیرکبیر
۱۱۸	سروی سرا
۱۱۹	شرکت درین
۱۲۰	فصل دهم: فرهنگ مردم فین کاشان (مردم نگاری فین کاشان)
۱۲۱	- معنی فولکلور
۱۲۱	- ارزش جهانی و ملی فرهنگ مردم
۱۲۲	- دانش عوام و ادبیات فارسی
۱۲۲	- سابقه اخیر فرهنگ مردم
۱۲۵	فصل یازدهم: ادب شفاهی و زبان آموزی به کودک در فرهنگ مردم
۱۲۷	- زبان باز کردن کودک
۱۳۰	- کودک و بازیهای کودکان
۱۳۱	- اثر متل در درست گفتن سخن
۱۳۴	فصل دوازدهم: زندگی مادی مردم فین
۱۳۵	۱- ساختمان خانه ها
۱۳۵	۲- اسباب خانه ها
۱۳۶	۳- خوردنیها و آشامیدنیها
۱۳۷	۴- کار و فعالیت در روستا
۱۳۷	۵- اصطلاحات آب و آبیاری
۱۳۸	۶- دامداری
۱۳۸	۷- ورزشها
۱۳۸	۸- خواب
۱۳۹	فصل سیزدهم: (زندگی معنوی)
۱۴۰	- نژاد و زبان
۱۴۰	- خصائص نژادی
۱۴۰	- هواشناسی

۱۴۱	- طب و طبابت
۱۴۱	- خوش یمن بودن یا بدیمن بودن جانوران
۱۴۱	- اوزان و مقادیر
۱۴۲	- اخلاق عامیانه
۱۴۲	- کنایه ها
۱۴۳	- اشاره ها
۱۴۳	- تشبیه ها
۱۴۳	- ضرب المثل ها
۱۴۵	- لغت و اصطلاحات
۱۴۶	فصل چهاردهم: زندگی اسرارآمیز
۱۴۷	الف - ارواح نیکوکار و زیانکار
۱۴۷	ب - فالگیر زن و مرد
۱۴۷	۱- تفال خانوادگی برای گشایش کار و درمان بیماریها
۱۴۷	الف - از شکل اشیاء
۱۴۸	ب - دعاها و آدابی که برای آمد کار یا شگون انجام می گیرد
۱۴۸	ج - دعاهایی که برای دفع شر می خوانند
۱۴۸	۲- جشنهای کهن و باستانی
	الف - جشنهای کهن و باستانی (چهارشنبه سوری)
۱۵۰	ب - نوروز
۱۵۱	ج - سیزده بدر
۱۵۳	فصل پانزدهم: جشنهای دینی و مذهبی
۱۵۴	۱- عید قربان
۱۵۴	۲- عید غدیر
۱۵۵	۳- نیمه شعبان تولد حضرت قائم (ع)
۱۵۶	فصل شانزدهم: مراسم مذهبی
۱۵۷	الف - ماه محرم
۱۵۷	ب - ماه صفر

موضوع	صفحه
ج - ماه رمضان	۱۵۷
فصل هفدهم: زندگی اجتماعی	۱۶۰
خانواده و خویشاوندی	۱۶۱
- تعریف خانواده	۱۶۲
- اشکال مختلف خانواده	۱۶۳
- در ایران بطور کلی از سه خویشاوندی...	۱۶۶
۱- خویشاوندی نسبی	۱۶۶
۲- خویشاوندی سببی	۱۶۶
۳- خویشاوندی رضاعی	۱۶۶
تحول در خانواده	۱۶۷
- ازدواج و اشکال آن	۱۶۷
- اقسام ازدواج	۱۶۸
- خواستگاری و عروسی	۱۶۹
- مرگ	۱۷۱
فصل هیجدهم: تصاویر و توضیحات عکس ، نمای فین	۱۷۲
فصل نوزدهم: نتیجه گیری	۱۷۸
ارائه پیشنهادات	۱۸۲
منابع و مأخذ	۱۸۴

چکیده

خواننده گرامی، کتابی که از نظر تان می گذرد، تحقیقی ناچیز می باشد که درباره آداب و سنن اجتماعی فین کاشان، که از نظر تاریخی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، جایگاه معتبری در جهان و ایران دارد.

آداب و سنن اجتماعی فین کاشان

در این تحقیق کوشش شده که مطالب و موضوعها در طول فیش برداری از طریق مشاهده ای و کتابخانه ای انجام گیرد و مطالب دارای جنبه های مختلف اجتماعی، فرهنگی، تاریخی و ... باشد.

این تحقیق در حد توانایی اینجانب بوده و اگر نقص و کمبودی مشاهده می شود ما را عفو بفرمائید.

کتابی را که پیش روی دارید از نوزده فصل تشکیل گردیده است. در فصل اول، از کاشان، آن شهر تاریخی و سابقه آن، در دورانهای گذشته - ریشه اصلی نام کاشان و اوضاع جغرافیایی، قلعه های شهر و بناهای تاریخی صحبت بمیان آمده است.

در فصل دوم، شما با تپه های سیلک که یکی از قدیمیترین تمدنهای بشری بشمار می رود آشنا خواهید شد.

در فصل سوم، از روستای فین کاشان و روستاهای مجاور آن و محله های فین بزرگ و فین کوچک، اطلاعاتی را کسب خواهیم کرد.

در فصل چهارم، باغ تاریخی فین با زیباییهای اعجاب انگیزش و چشمه سلیمانیه با آب گوارایش، موزه با گنجینه اش و وصف حمامها، شما را به تفکر

وامی دارند.

در فصل پنجم، از فرمان عزل امیر کبیر تا قتل او اطلاعاتی را کسب کرده و بعد به اقدامات امیرکبیر فهرست وار اشاره خواهد شد.

در فصل ششم، به انگیزه مهاجرت امامزادگان و بقاع متبرکه در فین بزرگ و كوچك اشاره شده و بقعه حضرت سلطانعلی (ع) در مشهد اردهال با تذکره آن، و شرح به شهادت رسیدن آن حضرت گنجانیده شده است.

در فصل هفتم، مراسم قالی شویان در مشهد اردهال شرح داده شده و چون پیوستگی آن با فصل ششم می باشد این مراسم در فصل هفتم گنجانیده شده است. در فصل هشتم، از مسافرتها و توقفهای شاهان در فین کاشان بطور فهرست وار اشاره شده و از سنگرگاه بودن باغ شاه توسط یاغیان صحبت بمیان آمده است.

در فصل نهم، آماری از آموزش و پرورش فین کاشان در سال تحصیلی (۷۱-۷۲) آورده شده، و از کتابخانه باغ فین اطلاعاتی کسب خواهیم کرد. و بعد به مشخصات هتل امیرکبیر و سروی سرا و شرکت درین خواهیم پرداخت.

در فصل دهم، از مطالعات مردم شناسی و مردم نگاری فین کاشان، توضیحاتی در رابطه با فولکلور، ارزش جهانی و ملی فرهنگ مردم، سابقه اخیر فرهنگ مردم، و اهمیتی که باید به آن داشت مورد بحث قرار گرفته است.

در فصل یازدهم، از ادب شفاهی و زبان آوری به کودک در فرهنگ مردم، زبان باز کردن کودک، کودک و بازیهای کودکان، اثر مثل در درست گفتن سخن مطالبی گفته شده است.

در فصل دوازدهم، به بررسی زندگی مادی مردم فین از ساختمانها گرفته تا کار و فعالیت در روستا، اصطلاحات آب و آبیاری، دامداری پرداخته شده است.

در فصل سیزدهم، در رابطه با زندگی معنوی روستای فین، اصل نژاد و خصائص نژادی، هواشناسی، طب و طبابت، اوزان و مقادیر، اخلاق عامیانه، کنایه ها و ضرب المثل های متداول بین افراد روستا، آشنا خواهیم شد.

در فصل چهاردهم، از زندگی اسرار آمیزی که با فرهنگ مردم آن خطه، آغشته شده و به جشنهای کهن و باستانی آن دیار پرداخته شده است.

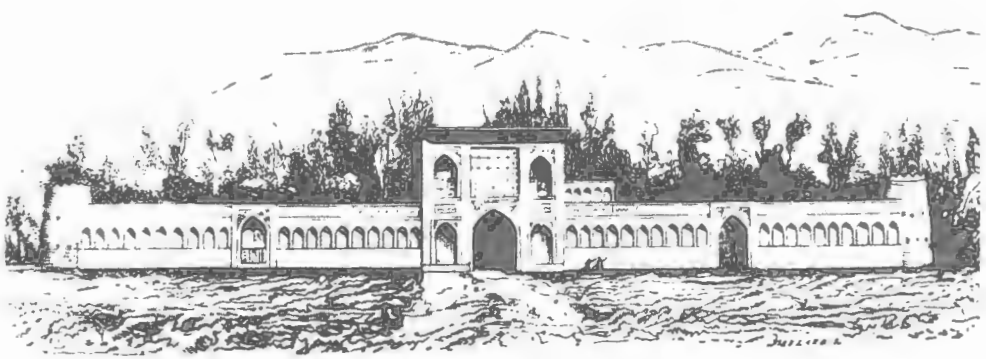
در فصل پانزدهم، به ذکر جشنهای دینی و مذهبی و مراسمی که در این روزها برگزار می شود شما را آشنا خواهیم کرد.

در فصل شانزدهم، به مراسم مذهبی از جمله ماه محرم، ماه صفر، ماه رمضان

پرداخته شده است.

در فصل هفدهم، زندگی اجتماعی و سیر تحول خانواده و اشکال آن، بحث در رابطه با خویشاوندی در ایران، ازدواج و اشکال آن، خواستگاری و عروسی، و در پایان مراسم مذهبی، سوگواری و تشیع جنازه مرده، گنجانیده شده است. در فصل هیجدهم، تصاویری از روستای فین و بناهای تاریخی و بقاع متبرکه دیده می شود.

در فصل نوزدهم، به نتیجه گیری و ارائه پیشنهادات پرداخته شده و منابع و مأخذ جزء این فصل می باشد.



مقدمه

از سرزمینی صحبت بمیان می آوریم که بوی تاریخ و اجتماع را از پله های شکسته آن می توان استشمام کرد و مردمانش را از گذشته های، گذشته، که بارهای معرفت را بدوش داشتند - شناخت. آذین ها، مناره ها، پیام ها، مفهوماها، ایده ها، قالی ها را باید در کناری گذاشت. و در گردونه کامپیوتر عصر، به تجزیه و تحلیل سوابق آن پرداخت و بعد بر دیسک کامپیوتر، مردمانی ظاهر می شوند که از نشاط و محبت و ذوق و هنر، جلوه هنرمندان قرن را به حیرت و آ می دارند. انسان که قدمهای مردان خدا بر آن سرزمین بنا نهاده شد نور انسانیت و هنر انسانی در آن وادی به ظهور رسید.

«کاشان و فین» دو مونس و یار در سختیهای تاریخ و شادی های دلنشین بوده اند. و انسان که در وادیهای بهاری آن قدم می نهادیم به پژواک دلها، با گلهایی از نور محمدی که این دیار را در پرتویی از نورهای لاجوردی آذین بسته بود، برمی خوریم.

صدای بلبلان از باغ فین و نغمه تماشاچیان از این تماشا، و دیدار از چشمه سلیمانیه که از آب گوارای آن صحبت ها شده و نقش و نگار و گردش آب در باغ فین، برای شما خوانندگان عزیز، در این مجموعه آورده شده است. از قتل امیرکبیر آن مرد سیاستمدار و از آداب و سنن اجتماعی مردم فین هم از نظر تاریخی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی صحبت بمیان آورده شده است. در کتاب «تاریخ قم» نوشته حسن بن عبدالکریم قمی (نگارش ۳۲۸ هـ. ق) حکومت روستای فین به اعصار کهن نسبت داده شده است. بر این اساس «جمشید» از پادشاهان اساطیری چشمه و کاریز سلیمانیه فین را از دل زمین به در آورده است و گشتا سب بانی آبادی

فین بوده است. بدین ترتیب قدمت فین و شهر کاشان در ازنای تاریخ به گذشته های دور و درازی می پیوندد. آثار و بقایای تپه سیلک کاشان به عنوان یکی از مهمترین محوطه های باستان شناسی در جوار شهر کاشان، مدرکی ارزنده از پیشینه باستانی این محدوده است.

ساختمانهای آن سرزمین به سبک معماری سنتی و با خشت و گل یا پوششی بنا شده است و بناهای آن از نظر هنر، جایگاهی، بسی، والا دارد.

دور تا دور خانه را اتاق درست کرده و هر اتاق 4×5 با زیرزمینهای کلنگی برای استراحت و هوای خنک در آن - در یک خانه ۸ خانوار می توانست زندگی کند و همه با هم دوست و صمیمی، مهربان، و در امور کاری، همکار همدیگر بودند.

یخچالهای گلی که برای یخ درست کردن بوجود آورده بودند خود از مهارت گفتگو می کند. ارتفاع آنها حدود ۱۵ متر، کف زمین را برداشته و کف را توسط گل می ساختند و مهره های گبری را به طرز جالبی روی هم می گذاشتند. بصورت مخروطی به ارتفاع ۲۵ متر از روی زمین و دهانه 20×20 متر - بغل یخچال را یک آخوره به مساحت 100×20 متر کف برداری کرده و به عمق یک متر بوجود می آوردند. زمستان با هوای سردش وقتی سر می رسید، آب در این آخوره بسته و شبهای سرد آن آب تبدیل به یخ می شد. و این یخها را روز می شکستند و توسط کارگران آن را در این یخچالها ذخیره می کردند تا در تابستان به بازار عرضه شود و مردم بتوانند تابستان گرم را با آب یخی بپایان برسانند در کویر این دوراندیشی قابل تأمل است که چگونه، فکر آن به مغزشان خطور کرده تا با مبارزه در برابر گرما به زندگی ادامه دهند. درباره کشاورزی (گندم، جو، صنفی کاری، پنبه کاری و غیره) کشت می شود و کشاورزان با آن گرمای سوزان و طاقت فرسا، در میانه کویر خشک، آنجا را سبزگون می کردند و از این راه تأمین معاش خود را به مواد غذایی و گروههای دیگر برآورده می کردند. و به شغل دامداری پرداخته و از شیر آن استفاده ها برده، مثل (ماست، کره، پنیر).

غذاهای خود را در قدیم در (برمه های) سنگی می پختند و خیلی خوشمزه و معطر طبخ می کردند. بجای یخچالهای کنونی چارچوبهایی ساخته و در زیرزمین قرار داده، بطوریکه چارچوب را به سقف آویزان کرده و غذاها را روی آن قرار می دادند تا خراب نشود.

در زیرزمینهای خانه ها، پس سرداب هایی وجود داشت که $3 \times 1 / 5$ متر و

ارتفاع ۱/۵ متر بود که برای نگهداری هندوانه و خربزه، انار از آن استفاده می شد. بلکه کشاورزها، هندوانه تابستان را در آنجا قرار داده و زمستان چون امورشان اداره نمی شد، این هندوانه ها را يك دانه دانه به بازار عرضه نموده و پول آنرا اجناس دیگری می خریدند. و هندوانه ها مدت عمرش تا فروردین سال جاری بوده که در پس سرداب نگهداری می شد. برعکس امروزه که سردخانه های مدرن این کار را انجام می دهند.

برای طبخ و نانوائی، هیزم از بیابان جمع آوری نموده و بصورت پشته و منگنه درآورده و با اشترها شبانه به حرکت افتاده تا صبحگاه به شهر یا روستا می رسیدند و شخصی بنام (قپان پورها) یا پیشکارها، کار تقسیم هیزمها را به عهده داشت و این کار را بخوبی انجام می داد.

در گرمابه ها به جای دوش، از خزینه ها استفاده کرده و خود را تمیز می کردند.

در این مجموعه بر آن شدیم که از امامزاده ها، آن نورهای خدایی صحبت بمیان آید. و از مقصد و پيك مقام آنها نجواها خواهیم شنید. مردانی که با سختی به گنبد های نیلگون گچ زدند و کسانی که از نردبانهای در حال ساخت، بر زمین بوسه زدند نوعی معرفت در کارشان نهفته بود. آری سخن از سختیها و پیامها که هر دو، دو ایده جدا نشدنی را تداعی می کند، هست. ما بر آوازهایی که از لابلای درزهای سقف ها می آید، يك واژه را دریافت نمی کنیم، بلکه میلیونها واژه با مفهوم های نو و تازه، و آنچه نقش و نگار را نگار کرد خود آدمی و تفکر هستی بخش اوست چون پدر در پدر این مرز و بوم پر از خاطرات اعجاب انگیز و درس آموز است. پس ای عینکهای مادون قرمز، معرفتهای قدیم را بر صفحه کامپیوتری خود ضبط کنید تا آیندگان ناله ها و سخندهای علمی را بهتر درك کنند.

حال بطور مختصر بحثی در رابطه با ده از دیدگاه جامعه شناسی و فرق ده و شهر را از نظر بگذرانیم.

ده از دیدگاه جامعه شناسی

این مبحث را بایستی با نظری برده، یعنی کوچکترین واحد جمعیتی، اقتصادی و جغرافیایی آغاز کنیم. برای بدست دادن تعریفی از ده که وجود تمایز آن را باشهر مشخص نماید و ضمناً ویژگیهای آن را نیز نشان دهد، ملاکهای خاصی را

می باید در نظر گرفت.

عدد جمعیت، نوع معیشت و توان یا پتانسیل خودکفایی از جمله ملاکهای هستند که می توان بر اساس آن ده را تعریف کرد. در ایران تا قبل از سرشماری اخیر با توجه به سرشماری های سالهای ۱۳۳۵، ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، متوجه خواهیم شد که نقاط فراوانی با داشتن ۵۰۰ نفر جمعیت، فاقد ویژگیهای شهری بوده اند. در مقابل نیز نقاطی وجود داشته اند که با جمعیتی کمتر از ۵۰۰۰ نفر دارای شهرداری بوده اند. در دسته اول نقاطی از قبیل قلعه حسن خان از توابع کرج (با جمعیتی بیش از ۷۰۰۰ نفر) زرکان از توابع شیراز (با جمعیتی بیش از ۸۰۰۰ نفر) و کلاچان از توابع گیلان (با جمعیتی بیش از ۵۸۰۰ نفر) قرار می گیرند و در مقابل یاسوج (با جمعیتی حدود ۴۵۰۰ نفر) و دره شهر (با جمعیتی نزدیک به ۲۳۰۰ نفر) را در دسته دوم می توان قرار داد.

در اینجا قابل ذکر است که فین بزرگ در سرشماری ۱۳۵۵ دارای ۳۹۲۶ نفر جمعیت داشته است.

با توجه به موارد فوق، معلوم است که تکیه بر عامل جمعیت به منظور تمایز شهرزده و ارائه تعریفی برای ده نمی تواند به تنهایی کافی باشد و بنابراین ضروری است که ملاکهای دیگری نیز در نظر گرفته شود. ملاک نوع معیشت از جمله ملاکهای است که در تعریف ده می تواند به ملاک جمعیت افزوده شود و بر این اساس طبق لایحه تشکیل انجمن های ده مصوب ۱۳۴۲ «ده یا قریه مرکز جمعیت و محل سکونت حداقل ۲۵۰ نفر یا ۵۰ خانوار است که درآمد اکثر افراد آن از طریق کشاورزی حاصل شود» و قانون اصلاحات ارضی مصوب ۱۳۴۰ نیز ده را مرکز تجمعی تلقی کرده است که درآمد اکثریت افراد آن از طریق کشاورزی حاصل شود و عرفاً در محل، ده یا قریه شناخته شود. سرشماری کشاورزی سال ۱۳۵۲ وجود کدخدا را نیز به ملاکهای فوق افزوده است، اما در حقیقت نه عدد جمعیت و نه نوع معیشت، نه تکیه بر عرف و نه وجود کدخدا بدون در نظر گرفتن توان یا پتانسیل خودکفایی نمی توانند تعریف کاملی از ده ایرانی ارائه دهند، در واقع در طول تاریخ، ده به صورت مرکز تجمعی از مردم یکجانشین قادر بوده است نیازهای خود را بدون استعانت مردم نقاط دیگر تأمین می کند و به حیات خود ادامه دهد. به عبارت دیگر، در حالی که شهرها پیوسته به لحاظ نیاز به مواد غذایی تابع دهات بوده اند. دهات توان یا پتانسیل خودکفایی را در خود داشته اند. و به همین دلیل در

طول قرنهای متمادی روستای ایران به صورت يك واحد تولید و مصرف مبتنی بر اقتصاد بسته به زندگی خود ادامه داده است که امروزه این توان خودکفایی به دلیل این ارتباط روز افزون شهر و ده، ایجاد وسایل ارتباطی و گسترش وسایل ارتباط جمعی به طور کامل از قوه به فعل در نمی آید.

اقتصاد معیشتی روستایی مبتنی بر چهار رکن اساسی به قرار زیر است:

۱- زراعت

۲- دامداری

۳- صنایع دستی

۴- باغداری

در ادوار گذشته با تکیه بر چهار منبع فوق قادر بوده است که کلیه نیازهای خود را از درون تهیه کند و در حقیقت همان گونه که یادآور شدیم، ده توان خودکفایی خود را مدیون همین منابع بوده است. بنابراین در تعریف ده می توان گفت:

ده یا قریه واحدی اقتصادی- اجتماعی، جغرافیایی و مرکز تجمعی از مردم یکجانشین است که درآمد آن عمدتاً از کشاورزی تأمین شود و شرایط بالقوه خودکفایی را در خود داشته باشد.

از لحاظ شکل سکونت روستاهای ایران را می توان به دو دسته تقسیم کرد:

گونه اول شامل روستاهایی می گردد که واحدهای مسکونی به صورت تجمع و فشرده در کنار یکدیگر قرار گرفته و باغها و مزارع در اطراف آن گسترده اند. بدین ترتیب روستاها به دو قسمت جدا از هم تقسیم می گردند بخش مسکونی، که بدلیل فشرده گی مساکن محوطه کوچکی را شامل می شود و باغها و زمین های زراعی، که گرداگرد خانه ها را گرفته و یا در مقابل آنها واقع است. تجمع مساکن روستایی بر حسب شرایط اقلیمی و خصوصیات اجتماعی ممکن است به صورتهای مختلفی درآید: پاره ای از روستاها به صورت قلعه ای بوده و دیوارهای بلند گلی آنها را از اطراف احاطه کرده است و چهار برج استوانه ای نیز در گوشه آن بنا شده است، این گونه روستاها معمولاً با يك دروازه بزرگ به بیرون ارتباط دارند و کلیه تأسیسات و ساختمانهای عمومی ده از قبیل مسجد و حمام و دکانها در درون قلعه قرار گرفته اند.

در ایران روستاهای قلعه ای شکل را در نقاط شمال شرقی و شرق و مرکزی

ایران خصوصاً در استان خراسان فراوان می توان مشاهده کرد، نبودن امنیت اجتماعی در استان خراسان به دلیل هجوم مکرر اقوام بیانگردی بوده است که پیوسته در طول تاریخ این منطقه را مورد تاخت و تاز خود قرار می داده اند. در مناطق کوهستانی غرب و شمال ایران چنین روستاهایی یافت نمی شوند، از انواع دیگر روستاهای مجتمع می توان روستاهای خطی یا کوچه ای، چهار راهی و شطرنجی را نام برد.

گونه دوم روستاهایی را شامل می شوند که مسکن به طور پراکنده و دور از هم قرار گرفته اند. در مواردی ده از چند محل با سکونت گاههای مستقل و جدا از هم تشکیل می شود نمونه چنین روستاهایی را می توان در شمال ایران و نیز در پاره ای مناطق مبتنی بر نظام اجتماعی عشایری - دهقانی و نخلداری مانند ایلام بندر عباس و میناب، مشاهده کرد. به طور کلی عواملی از قبیل آب، امنیت، نوع مالکیت و جنس خاک را می توان در تفرق و تجمع مسکن روستایی مؤثر دانست.

روستاها الزاماً تنها جمعیت کشاورز را در خود جای نمی دهند بلکه بخشی از جمعیت نیز شامل کسانی می شود که به مشاغل غیر کشاورزی اشتغال دارند بر همین اساس این دو قشر را می باید از یکدیگر متمایز کرد. در کشورهای در حال رشد قسمت اعظم جمعیت روستا نشین را کشاورزان تشکیل می دهند، ولی با دگرگون شدن تدریجی ساخت جوامع روستایی آنها، نسبت غیر کشاورزان در حال تغییر است. در اینگونه جوامع گسترش مکانیزاسیون از سویی و رشد جمعیت به علت کاهش سریع میزان مرگ و میر عمومی و مرگ و میر کودکان، از سوی دیگر، عملاً با وجود جاذبه مراکز صنعتی و شهری، قشر غیر کشاورز افزایش می یابد. در نتیجه این تحولات، از طرفی مشاغلی که اساساً و از اصل روستایی بودند و غالب تولیدات محلی و سنتی از قبیل سبب بافی، کوزه گری، پارچه بافی و ... که سهمی در تأمین معیشت کشاورزان خرده پا دارند به تدریج ناپدید می گردند.

تفاوت شهر و ده

در دنیای امروز به علت نفوذ روز افزون شیوه های زندگی و تمدن شهری در جامعه روستایی، شکل و حیات روستاها خاصه آن دسته از دهاتی که بر اثر توسعه راهها و گسترش وسایل ارتباطی با شهر رابطه پیدا کرده اند، دستخوش تغییر و دگرگونی قرار گرفته اند و در نتیجه بسیاری از خصایص خود را از دست داده و خصوصیات تازه ای کسب کرده اند. ده و شهر را نباید به عنوان دو قطب مخالف

هم تلقی کرد، شهرهایی هستند که به معنی کامل شهرند و شهرهایی وجود دارند که بیشتر روستا گونه اند. دهاتی هستند که مشخصات شهر را پذیرفته اند و دهاتی وجود دارند که همه ویژگی های ده را در خود حفظ کرده اند. اگر با دید تاریخی این دو جامعه را مورد مطالعه قرار دهیم، خواهیم دید که ده و شهر مانند دو نقطه روی يك خط سیر تکاملی هستند. شرایط زندگی در جامعه روستایی غالباً تحت تأثیر عوامل گوناگون فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی تغییر می یابد و به مرور زمان به شرایط زندگی شهر تبدیل می شود.

در اینجا لازم می دانیم که بطور اختصار وضعیت جامعه روستایی و شهری ایران را روشن کنیم:

- ۱- محیط روستا محدودتر از شهر است.
- ۲- تعداد جمعیت روستا کمتر از شهر است.
- ۳- از لحاظ ترکیب های سنی، جنسی، سواد، درجه تحصیل، میزان ازدواج و طلاق، زاد ولد، مرگ و میر، مهاجر پذیری و مهاجر فرستی نیز تفاوت های آشکاری بین شهر و ده وجود دارد.
- ۴- در ده وضعیت کار کشاورزی ایجاب می کند که انسان همواره با طبیعت در ارتباط باشد. به عبارت دیگر در ده نزدیکی انسان با محیط طبیعی بیشتر است و حال آنکه در شهر برخورد انسان بیشتر با محیط انسانی است. به همین جهت «زرزفریدن» روستا را محیط طبیعی و شهر را محیط فنی دانسته است.
- ۵- در روستا زمین اساس و پایه حیات اقتصادی را تشکیل می دهد و میان انسان و زمین از دیرباز رابطه و پیوندی عمیق برقرار است و حتی پایگاه اجتماعی افراد تا حد زیادی به میزان زمین تحت تملك آنها بستگی دارد.
- ۶- در جامعه سنتی روستایی تحرك مكاني كمتر روی می دهد، روستایی پای بند زمین است و به ماندن در محل ثابت تمایل زیادی دارد. مطالعه نشان می دهد که در سالهای اخیر از لحاظ تحرك مكاني در جامعه روستایی تغییراتی صورت گرفته است و میزان تحرك مكاني جمعیت خاصه در میان نسل جوان روستایی به تدریج رو به افزایش است و این واقعیت زمینه تازه ای در جهت بررسی های جامعه شناسی روستایی می گشاید.
- ۷- تحرك شغلی و اجتماعی در جامعه روستایی به دشواری صورت می گیرد زیرا مشاغل محدود، و تخصص کم است و افراد جز در مواردی نادر، همان شغل و

حرفه پدران خود را دنبال می کنند.

۸- یکی از ویژگیهای جامعه روستایی مهمان نوازی است باید توجه داشت در آن دسته از روستاها که ارتباطاتشان با شهر بیشتر شده است، رسم مهمان نوازی اهمیت گذشته خود را بتدریج از دست می دهد و نوعی رفتار حسابگرانه و منطقی در میان مردم روستایی پدیدار می شود.

۹- در جامعه روستایی پایگاهها و نقش های اجتماعی افراد از هم متمایز نیستند. مثلاً در يك دهكده معلم هر وقت و در هر جا دیده شد مردم او را به عنوان يك معلم می شناسند و همیشه او را به نام معلم یا مدیر می خوانند و رفتارشان با او چه در محیط مدرسه و چه در خارج از آن همواره یکسان است. در شهر نقش اجتماعی و پایگاه اجتماعی افراد از هم متمایز است. رفتاری که افراد نسبت به استاد دانشگاه در محیط کار و خارج محیط کارشان نشان می دهند، متفاوت است.

۱۰- تفاوت در ویژگیهای مورفولوژیکی شهر و روستا است. ساختمانهای شهر غالباً برای منظوری معین و هدف خاصی ساخته می شود و این امر که معلول تحولات صنعتی جدید است.

۱۱- در جامعه روستایی کنترل اجتماعی شدید است و افراد بر رفتار یکدیگر نظارت کامل دارند.

۱۲- در جامعه شهری افراد نسبت به هم بیگانه و نا آشنا هستند و کسی به رفتار دیگران توجهی ندارد.

۱۳- مردم ده در خانه های ساده و كوچك كه از مواد ومصالح ارزان قیمت بنا می شود و به صورت مختلط انسان و دام، زندگی می کنند.

۱۴- قانونی كه بر جامعه روستایی حاكم است، معمولاً همان عرف است كه به مرور زمان به وجود آمده و ثابت و تغییر ناپذیر است، قوانینی است كه پدران بدان عمل کرده و فرزندان نیز باید راه و رسم آنان را دنبال كنند. در شهر قوانین رسمی و مدون و آیین دادرسی و حقوقی وجود دارد كه به اقتضای خواستها و نیازهای دائم التغير شهرها پیوسته در حال دگرگونی است.

۱۵- در روستا مردم زودتر از مردم شهر ازدواج می كنند و ازدواج عمومیت و رواج بیشتری دارد. دایره همسرگزینی محدود است و بسیاری از ازدواج ها از نوع درون گروهی یعنی ازدواج هایی است كه میان خویشاوندان و افراد هم طایفه و محلی صورت می گیرد. در شهر ازدواج ها به نسبت دیررس تر است و به علت

تماس و ارتباط روز افزون میان زن و مرد در محیط های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، نوع ازدواج ها بیشتر برون گروهی است.

۱۶- منابع معیشت در روستا محدود است، چنانچه زراعت یا دام پروری و در مواردی باغداری یا صنایع دستی الگوی اساسی معیشت در ده را تشکیل می دهد. حال آنکه در شهر منابع معیشت متنوع است و شهرنشینان از طریق فعالیتهای بی شماری می توانند خود را تأمین کنند.

۱۷- رفتار روستایی ابتدایی، ساده و در عین حال خشن است و همواره در رفتار و گفتار او نوعی خشونت احساس می شود. رفتار شهر نشین ظریف، آرام و خوش آیند است شهر و روستایی هر کدام زمانی خاص خود دارند. زمان در روستا کند گذر و دراز مدت است و همواره به حرکت کند و بطئی و دوام و استمرار عادت کرده است. در شهر زمان، سریعتر می نماید و شتاب زدگی از ویژگیهای زندگی شهری است.

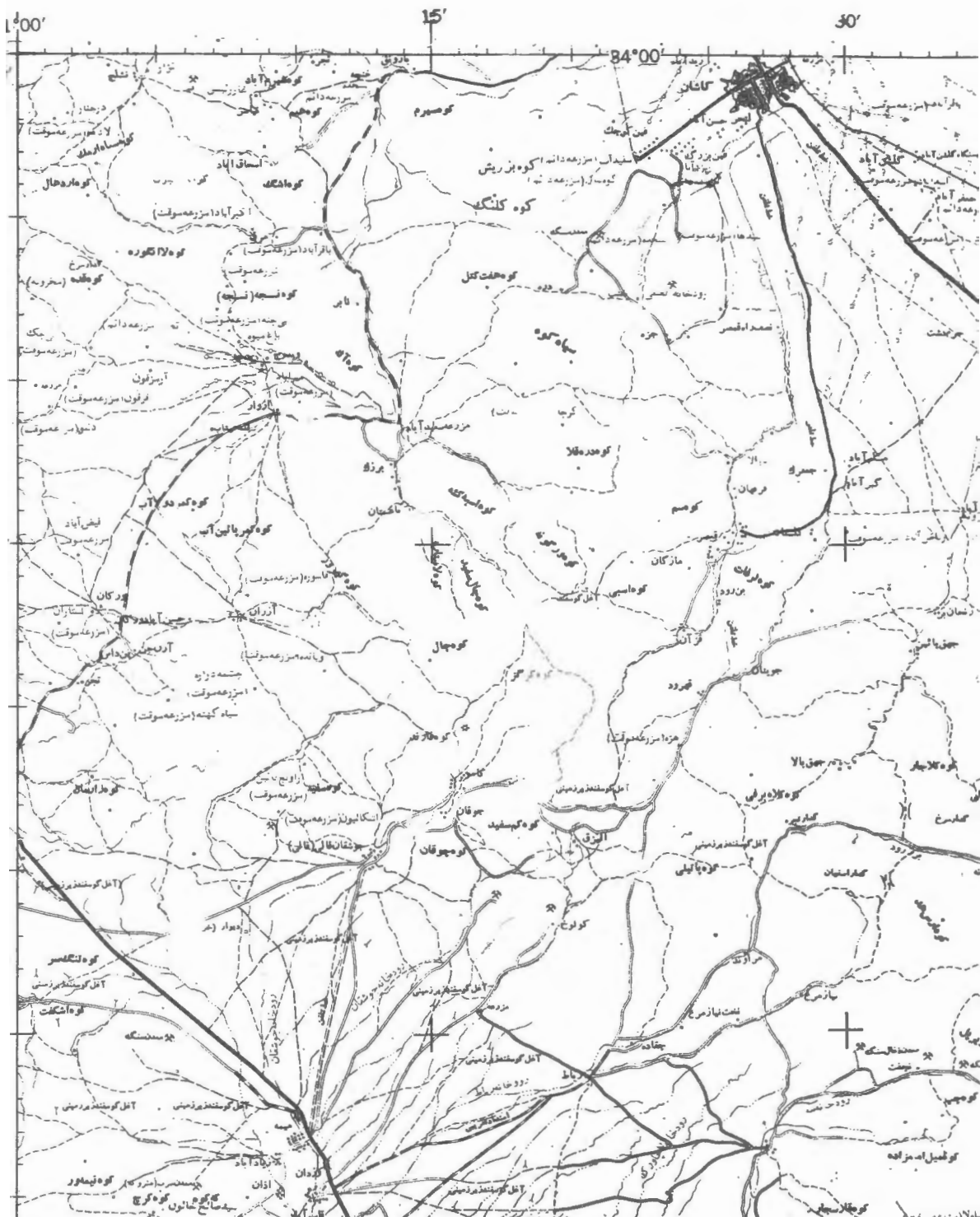
۱۸- زمان فراغت شهریان و روستاییان با هم فرق می کند. در روستا فصل زمستان، در شهر در فصل تابستان.

۱۹- تفاوت دیگر شهر و روستا مربوط به فضای تفریح و کار است. در شهر فضای کار و تفریح از هم جداست در روستا تفریح و کار ممکن است توأم با یکدیگر و در کنار هم انجام پذیرد.

۲۰- تغییرات در عادات و رسوم و سنت های روستایی کمتر از شهر است. دیگر فکر کنم بهتر باشد وارد بحث آداب و سنن اجتماعی فین کاشان شویم با موضوعی تحت عنوان کاشان گنجینه تمدن و خواننده عزیز را با سیر تاریخی، اجتماعی، فرهنگی فین آشنا سازیم.

در تحقیقی که در پیش روی خود دارید بطور مختصر از ساختارهای گوناگون جامعه شناسی و آداب و سنن آن در حد توان بصورت مشاهده ای و کتابخانه ای مطالبی آورده شده و امید است که توانسته باشم در این زمینه اطلاعاتی ناچیز در اختیار شما قرار داده باشم. همیشه و در همه لحظات شادکام باشید و این را بدانیم که:

سیر در عالم افلاك كرد	با توجه می توان ادراك كرد
چاه ژرفی، شاهراهی می شود	بی توجه کاه، کوهی می شود
مرتضی اخوان	
تابستان ۱۳۷۳	



فصل اول

کاشان گنجینه تمدن
ریشه اصلی نام کاشان
نام کوههای بزرگ کاشان
کوههای کاشان
رودخانه های کاشان
چشمه های کاشان
قلعه های شهر و دهات کاشان
بناهای تاریخی کاشان

کاشان گنجینه تمدن

گذری کوتاه بر اوضاع جغرافیایی و سابقه تاریخی کاشان

شهر کاشان که در منطقه ای واقع در حاشیه کویر قرار دارد، هزاران سال است که محل زندگی اقوام گوناگون بوده و تمدنی کهن را در خود جای داده است، چنان که تپه های موسوم به «سیلک» و آثار مکشوفه از این تپه (واقع در ۳ کیلومتری جنوب غرب کاشان) با هفت هزار سال سابقه تاریخی خودگواه این مطلب است. برای شناخت بهتر اوضاع اقلیمی و شهری و همچنین سابقه تاریخی این شهر گفتارمان را به دو بخش جداگانه تقسیم می کنیم:

الف - اوضاع جغرافیایی

ب - سابقه تاریخی

کاشان که همچون دیگر شهرهای حاشیه کویر، از يك سو پشت به کوهستان و از سوی دیگر روی به دشت کویر دارد با حدود ۲۱۰۰ هکتار وسعت و در ۵۱ درجه و ۲۷ دقیقه طول شرقی، ۳۳ درجه و ۵۹ دقیقه عرض شمالی واقع، و ارتفاع آن از سطح دریا حدود ۱۰۰۰ متر است.^(۱)

قدیمترین تشکیلات زمین شناسی اطراف کاشان را تشکیلات اندزیتی دوره ائوسن دوران سوم زمین شناسی تشکیل می دهد که در منطقه وسیعی از کوهستانهای جنوب کاشان سنگهایی که منشاء خروجی آتش فشانی دارند، گسترده شده اند. طبقات آبرفتی در دامنه های دشت کاشان در حدود ۱۵۰ متر است که به تدریج به طرف منطقه شمالی و کویری ضخامت آن کم می شود، جغرافی دانان، شهر کاشان را زمانی جزو ایالت جبال یا عراق عجم، محسوب می کردند تا این که بر اساس تقسیمات کشوری، قبلاً یکی از شهرهای استان مرکزی و از سال ۱۳۵۵ تاکنون از توابع استان اصفهان محسوب می شود.

این شهر در ۲۲۰ کیلومتری جنوب پایتخت و در ۹۰ کیلومتری جنوب شرقی قم قرار دارد. کاشان که در ناحیه مرکزی ایران قرار گرفته است از طرف شمال به

۱- این ارتفاع از ۸۴۰ متر در پهنه کویر تا ۱۳۰۰ متر در کوهپایه های اطراف متغیر است.

کویر و شهرستان قم، از جنوب به خاک اصفهان، از شرق و شمال شرقی به دشت کویر، از جنوب شرقی به اردستان، از سمت غرب به شهرستانهای دلجان محلات و گلپایگان متصل است.

زبان مردم این شهرستان، فارسی است ولی در روستاهای حاشیه شهر، زبان رایجی و تاتی رواج دارد که اصل آن از واژه های فارسی دری یا فرس قدیم است. ضربابی در تاریخ کاشان می نویسد:

«مردم بلوک (حومه) را زبانی دیگر است که اهل شهر از فهم معانی آن بی خبرند و آن را زبان رایجی گویند.»

مذهب مردم این شهر شیعه اثنی عشری است. چنان که به واسطه ایمان راسخ، زهد و تقوی بی نظیر شیعیان آن از صدر اسلام تاکنون با نام «دارالمومنین» درصدر شهرهای شیعه نشین قرار گرفته و به نیکی از آن یاد شده است.

یاقوت حموی نیز در معجم البلدان در مورد ایمان مردم کاشان می نویسد: «عده ای از علویان ساکن کاشان منتظرند که صبح فردا قائم آنها ظهور کند و در هر طلوع، مسلح سوار بر اسب به خارج شهر می روند و متأسف بر می گردند».

جهت سلسله جبال در این ناحیه، از شمال غربی به جنوب شرقی است که مهمترین قله های آن قله واقع در شرق «نیاسر» با ارتفاع ۳۶۰۰ متر قله واقع در جنوب «برزک» با ارتفاع ۲۵۰۰ متر، قله «هفت کتل» با ارتفاع ۳۰۰۰ متر و قله «کرکس» با ارتفاع ۳۸۰۰ متر می باشد.

- آب و هوای کاشان در قسمت جلگه، گرم و خشک و در نواحی کوهستانی نسبتاً سردسیر است. دلیل اصلی خشکی هوای کاشان مجاورت آن با دشت کویر است.

- حداقل مطلق درجه حرارت آن ۱۲ درجه سانتی گراد در دی ماه.

- حداکثر مطلق درجه حرارت آن ۴۸ درجه سانتی گراد در تیر ماه.

- متوسط ریزش باران ۲۵ ساله اخیر ۱۳۰ میلی متر می باشد.

- متوسط تبخیر ۱۰ ساله آخر ۲۵۰۰ میلی متر است.

وزش بادهای کویری که از صبح تا شام جریان دارد. موجب حرارت و خشکی هواست و از شام تا بام که نسیم خنکی از جهت کوهستان جریان پیدا می کند باعث تعدیل هوای منطقه می گردد.

بادهای موسم به باد سرخ^(۱)، باد شهریاری، بادسام، باد شمال و باد قبله از بادهای معروف این منطقه است که اکثراً از کویر به سوی کاشان می وزد. طبق نقشه جغرافیایی سازمان نقشه برداری کشور شهرستان کاشان دارای ۴ بخش است.

۱- آران و بیدگل (۷ روستا)

۲- قمصر (جمعاً ۴۵ روستا تابع بخش نیا سرو قمصر)

۳- نیاسر

۴- مرکزی و حومه (۳۲ روستا)

در کتاب فرهنگ جغرافیایی نوشته اداره جغرافیایی ارتش ایران «تقسیمات کشوری شهرستان کاشان از سه بخش دانسته است»:

بخش حومه

شامل دهستانهای حومه، کویرات که مرز آن ابوزید آباد است و کوهپایه که مرکز آن راوند و مشهورترین روستای آن فین است.

بخش آران

تنها يك دهستان دارد بنام آران.

بخش قمصر

شامل دهستانهای جوشقان قالی، نیاسر، قهرود.

- بر اساس تقسیم بندی سازمان نقشه برداری کشور، در مجموع ۸۴ ده آباد در شهرستان کاشان وجود دارد اما بسیاری از دهات دیگر نیز دیده می شوند که به علل مختلف (نبودن آب و ...) خالی از سکنه شده و متروکه شده اند (به طور کلی بین ۱۱۰ تا ۱۳۰ روستا در اطراف این شهرستان وجود دارد).

در اراضی کشاورزی کاشان و حومه انواع درختان میوه می روید قسمت عمده زمین های این شهرستان زیر کشت پنبه و غله است. هم چنین گوجه درختی، سیب

۱- این باد که ریگ و خاک را چون ابر متراکمی از کویر به سوی کاشان می آورد، اخیراً به دلیل اجرای طرح مالچ پاشی در کویر مرکزی متوقف شده است.

درختی، انگور، سبزی کاری و صیفی کاری، چغندر، هویج و شلغم از دیگر محصولات کاشان است. علاوه بر آن پرورش گل در بخش قمصر، هندوانه و طالبی در آران و کشت سیب زمینی در حومه رونق خوبی دارد که در نهایت انار فین، راوند و عطر و گلاب قمصر از شهرت ویژه ای برخوردار است.

در کاشان معادنی مانند مس، آهن، سولفات باریم، زاج سبز، نمک طعام، سنگهای مرمر و تراورتن وجود دارد که بعضی از آنها دست نخورده باقی مانده است. در زمینه صنایع دستی، از قدم الایام حرف اول را می زده است و جایگاه و پایگاه اصلی صنایعی چون مخمل بافی، زری بافی، ابریشم بافی، پارچه بافی شعر بافی، قالی بافی، کاشیکاری و کاشیگری، سفالگری، مسگری و هنرهای فراوان دیگر بوده است که به دلیل رشد روز افزون تکنولوژی ماشینی اکثر رو به افول نهاده و تنها در زمینه صادرات فرشهای دست بافت در عرصه اقتصادی کشور، نقش مهمی ایفا می کند.

کاشان در زمره اولین شهرهای ایران است که صنایع کارخانه ای را در خود جای داده است. اولین کارخانه در سال ۱۳۱۳ شمسی تحت نام ریسندگی با سرمایه اولیه پانصد هزار تومان پایه گذاری شد و پس از آن کارخانه های دیگری مانند حریر و مخمل در سال ۱۳۳۸، تاروپود در سال ۱۳۳۴، کرک در سال ۱۳۴۵، پشم در سال ۱۳۴۸ و قالی راوند در سال ۱۳۵۰ به کار افتاد. از مهمترین صنایع ماشینی کاشان می توان از چندین کارخانه ریسندگی و بافندگی، کارخانه فرش ماشینی، قند سازی، پارچه بافی، بلور سازی، پلاستیک سازی و... نام برد. کاشان اینک با بیش از ۲۰۰ واحد صنعتی پیشرفته و فعال یکی از مهمترین قطب های صنعتی کشور محسوب می شود.

در زمینه منابع آب، کاشان شامل رودخانه ها، قنات ها، چاه های عمیق، نیمه عمیق و چشمه سارهاست مهمترین رودخانه های این شهر رودخانه های هنجن، قهرود، لتحر، وچم رود می باشند که همگی فصلی است. و بیش از ۱۳۰ رشته قنات در اطراف شهر وجود دارد که بین ۴۰ الی ۵۰ رشته آن هم اکنون مورد بهره برداری می باشد. علاوه بر قنات ها بیش از ۸ چشمه سار وجود دارد که چشمه «سلیمانیه» فین از آبدهی و اهمیت ویژه ای برخوردار است. کاشان بر سر شاهراه ارتباطی بسیار مهمی قرار دارد که پایتخت را به شهرهای جنوبی کشور ارتباط می دهد. این شاهراه کاشان را از طرفی به قم و تهران و از طرف دیگر به شهرهای جنوبی کشور همچون

نائین، یزد، کرمان، بندر عباس و ... مربوط می سازد.
طبق اولین سرشماری نفوس، جمعیت کاشان در سال ۱۳۱۱ در حدود ۴۰۰۰۰ نفر، در سال ۱۳۱۷ به ۴۶/۴۹۰ نفر، در سال ۱۳۲۸ قمری جمعیت شهر ۵۰۰۰۰ نفر و سرشماری ۱۳۳۵ شمسی آمار عمومی ۴۵۹۵۵ نفر^(۱) و در سال ۱۳۴۵ به ۵۸/۴۲۸ نفر و در سال ۱۳۵۵ در يك رشد سریع به ۸۴/۸۳۶ نفر، و طبق آمار سال ۱۳۶۱ جمعیت شهر ۲۵۱۱۳۷ نفر بوده است. جمعیت کاشان هم اینك نزدیک به چهارصد هزار نفر می باشد.

سابقه تاریخی شهر کاشان

در دوران بارانی بین آخرین دوره های یخچالی چهارم (زمین شناسی) به نظر می رسد در مرکز نجد ایران دریای پهناور و گسترده بود. این دریا با شروع عهد خشکی به تدریج كوچك و خشك شد كه اکنون در محل آن کویر بزرگ مرکزی برجاست و بشر در دوره استقرار در روستاها در اطراف این محل اسكان یافته است، چنان كه قدیمی ترین تمدنها را می توان در حاشیه هلالی شكل کویر یافت.

یکی از قدیمیترین تمدنهای این حاشیه، تمدن «سیلك» است. تپه های موسوم به سیلك واقع در ۳ کیلومتری جنوب غربی کاشان یکی از کهن ترین مراکز استقرار بشر در فلات مرکزی ایران به شمار می آید. حدود هفت هزار سال پیش مردم سیلك پایه و اساس تمدنی را بنیان نهادند كه در دوره های مختلف پیشرفت شایانی را به دست آورد.

نشانه هایی از این پیشرفت و ترقی را می توان در آثار سفالین و اشیاء مسی و مفرغی به دست آمده از این تپه ها (تپه های شمالی و جنوبی سیلك) كه امروزه زینت بخش اكثر موزه های معتبر ایران و جهان است، مشاهده كرد.

كاشان در دوران تاریخی در پرده ای از ابهام قرار گرفته است. به دلیل حفاری های ناچیز باستان شناسی در این منطقه، از اوضاع و احوال و آثار اشیاء دوره تاریخی آن آگاهی دقیقی نداریم، ولی با این وجود چند بنای ارزنده از این

۱- نراقی، حسن، تاریخ اجتماعی کاشان، ص ۱۳.

جمعیت: به موجب آمار بدست آمده از سرشماری عمومی آبان ۱۳۳۵ جمعیت كل حوزه شهرستان کاشان ۱۶۴۰۴۹ نفر و شهر کاشان ۴۵۹۵۵ نفر زن و مرد بوده.

دوران همچون «آتشکده نیاسر» و «آتشکده خرمداشت» (مربوط به زمان ساسانیان) و همچنین کشف سکه هایی از زمان هخامنشیان تداوم حیات و سیر پیشرفت زندگی را در این برهه از زمان در این منطقه کهنسال آشکار می سازد. علاوه بر آثار عینی، تاریخ نویسان فراوان از مردان نام آور و جنگجوی کاشان در این عصر (دوران ساسانی) سخن به میان آورده اند که در جنگهای بسیار شرکت کرده اند. «اعثم» کوفی تاریخ نویس بزرگ عرب از حضور ۲۰ هزار سوار جنگجوی قم و کاشان یاد کرده است که در جنگ «نهادند» حضور داشتند. کاشان در نخستین دهه های قرن اول هجری با هجوم عربها روبرو شد و پس از مقاومتی با از دست دادن استحکامات خود، تسلیم شده به تاراج رفت، حمد الله مستوفی در «نزه القلوب» بنای شهر کاشان را در دوران اسلامی به «زبیده خاتون» همسر هارون الرشید نسبت داده و در این مورد می نویسد: «در قرن دوم هجری مسلمانان در جایی بنام چهل حصاران زندگی می کردند.»^(۱)

کاشان در دوران آل بویه از رونق و آبادی خاصی برخوردار بود. و صنعت سفالگری و فلزکاری آن شهرت فراوان داشت. چنان که مقدسی در این زمان از کاشان چنین یاد می کند. کاشان شهری آباد و روستاهایی نیکو دارد کشتزارهایش بسیار، گرمابه ها نیکو نعمت فراوان و دارای دژ و خندقی است. با آغاز قرن پنجم و روی کار آمدن حکومت سلجوقیان، کاشان اهمیت و اعتبار روز افزونی یافت در این زمان، مردان بزرگ و نام آوری از این شهر به خدمت حکومت در آمده و به مدارج عالی رسیدند، چنان که راوندی می نویسد: «اغلب وزراء و مستوفیان و دبیران دربار کاشان بودند، هنر و علم در این زمان کمال یافت و کاشان محل و منشاء فضل و ادب شد. در این دوره، شهر توسعه یافت و بناهای عمومی فراوان گوناگونی مانند مسجد، مدرسه، خانقاه، دارالشفاء (بیمارستان) و کتابخانه ساخته شد. بیشتر بناهایی که در دوره سلجوقیان بنا شده است به دلیل زلزله های پی در پی ویران شده و از میان رفته اند، لیکن آنچه باقی مانده، نشانی از توسعه و آبادی کاشان در این عصر می باشد، مهمترین آثار بجای مانده از این بناها «مسجد جمعه» است که در دوران (سلجوقیان) بازسازی شده دارای گنبدی آجری و

۱- چهل حصاران نام محلی است که امروزه قسمتی از شمال شرقی کنونی شهر و اطراف اراضی کشاورزی بقعه ابولولو را شامل می شده است.

مناره ای مزین به خط کوفی با تاریخ ۴۶۶ هـ. ق است علاوه بر آن مناره «پنجه شاه» «برج و باروی شهر»، «بند قمصر» و «قلعه جلالی» از دیگر بناهای معروف این عصر به شمار می روند.

کاشان در قرن هفتم با حملات وحشیانه مغولان صدمات فراوانی دید و بخشی از شهر ویران شده به غارت رفت ولی دیری نپایید که به دلیل رونق کارگاه ها و بافت انواع قالی، پارچه، ساخت کاشی و سفال دوباره حیات خود را باز یافت. در این دوره بناهای تازه ای ساخته شده و بازار نیز گسترش یافت. در زمان «جهانشاه قراقویونلو» بناهای معتبر دیگری هم ساخته شده که برخی از آنها هنوز پا برجاست از جمله «میدان سنگ» و بناهای اطراف آن که به همت «عماد الدین محمود» بنا گردید.

با روی کار آمدن حکومت شاهان صفوی در قرن دهم هجری، اهالی کاشان که شیعیانی مؤمن بودند از حکومت آنان استقبال کردند. اگر چه زلزله ویرانگر سال ۹۸۲ هـ. ق ضربه سختی به بناهای شهر وارد آورد لیکن در این دوره از تاریخ، کاشان در همه شئون ترقی فراوان کرده و به متنها درجه شهرت دست یافت صنعت و هنر بافندگی در این شهر به اوج ترقی و شکوفایی رسیده و بهترین و زیباترین انواع پارچه های ابریشمی، کتان، مخمل، مرغوبترین قالی های پشم و ابریشم در کارگاههای نساجی کاشان بافته می شد.

چنانکه شاردن سیاح فرانسوی می نویسد: «اساس ثروت و حیات مردم کاشان از صنایع نساجی و ابریشم بافی و تهیه قطعات زربفت و نقره بافت تشکیل شده است». بازار کاشان در این دوره نیز رونق و گسترش یافت، شاه عباس در وسط بازار چهار سوق تازه ای بنام «قیصریه» مشتمل بر دکان ها و کاروانسراهای مجلل بنا نهاد، ده ها بقعه متبرکه بازسازی و نوسازی گردیده و کاروانسراها و مساجد با شکوهی ساخته شد.

یکی از ارزنده ترین و مجلل ترین بناهای این دوران «باغ فین» است که در پنج کیلومتری جنوب کاشان بنیان نهاده شد.

کاشان در دوران قاجار روزگار را به آرامی می گذراند و با آن که زلزله مهیب سال ۱۱۹۲ هجری قمری در واپسین سالهای حکومت زندیه شهر را ویران کرده بود و رونق زمان صفوی را نداشت ولی هنوز صنعتش بر سایر شهرها برتری داشت. شهر در این زمان گسترش یافته و بناهای فراوانی بدان افزوده شد. از جمله بناهای این

دوران خانه بروجردها، مسجد و مدرسه آقا بزرگ، مدرسه امام و ... است که از شاهکارهای هنری این عصر بشمار می روند. «دیولافوا» که در سده سیزدهم کاشان را دیده است آن را چنین توصیف می کند: خانه ها با خشت و گل تمیز ساخته شده، کوچه ها سنگفرش و بازار وسیع و آباد است.

کاشان در همه ادوار تاریخی و هنری از چنان غنا و تنوعی برخوردار شد که نظری حتی به اجمال و اختصار بر آنها فرصتی را طلب می کند این شهر ضمن معرفی چهره های استثنایی از ایمان و علم و ادب و هنر همچون: سید ابوالرضا راوندی، غیاث الدین جمشید کاشانی، بابا افضل مرقی، کلیم کاشانی، محتشم کاشانی (بزرگترین مرثیه سرای جهان اسلام)، کمال الملک، ملا احمد و مهدی نراقی و ... عنوان دارالمؤمنین را نیز برای خود به ارمغان آورد. و آثار بازمانده از آنان کاشان را در ردیف پر بارترین گنجینه های علمی و هنری جهان بعد از اصفهان قرار داد.

همه در وصف ذات او حیران وحده لا شریک له گویان

علاوه بر آن، روزگاری این شهر مرکز بزرگترین صنایع دستی، مخمل بافی، زری بافی، کاشیگری و ... بود. پارچه های ابریشمی و مخملی معروفی که در این شهر بافته می شد در تمام جهان بی نظیر بود. مسجدهای بی شمار با آجرهای کاشی تزیین یافته، خانه های بزرگ چند طبقه، راهروهای روباز، بادگیرهای دیواری بلند، برج و باروی روبه ویران قدیمی گنبدها و مناره های با عظمت بقاع متبرکه و قامت تنها مناره خمیده این شهر که هشت قرن پیش در کمال استحکام و زیبایی ساخته شده (مناره زین الدین) همه و همه نشانه هایی از عظمت گذشته این شهر و دلیلی آشکار بر پایداری و ایمان راسخ اعتقادات مذهبی مردم آن است.

کاشان باید به جسد مردان بزرگی که در آن مدفون شده اند، ببالد. این شهر با بیش از ۱۴۶ بقعه متبرکه و صدها مسجد و تکیه همچنان بعد از ظهور اسلام تاکنون جایگاه ویژه ای را در میان شهرهای اسلامی داراست.

به هر حال با پایان دوران قاجار و روی کار آمدن حکومت پهلوی سردمداران رژیم به دلیل وابستگی به غرب تلاش فراوانی کردند تا هر چه بیشتر مردم کاشان را بسوی فرهنگ بیگانه سوق دهند، اما به جهت ایمان مذهبی مردم این شهر موفقیت چندانی به دست نیاوردند. با شروع انقلاب اسلامی مردم این دیار همانند سایر شهرها یکپارچه و منسجم در راهپیمایی های علیه حکومت پهلوی شرکت کرده و با

پیروزی انقلاب و آغاز جنگ تحمیلی موج کمک های مادی و معنوی و شرکت قهرمانانه بسیجیان این شهر در جنگ زبانزد خاص و عام شد که در این راه شهدای فراوانی را نیز تقدیم انقلاب داشتند روحشان شاد باد^(۱).

ریشه اصلی نام کاشان

موضوع نام یکی از مسائلی است که همیشه در طول تاریخ مطرح بوده و نامهای متعدد برای آن تعیین شده که به چند مورد اشاره می نمائیم.^(۲)

۱- کی آشیان: این توجیهی است که بعضی ها کرده و می گویند از آنجایی که نخستین ساختمانها و آبادانی ها در سرچشمه فین به امر پادشاهان زمان انجام گرفته بدین مناسبت آنجا را (کی آشیان) یعنی خانه و جایگاه پادشاهان گفته اند.

۲- کاشانه: در قدیم این لغت معبد و جایگاه جشن و دل آرایی بوده و بعضی جاها بتخانه را تشکیل می داده است.

۳- کاه فشان: در تعبیر این کلمه بعضی از نویسندگان دوره اسلامی می گویند چون بنای شهر کاشان به امر زبیده خاتون همسر هارون الرشید خلیفه عباسی انجام گرفته و در آغاز احداث شهر برای تعیین نقشه حصار و دیوار شهر جای آن را کاه فشانی کرده اند. از آن جهت این نام را برگزیده اند که تدریجاً به کاشان مبدل گردید.

۴- چهل حصاران: این نام بدان جهت گذارده شد که هر محله این شهر دارای حصاری جداگانه بود و چون تعداد این حصارها به چهل فقره می رسید چهل حصاران نامیده شد.

۵- قاسان

۶- کاس رود

۷- کاشان: از تپه های سیلک گرفته شده که کاشی و کاسی مأخوذ از نام قبایل کاسویا (کاشو) بوده، مقارن حکومت حمورابی در بین النهرین، که بعدها به کاسیان و کاشیان و بالاخره به کاشان مبدل شده است.^(۳)

۱- نشریه سیلک شماره اول ناشر شهرداری کاشان از صفحه ۵ تا ۱۲.

۲- فرخ یار، حسین، بناهای تاریخی کاشان، صفحه ۹.

۳- نراقی حسن. تاریخ اجتماعی کاشان.

نام کوههای بزرگ کاشان

کاشان سرزمینی خشک (گرم و خشک) و بسیار کم آب رودخانه و نهري عظيم که پلي برای عبور و مرور لازم گردد، ندارد. طول جغرافیایی ۲۷° ۵۱، عرض جغرافیایی ۵۹° ۳۳، و ارتفاع متوسط آن نسبت به سطح دریا ۹۵۰ متر می باشد.^(۱)

کاشان در دامنه واقع شده و فاصله آن از دو طرف بکوه يك فرسخ و نیم و دو فرسخ و سه فرسخ الی چهار فرسخ است. چنانکه از جانب جنوب و قبله يك فرسخ و نیم است الی مزرعه شورابه که بالای سر فین سفلی و ابتدای کوهسار واقع است و قطر آن کوهها الی سرحد ده فرسخی همه جا هشت فرسخ و نیم و هفت فرسخ و شش فرسخ، سه چهار رشته کوههای عظیم بیکدیگر متصل است و از طرف شمال و مشرق همه جا کویر و دریای نمک و بند ريك و ريگزار و هموارست.^(۲)

کوهها: ارتفاعات شهرستان کاشان جزء سلسله جبال کرکس محسوب شده و تمرکز آنها بیشتر در جنوب این شهرستان به چشم می خورد اما شروع این رشته کوه از شمال باختری کاشان و مهمترین آنها عبارتند از:

الف - کوههای ولیجا (۳۳۳۰ متر)،

ب - کوههای اردهال (۳۴۶۳ متر)،

ج - کوههای سیاه کوه (۲۰۳۵ متر)، کوه کلنک ۱۰ کیلومتری کاشان (۲۲۴۸)،

د - کوههای دره قلا (۳۲۵۱ متر)،

و مرتفع ترین قله این شهرستان بنام کوه کرگز در دهستان جوشقان قالی واقع می باشد که (۳۵۸۸ متر) ارتفاع دارد.

نواحی شمالی و خاوری این شهرستان جلگه ای بوده و دشتهای معروف فین و کاشان، راوند، ابوزیدآباد از اهمیت خاصی برخوردار می باشد.^(۳)

۱- اداره جغرافیایی ارتش ایران، فرهنگ جغرافیایی صفحه ۹۱.

۲- کلاتر ضرابی (سهیل کاشانی)، عبدالرحیم، تاریخ کاشان، ص ۳۹.

۳- اداره جغرافیایی ارتش ایران، فرهنگ جغرافیایی، صفحه ۸۸-۸۹-۹۱.

کوههای کاشان

- ۱- ده قهرود، کوه موسوم به چشمه شاطر، کوه چهل دختران، کوه تخته جوهره و کوه کرکس.
- ۲- قریه قمصر، کوه موسوم به اندر، کوه دره کبود، کوه بون کری، کوه میدان، کوه امرو، کوه اشک، کوه اسبین، کوه یسارند.
- کوه یمین بند: عبارت از کوه جنوبی آن بند که متصل می شود به کوه مزرعه کرجار قمصر و کوه قریه جزه که در بالا سر قریه فین سفلی است و کوه هیشنگ که یک طرفش مرتفع قریه مزبوره قمصر است و یک طرفش متعلق بقریه بزرگ است.
- ۳- قریه بزرگ، کوه تیرآشتیان، کوه بزمجه، کوه سوك کارد، کوه چال نقره، کوه لاسیاه، کوه قلعه کردس.
- ۴- قریه مرق، کوه قبله (کوه نریاقي)، کوه سرده، کوه اشک، کوه لانگور، کوه سوچناده (آن کوهی است که دو پسر بابا افضل از فراز آن به نشیب افتاده و درگذشتند)، کوه لاسیاه.
- ۵- قریه اسحق آباد، کوه کلنک زرد، کوه زرد، کوه رودگله، کوه چال کمان.
- ۶- قریه نیاسر، کوه تالار، کوه شیریم آباد (کزا)، کوه سریچه، کوه درداز، کوه شیرآئین، کوه بیشه، کوه بن چناران.
- ۷- قریه نسلج، کوه شیر آئین، کوه مارآئین، کوه راجنک، کوه قلعه، کوه سنگر سرمال، کوه وائین، کوه دومیر.
- ۸- قریه خنب و دره، کوه هفت کتل، کوه زیرجون، کوفر کوه، کوه انبانه، سیاه کوه، کوه دندانه.
- ۹- قریه مشهد اردهال (غالی شوران)، کوه لاله، کوه در دره، کوه خاوون، کوه هشتمند.
- ۱۰- قریه سه ده، کوه آل، کوه سه کلنک که سه کوه است، کوه ترشاب، کوه آرمزگان.^(۱)

رودخانه های کاشان

اطراف شهر کاشان کاریزهای متعددی دایره است ولی رودخانه قابل ذکری از

۱- کلانتر ضرابی (سهیل کاشانی)، تاریخ کاشان.

کنار آن نمی گذرد. فقط رودخانه قمصر که از کوه کرگز سرچشمه گرفته پس از عبور از مرکز قمصر بسمت شمال و تا نواحی جنوبی شهر کاشان یعنی جلگه فین و مزرعه لتحر امتداد می یابد.

رودخانه هایی که مسیل است و هنگام بارش ابرهای بهاری سیلهای عظیم در کوهسار به جلگه و همواری کاشان جاری و به کویرات و حوالی دریای نمک منتشر و متفرق می گردد. سوای بعضی از رودخانه های کوچک که سیلابهای ضعیف روان می شود دوازده تا است.^(۱)

۱- رودخانه بند قمصر.

۲- رودخانه جزه، که هنگام بهار سیلهای بزرگ از آن سر به هامون می گذرد و به بندریگ منتهی می گردد.

۳- رودخانه خنب و دره، که از گرمسار قریتین خنب و دره و کوه هفت کتل سیلهای بزرگ تقریباً یک میل بالای سر قریه فین علیا به همواری می رسد یعنی از دو موضع به هامون روان می گردد، (این رودخانه سوك چم از کل رودخانه های کاشان بزرگتر است).

۴- رودخانه لقان گیر

۵- رودخانه قهرود

۶- رودخانه استرك مشهور به گله استرك

۷- رودخانه درم

۸- رودخانه همزر

۹- رودخانه هفت چاه

۱۰- رودخانه ده نار

۱۱- رودخانه (رود نعیم)

۱۲- رودخانه شوراب^(۲)

چشمه های کاشان

چشمه ها، این نعمتهای خدای عزوجل که زلال بودن آن و خوشگوار بودن آن

۱- اداره جغرافیایی ارتش ایران، فرهنگ جغرافیایی، صفحه ۹۱.

۲- کلاتر ضرابی، عبدالرحیم، تاریخ کاشان، از صفحه ۶۴ تا ۷۰.

انسان را به اعجاب می اندازد.

- ۱- چشمه فین (قریه فین)
- ۲- چشمه سارجوره بزرگ و جوره کوچک (قمصر)
- ۳- چشمه نابر (راوند)^(۱)
- ۴- چشمه نیاسر (نیاسر)^(۲)
- ۵- چشمه شب قول (قریه خزاق)
- ۶- چشمه ولود (قریه یزدل)
- ۷- چشمه قنات بدل آباد (قریه مشکان)
- ۸- چشمه های قریه شوراب^(۳)

قلعه های شهر و دهات کاشان

قلعه های شهر برای امور نظامی و اجتماعی، سیاسی بهره گرفته شده است.^(۴)

- ۱- قلعه جلالی (از بناهای ملکشاه سلجوقی و به سال ۴۶۰ هجری قمری در جنوب کاشان ساخته شده است).
- ۲- قلعه کلهران (محله کلهر)
- ۳- قلعه چهل دختران (محله چهل دختران)
- ۴- قلعه سی ارگ (تپه سیلک)، (سپیدارگ)
- ۵- قلعه مزرعه سفید آب است که در میان فین سفلی و مزرعه لتحر در ابتدای دامنه واقع شده، آن نیز مفقود الاثار است.
- ۶- قلعه صفیه است که در سمت شرقی باغ شاه صفی آباد متصل به آن باغ برپا بوده.

۱- چشمه نابر را عقیده بر آن است که این چشمه و چشمه فین از يك منبع است.

ضرابی، سهیل، تاریخ کاشان، صفحه ۸۲.

۲- چشمه نیاسر همانند چشمه فین آب گوارا و یکسان دارد ولی تفاوتش با چشمه فین، در کسر آب آن است. چشمه نیاسر به چشمه اسکندریه معروف است.

ضرابی، سهیل، تاریخ کاشان.

۳- کلاتر ضرابی، عبدالرحیم، تاریخ کاشان.

۴- کلاتر ضرابی (سهیل کاشانی) عبدالرحیم، تاریخ کاشان.

- ۷- قلعه گشتاسیب (اکبر آباد).
- ۸- قلعه محسن آباد (قریه طاهر آباد).
- ۹- قلعه مورچان (نوش آباد و علی آباد کنار جاده).
- ۱۰- قلعه واقع (بین قریه خزاق و یزدل).
- ۱۱- قلعه سفید (مزرعه حاجی آباد).
- ۱۲- قلعه فرعونی (ابتدای مزرعه درم).
- ۱۳- قلعه طسمیجان.
- ۱۴- قلعه دزدان (مزرعه ملک آباد).
- ۱۵- قلعه ساروق.
- ۱۶- قلعه خوابق (مزرعه خوابق).
- ۱۷- قلعه واقع در سن سن و یکی دردهنار.
- ۱۸- قلعه شوراب
- ۱۹- قلعه ای در اشنان زار.
- ۲۰- قلعه نزدیک به جاده عرب گریز.

بناهای تاریخی کاشان

- ۱- باغ تاریخی فین
- ۲- چشمه سلیمانیه
- ۳- حمام باغ فین
- ۴- حمام مجموعه اردهاال
- ۵- مناره زین الدین
- ۶- گنبد چهل دختران
- ۷- سوراخ ریزی
- ۸- برج و باروی شهر
- ۹- بازار کاشان
- ۱۰- بقعه شاهزاده ابراهیم فین
- ۱۱- بقعه مشهد اردهاال
- ۱۲- بقعه محمد هلال (ع) آران
- ۱۳- بقعه حبیب بن موسی (ع) کاشان
- ۱۴- بقعه سلطان میر احمد

- ۱۵- بقعة پنجه شاه
- ۱۶- بقعة امام زاده علوی
- ۱۷- بقعة بابا افضل مرق
- ۱۸- بقعة طاهر و منصور
- ۱۹- بقعة پای نخل
- ۲۰- بقعة خواجه تاج الدین
- ۲۱- بقعة ابولولو
- ۲۲- بقعة میرنشانه
- ۲۳- بقعة درب زنجیر
- ۲۴- بقعة شاه یلان
- ۲۵- مسجد و مدرسه آقا بزرگ
- ۲۶- مسجد و مدرسه میان چال
- ۲۷- مسجد بزرگ گذر بابا ولی
- ۲۸- مدرسه امام خمینی (ره) سلطانی سابق
- ۲۹- مسجد میدان کهنه (مسجد جامع)
- ۳۰- مسجد میر عماد (مسجد میدان)
- ۳۱- مدرسه و مسجد درب یلان
- ۳۲- خانه قدیمی بروجردیها
- ۳۳- تیمچه امین الدوله
- ۳۴- تیمچه حاج حسین صباغ
- ۳۵- تیمچه حاج حسین ملک التجار
- ۳۶- سرای شریف خانه یا گمرک
- ۳۷- کاروانسرای مرنجاب
- ۳۸- آب انبار حاج سید حسین صباغ
- ۳۹- آتشکده نیاسر
- ۴۰- آرامگاه شاه عباس

فصل دوم

تپه های سیلك يکى از قديمترين تمدنهای بشرى

خلاصه اى از گزارش حفريات تپه سيلىك
نوشته رمان گريشمن

تپه شمالى
تپه جنوبى

تپه های سیلك يکى از قدیمترین تمدنهای بشرى

بنا بر تحقیقات باستانشناسی و معلوماتی که از نتیجه کاوشهای علمی در تپه های سیلك واقع در ۳ کیلومتری غرب کاشان (بین کاشان و فین) بدست آمده است.

این ناحیه یکی از نخستین مراکز تمدن و سکناى بشر ما قبل از تاریخ شناخته شده از این جهت اکنون خلاصه ای از تحقیقات دانشمندان و کاوشگران این تپه تاریخی را درباره سیر تحولات طبیعی، تاریخی، این منطقه مورد بررسی قرار می دهیم.

پس از اعطای امتیاز انحصاری حفاری و بررسی های باستانشناسی در تمام ایران به دولت فرانسه در سال ۱۹۰۰ میلادی ژاک دومورگان به عنوان نماینده دولت فرانسه و سرپرست هیئت باستان شناسی فرانسه به ایران آمد و حفاریاتی را در شوش پیگیری نمود. بعداً پروفیسور گریشمن شخصاً سرپرستی حفاری در تپه سیلك را به عهده گرفت. در این محل لایه نگاری با دقت زیاد انجام شد و در تعیین طبقات استقراری لایه های آن عواملی مانند معماری، تغییرات نوع سفال و اشیاء کشف گردید.

این کاوشها که بر روی تپه سیلك انجام شد (تپه شمالی و جنوبی) نشان داد که در حد ۴۵۰۰ سال قبل از میلاد اقوامی که دارای تمدن بالنسبه قابل مطالعه ای بوده و وسایل کار آنها را بیشتر سنگ و استخوان تشکیل می داده است. در این مکان مستقر شده اند در ۴۲۰۰ سال ق. م. در وضع زندگی این مردم تغییری رخ داده و شکل و نوع و نقش و رنگ ظروف ساخته آنان به کلی تغییر می کند و معلوم می شود که ساکنین اصلی این منطقه مغلوب اقوام تازه واردی شده اند که دارای مشخصات سفال قرمز رنگ با نقش سیاه بوده است (مظاهر نفوذ تمدن هنری این اقوام در اطراف تهران چشمه علی وری کشف شده است).

از این زمان به بعد تپه شمالی متروکه و تپه جنوبی مورد استفاده قرار می گیرد. که معرف تمدنهای بعدی سیلك می باشد. مهمترین اکتشافات این قسمت پیدایش الواح گلی عیلامی است. بدین ترتیب که در ۵۵۰۰ سال پیش بر اثر ارتباط این اقوام با مدنیت شوش نگارش خط پروتو ایلامیت را فرا گرفته اند و الواح گلی فراوانی با قدیمترین نوع این خط در سیلك کشف شده اند.

تمدن اقوام تپه سیلك در ۳۵۰۰ سال پیش مغلوب تمدن آریایی می گردد که

آثارشان در طبقات و نیزه های بلند ظاهر می شود. در فاصله دو تپه بزرگ و کوچک دو گورستان قدیمی کشف شده که به نام گورستان (الف و ب) نامگذاری گردیده است.

آثار اقوام هزاره دوم از گورستان (الف) و اواخر هزاره دوم و اوایل هزاره اول از گورستان (ب) تپه سیلک بدست آمده است.

آثار مشکوفه از گورستان (ب) که مربوط به مهاجران تازه وارد به سیلک می باشد بیشتر شبیه آثار زیر خاکی تپه گیان (نهاوند) خورویین (ساوج بلاغ) و حسنلو (نقده) و نواحی لرستان می باشد.

خلاصه ای از گزارش حفريات تپه سیلک، نوشته رمان گريشمن

تپه سیلک در حقیقت از دو تپه که به فاصله ۶۰۰ متر از یکدیگر قرار دارند تشکیل شده است.

آثار قدیمی تر در تپه شمالی بدست آمده است. در این تپه طی ۳ فصل بین سالهای ۱۳۱۲ هـ. ق تا ۱۳۱۷ هـ. ق حفاری شده است. تپه شمالی سیلک در سال ۱۳۱۲ هـ. ق تپه ای بود به وسعت تقریبی ۱۱۰×۳۲۰ متر و به ارتفاع حدود ۶ متر از سطح زمین های اطراف بلندتر بود. گريشمن در قسمت شمال غربی تپه، اقدام به حفاری نموده و در عمق ۸۰/۱۱ متری از سطح تپه به سطح خاک بکر رسید.

آثار بدست آمده از تپه شمالی معرف دو دوره فرهنگی (الف و ب) است که دوره فرهنگی (الف) به ۵ دوره کوتاهتر و دوره فرهنگی (ب) به ۳ دوره کوتاهتر تقسیم می شود.

اینک به اختصار هر يك از این دوره ها را بیان می کنیم.

تپه شمالی

سیلک الف: این طبقه استقرار اول در تپه سیلک است و آثار و بقایای این طبقه روی خاک بکر قرار دارند که بقایای اولین ساکنین این محل می باشند. در این طبقه به علت وسعت محدود حفاری آثار معماری کشف نگردید ولی علیرغم فقدان بقایای معماری مقادیری قطعات سفالی بدست آمد که نشان می دهد اقوام اولیه ساکن تپه شمالی سیلک از حداقل چهار نوع سفال استفاده می نمودند. که عبارت

بودند از سفال قرمز ساده و قرمز منقوش و سفال خاکستری و روشن منقوش. علاوه بر سفال اشیاء دیگری نیز از سنگ و استخوان تهیه شده بودند که بدست آمد. در این طبقه احتمالاً اجساد در زیر مناطق مسکونی دفن می شدند. سیلک الف ۲:

با توجه به وسعت حفاری نسبتاً زیاد در این طبقه بقایای معماری که با چینه ساخته شده بود مشخص گردید. دیوار منازل فاقد پی بودند و سطح دیوارها اندود نشده بود. و علاوه بر ۴ نوع سفالی که در طبقه ۱ بدست آمد یک نوع سفال جدید به رنگ قرمز تیره نیز پیدا شد. سنت دفن اجساد در زیر منازل مسکونی در این طبقه همچنان ادامه داشته است.

سیلک الف ۳: آثار این طبقه معرف استمرار طبقه قبلی است با این تفاوت که سنت تزئین داخل و خارج ظروف بیش از پیش رایج شده بود. سیلک الف ۴: آثار بدست آمده از این طبقه نیز نمایانگر استمرار و تداوم سنت های فرهنگی قابل بوده و از سنگ و استخوان اشیاء متنوع و کارآتر نسبت به قبل تهیه می شده است. در میان آثار بدست آمده قطعات کوکی اشیاء مسی از قبیل مهره و آویز بدست آمد. که تمام آنها با روش چکشی کاری مس طبیعی که به صورت رگه هایی در معادن مس قرار دارند ساخته شده اند. ساکنان سیلک رگه های خالص مس را از معادن استخراج می نمودند ولی از چگونگی ذوب آن هنوز اطلاعی نداشتند.

سیلک الف ۵: آثار بدست آمده از این طبقه نیز استمرار و تداوم سنت های فرهنگی قبل را معرفی می نماید.

سیلک (ب)

تقسیمات طبقات استقراری این دوره نیز چون سیلک الف بر اساس دگرگونی های معماری استوار است. طبقه دوم سیلک به ۳ لایه ۱ تا ۳ تقسیم گردیده است. از خصوصیات معماری دوره دوم سیلک این است که بناها با خشت خام که با دست فرم داده شده اند، ساخته می شدند. سنت دفن اجساد زیر منازل مسکونی مانند گذشته ادامه داشته است و سفالهای سیلک (ب) همانند دوره الف تماماً با دست ساخته شده اند. و تنها نوآوری در این دوره در تزئین ظروف پدید آمده است. ظروف سیلک (ب) گهگاه با نقوش تزئینی سبک نباتات و حیوانات تزئین شده اند.

از دیگر آثار جدید دوره (ب) سیلک استفاده از سنگ مرمر برای ساختن دستبند از سنگهای سبز روشن برای تهیه تزئینات شخصی است. از فیروزه نیز برای ساختن اشیاء تزئینی کوچک استفاده می نمودند و اولین نمونه آن در بین آثار لایه سوم طبقه (ب) بدست آمده است.

در پایان دوره ۳ سیلک (ب) به عللی که هنوز روشن نشده است ساکنان تپه شمالی سیلک این محل را برای همیشه ترك کرده اند. حفار معتقد است که پس از ترك تپه شمالی ساکنان این تپه به محل تپه جنوبی نقل مکان کرده و دوره سوم سیلک معرف آثار آن اقوام است که در تپه جنوبی روی خاک بکر قرار گرفته است. آنچه که گفتیم تغییر و تحولات و دگرگونی فرهنگ و تمدن اقوام پیش از تاریخ بر روی تپه شمالی (تپه قدیمتر) بود و اینك تغییر و تحولات تپه جنوبی را که جدیدتر و دنباله تمدن شمالی است مورد بررسی قرار می دهیم:

تپه جنوبی

در تپه جنوبی نیز آثار دو دوره فرهنگی (دوره سه و چهار) شناسایی شده اند. آثار دو دوره قبرستان الف و ب نیز در اصل شناسایی گردیده است. دوره سوم تشکیل شده از ۸ لایه استقرار و از خصوصیات عمده این دوره استفاده از خشتهای قالبی در ساختن دیوارها و ساختن سفال با استفاده از چرخ سفالگری است. سنت دفن اجساد در زیر بناهای مسکونی کماکان ادامه داشته است. تزئین سفال علاوه بر روش ها و نقوش مرسوم قبلی از نقش انسان برای تزئین سفال نیز استفاده گردیده که بدعت تازه ای در تزئین سفال بوده است. به نظر می رسد که از چگونگی ذوب مس و ساختن اشیاء مسی با استفاده از روش قالب گیری اطلاعاتی داشته اند. یکی از مهمترین پدیده های فرهنگی اواخر این دوره استفاده از مهرهای مسطح است. در فاصله بین آثار سیلک سه و چهار، يك لایه ضخیم شن و خاکستر مشخص گردید. در طبقه چهار سیلک همان سنت های فرهنگی سیلک سه ادامه داده می شد و فقط مهرهای استوانه ای جایگزین مهرهای مسطح شدند. مهمترین پدیده فرهنگی در این دوره استفاده از خط و نگارش است. اقوام ساکن تپه جنوبی سیلک در دوره چهار از نوعی خط استفاده می کرده و مطالبی را بر روی لوحه های کوچک گلی می نوشتند آثار بدست آمده از دو قبرستان (الف و

ب) به ترتیب معروف دورهٔ مفرغ و آهن در این منطقه می باشند.^(۱)

۱- فرخ یار، حسین، بناهای تاریخی کاشان، از صفحهٔ ۱۴ تا ۱۸.

فصل سوم

فین کاشان
فین بزرگ

روستاهای مجاور فین کاشان
محله های فین بزرگ (سفلی)
محله های فین کوچک (علیا)

فین کاشان

آنچه امروزه بنام فین خوانده می شود در واقع از دو بخش مجزا تشکیل یافته است. که به فین بزرگ و فین کوچک معروفند. که در مجاورت هم واقع شده اند اما شهرت فین کوچک به دلیل قرار گرفتن باغ شاه و چشمه سلیمانیه، و قتل امیرکبیر در حمام فین در سال ۱۲۶۸ هجری است.

فین بزرگ

ده از دهستان حومه، بخش حومه، شهرستان کاشان، استان اصفهان طول جغرافیایی ۲۵، ۵۱° و عرض جغرافیایی ۵۷، ۳۳° ارتفاع متوسط ۹۵۰ متر. دشتی، معتدل خشک، در ۵ کیلومتری جنوب کاشان. جمعیت: ۷۰۰ خانوار، سرشماری ۱۳۵۵: ۳۹۲۶ تن. و هم اکنون حدود ۸۰۰۰ تن می باشند. زبان: فارسی دین: اسلام، شیعه کار و پیشه: کشاورزی، دامداری، باغداری، کارگری، فرشبافی با طرح کاشانی و نقش شکار گاهی. کشت: آبی، آب کشاورزی و آشامیدنی از چاه ژرف، چشمه و کاریز. فرآورده ها: گندم، جو، انار، انجیر، سیب، انگور، زردآلو، گوجه سبز و پنبه. رستنی ها: گیاهان خاکشیر، گل ختمی و کتیرا که کاربرد دارویی و صنعتی دارند و پوشش گیاهی برای چرای دام. جانوران و پرندگان: گرگ، آهو، شغال، روباه، خرگوش و کبک. و دارای دبستان، حمام، درمانگاه و مغازه های متعدد، مسجد، بانک و امکانات رفاهی دیگر، بقعه چهل دختر و ۲ زیارتگاه بنامهای شاهزاده هادی و شاهزاده قاسم است.^(۱)

روستاهای مجاور فین کاشان

روستای حسن آباد، خنب، دره، سفید آب، کوه سال، جزه، دیزچه
روستای حسن آباد: ده از دهستان حومه، بخش حومه، شهرستان کاشان،

۱- اداره جغرافیای ارتش ایران، فرهنگ جغرافیایی، صفحه ۸۲.

استان اصفهان طول جغرافیایی ۲۵، ۵۱°، عرض جغرافیایی ۵۸، ۳۳°،
ارتفاع متوسط ۹۵۰ متر. دشتی معتدل خشك، جنوب کاشان.
جمعیت: ۱۵۰ خانوار، سرشماری ۱۳۵۵: ۱۱۸۶ تن.
زبان: فارسی دین: شیعه
کار و پیشه: کشاورزی، دامداری، باغداری، کارگری، فرشبافی با طرح
کاشانی.

کشت: آبی، آب کشاورزی و آشامیدنی از چشمه، آب انبار و چاه ژرف.
فرآورده ها: گندم، جو، پنبه، تره بار، انار، انجیر، انگور، توت و زردآلو.
رستنی ها: درخت ون، و پوشش گیاهی برای چرای دام.
جانوران و پرندگان: گرگ و روباه، شغال، خرگوش و بک.
و دارای دبستان، حمام، مسجد و مردم آبادی وابسته به ده فین بزرگ می باشند
این آبادی از ۴ محله بنام محله پائین، محله حاجی باقر، محله سرپشته و محله
سیدها تشکیل شده است.^(۱)

روستای خنب: ده از دهستان حومه، بخش حومه، شهرستان کاشان، استان
اصفهان، طول جغرافیایی ۲۳، ۵۱° و عرض جغرافیایی ۵۲، ۳۳°، ارتفاع متوسط
۱۵۰۰ متر میانکوهی، معتدل خشك، در ۱۰ کیلومتری جنوب باختر کاشان
رودخانه فصلی چشمه از میان آبادی می گذرد. سیاه کوه در جنوب باختر، و کوه
هفت کتل در باختر آبادی است.

جمعیت: ۶۰ خانوار زبان: فارسی دین: اسلام
کار و پیشه: کشاورزی، دامداری، باغداری، کارگری و فرشبافی با طرح
کاشانی.

کشت: آبی، آب کشاورزی و آشامیدنی از کاریز.
فرآورده ها: گندم، جو، تره بار، آلوچه، سیب، شفتالو، زردآلو، گردو و بادام.
رستنی ها: گیاهان خاکشیر، گل ختمی، گل گاو زبان، کاربرد دارویی دارند و
پوشش گیاهی برای چرای دام.
جانوران و پرندگان: گرگ، روباه، شغال، میش، قوچ، بز کوهی و بک و دارای
فروشگاه مواد نفتی، حمام، مدرسه، مسجد و زیارتگاهی بنام شاهزاده طاهر

۱- اداره جغرافیای ارتش ایران، فرهنگ جغرافیایی، صفحه ۳۹.

است. مزرعه موقت کوجار در جنوب باختر وابسته ناین آبادی است.
این آبادی از ۸ محله بنامهای پس از، سردول، حیدر، سبرابه، ورپله، گله چره،
بونده، بغله و برزعلی تشکیل شده است.

روستای دره

ده از دهستان حومه، بخش حومه، شهرستان کاشان، استان اصفهان طول
جغرافیایی ۵۱°۲۰، ۵۳°۳۳، ارتفاع متوسط ۱۶۰۰ متر.
میانکوهی، معتدل خشک، در ۱۰ کیلومتری جنوب باختر کاشان.
روستای دره، رودخانه فصلی دره از کنار آبادی می گذرد. سیاه کوه در جنوب
و کوه هفت کتل در باختر آبادی.
جمعیت: ۸۰ خانوار زبان: فارسی دین: اسلام، شیعه
کار و پیشه: کشاورزی، دامداری، باغداری، کارگری و فرشبافی با طرح
کاشانی.

کشت: آبی، آب کشاورزی و آشامیدنی ازکاریز.
فرآورده ها: گندم، جو، تره بار، توت، زردآلو، آلوچه، گردو، بادام، بیدمشک و
سیب.

رستنی ها: درخت ون، گیاهان خاکشیر و گل ختمی.
جانوران و پرندگان: گرگ، شغال، روباه، قوچ، میش، بزکوهی و کبک و دارای
مدرسه، حمام، فروشگاه مواد نفتی، مغازه، مسجد.^(۱)

محله های فین بزرگ (سفلی)

- ۱- محله رودخانه - هیئت موسی ابن جعفر (ع)
- ۲- محله حیدری - هیئت علی اصغر (ع)
- ۳- محله چهارباغ - هیئت علی اصغر (ع)
- ۴- محله امامزاده هادی - هیئت سجادیه (ع)
- ۵- محله عارف - هیئت ابوالفضل (ع)
- ۶- محله ماداب - هیئت ابوالفضل (ع)

۱- اداره جغرافیای ارتش ایران، فرهنگ جغرافیایی.

۷- محله حاجی علی ها

۸- محله خالصة

۹- محله مزرعه

۱۰- محله کوه سال

۱۱- محله شریف

۱۲- محله سیدها (سادات) - هیئت اکبری (ع)

۱۳- محله حاجی نایی - هیئت حسینی (ع)

۱۴- محله جولاباد - هیئت قاسمی (ع)

از نظر امکانات و خدمات محله چهارباغ از محله های دیگر بهتر است. و از نظر ساختمانهای جدید که بنا شده است در محله خالصة بیشتر مشاهده می شود.

محله امامزاده هادی محله قدیمی و ماداب قدیمی و پر جمعیت است. در محله حیدری دشت مدفونه و دشت چغانه مقابل زیارت، و دشت ماداب، دشت سفید آب در محله حیدری است. چشمه سفید آب، خصوصیات آبش حالت مسکن و برای مرضهای سودا مفید است و تابستانها استفاده می شود.

محله های فین کوچک (علیا)

۱- محله زیارت (زیارتگاه سید السلطان سید علی بن امام موسی ابن جعفر و خواهرش آمنه خاتون).

۲- محله توتستان (در لت آهنی، تقسیم آب چشمه دو شاخه می شود).^(۱)

۳- محله انبار..

۴- محله شاهزاده ابراهیم.

۵- محله گذر.

۶- محله پنج روزه (در این محله آب چشمه پنج روز می گذرد).

۷- محله مصلی.

۱- قابل ذکر است که در فین سه لت داریم که آب چشمه باغشاه را تقسیم می کنند. الف) لت آهنی ب) لت ملا قطب ج) لت ناصری.

- ۸- محله رودخانه.
 - ۹- محله گندمی.
 - ۱۰- محله ملتی.
 - ۱۱- محله تنبلی (چشمه آبی پیدا شده و چون کم آب است به آب تنبلی معروف شده و محله هم چنین).
 - ۱۲- محله باغ کهنه.
 - ۱۳- محله ملا قطب (این محله از نظر آب و هوا بسیار دلپذیر است).
 - ۱۴- محله حیدری.
 - ۱۵- محله سازمان آب.
 - ۱۶- محله سرپایی (سرپائین).
 - ۱۷- محله پشت باغ.
- تمام محله ها از سرسبزی و خرمی قابل وصفی سخن می گویند و از چشمه ای که در این مکانها جاریست، حکایت می کنند و آنچه هوای این سرزمین را با طراوت و نشاط کرده مردمی خونگرم و پر محبت، با خصوصیات ویژه از نظر بافت مکانی است. باغهای فراوان و نعمتهای بیشمار خدایی روستای فین را صفا بخشیده.

فصل چهارم

باغ تاریخی فین
چشمه سلیمانیه فین
سوابق تاریخی
موزه باغ فین
وصف حمامهای کاشان
حمام باغ فین

باغ تاریخی فین

یکی از بناهای مجلل و با ارزش تاریخی باغ فین کاشان است که در ۶ کیلومتری جنوب کاشان و مجاور روستای فین (کوچک) قرار دارد بنای باقی مانده کنونی باغ مربوط به دوران صفوی است که بر روی بناهایی از عهد آل بویه ساخته شده و از لحاظ باغ آرای و آب رسانی دارای اهمیت ویژه ای می باشد همچنین به علت قتل امیرکبیر در حمام کوچک این باغ که در سال ۱۲۶۸ هـ. ق اتفاق افتاد معروفیت خاصی حاصل نموده است.

این باغ نمونه ای از قصور دوران صفوی می باشد که در زمانهای بعد (زندیه و قاجاریه) الحاقاتی بدان اضافه شده است. باغ فین از معدود باغهای سستی ایران است که صدها سال است بواسطه وجود آب چشمه سلیمانیه به حیات طبیعی خود ادامه می دهد.

بناهای این باغ عبارتند از:

- ۱- سر در ورودی و برج باروی آن.
 - ۲- شتر گلوی صفوی در وسط باغ.
 - ۳- شتر گلوی فتحعلی شاهی و اتاق شاه نشین در جنوب شرقی باغ.
 - ۴- موزه در غرب باغ.
 - ۵- حمامهای کوچک و بزرگ و کتابخانه در شرق باغ.
- بنای شترگلوی شاه عباسی که در وسط باغ قرار دارد عبارتست از سرپوشیده دو طبقه ای که تقریباً در وسط باغ و در مقابل سر در بزرگ واقع شده است در وسط آن حوض زیبایی با آب جاری قرار دارد و در روی دیوارهای آن هنوز آثار نقاشی های زیبا دیده می شود.
- از دیگر بناهای داخل باغ شترگلوی فتحعلی شاهی است که در سال ۱۲۲۶ هـ. ق ساختمان آن به پایان رسیده است.^(۱)
- داخل این سرپوشیده مناظر نقاشی شده بسیار زیبا همچنین کتیبه ای گچی به خط نستعلیق دیده می شود. علاوه بر این دو بنا حمامهای باغ که مربوط به دوران صفوی و قاجار است اهمیت خاصی را داراست. در حمام کوچک این باغ بود که امیرکبیر صدر اعظم دانا و توانای ایرانی پس از روزها انتظار سرانجام به شهادت رسید.

۱- فرخ یار، حسین، بناهای تاریخی کاشان، ص ۶۰-۶۱.

بطورکلی می توان گفت: در این باغ به ترتیب شاه صفی، شاه سلیمان، شاه طهماسب، شاه عباسی، فتحعلی شاه، کریمخان زند بناهایی را مرمت یا اضافه نموده اند.

باغ فین در دوران صفوی و قاجار از رونق زیادی برخوردار بوده ولی با آغاز مشروطیت و طغیان یاغیان و گردن کشان سردار کاشی تمامی در و پیکر و اشیاء داخل آن به غارت رفته و رو به ویرانی نهاد. و پس از آنکه تحت نظارت اداره حفاظت آثار باستانی قرار گرفت. در جهت حفظ و احیاء آن اقدامات مؤثری انجام گرفت. مجموعه بناهای این باغ در سال ۱۳۱۴ به شماره ثبت ۲۳۸ آثار تاریخی کشور رسید.^(۱)

چشمه سلیمانیه فین

در کتاب «تاریخ قم» نوشته حسن بن عبدالکریم قمی (نگارش ۳۲۸ ه. ق) حکومت روستای فین به اعصار کهن نسبت داده شده است. بر این اساس «جمشید» از پادشاهان اساطیری، چشمه و کاریز سلیمانیه فین را از دل زمین به در آورده است. و گشتاسب بانی آبادی فین بوده است.

بدین ترتیب قدمت فین و شهر کاشان در ازنای تاریخ به گذشته های دور و درازی می پیوندد. آثار و بقایای تپه سیلک کاشان به عنوان یکی از مهمترین محوطه های باستان شناسی در جوار شهر کاشان، مدرکی ارزنده از پیشینه باستانی این محدوده است.

چشمه فین از بن صخره های کوه دندانه و شکاف تخته سنگهایی که در شش کیلومتری غرب کاشان واقع شده، به صورت شگفت انگیزی از دل زمین می جوشد. انگیزه پیدایی آبادی فین و شهر کاشان به خاطر وجود همین چشمه است. به نوشته یکی از مورخان عصر صفوی، آب چشمه فین علاوه بر کشت و زرع در به حرکت آوردن آسیابهای متعدد یاری شایانی می داده است. در کتاب همراه القاسان (نگارش کلانتر ضرابی) مهمترین سند عملی، تعداد آسیابهای مزبور می و سه عدد ذکر شده است. هم اکنون آب فین به حوض و استخری دیگری به نام چشمه سلیمانیه

۱- فرخ یار، حسین، بناهای تاریخی کاشان، صفحه ۶۱.

می ریزد. و در جایی زیر دست چشمه سلیمانیه که به اصطلاح محلی لثه گاه نامیده می شود آب در آبگیرها و جدولهای زیبای باغ فین و از میان فواره های جهنده درون آنها گذر کرده از خیابانهای سرسبز و خرم باغ داخل آبادی می شود. و باغستانهای انجیر و انار را سیراب می سازد.

سرانجام مازاد آب فین به کشتزارهای حومه شهر روان شده به مصرف آبیاری به ویژه در امر سبزی کاری می رسد.^(۱)

- یکی از آبهای قدیمی که از جمله بدایع و عجایب روزگار است چشمه فین است و آنچنان است که در دامنه کوه دندان و هفت کتل در قدیم الایام آبی ظاهر شده در کمال لطافت و صفا بقدر دوازده سنگ و قریبتین فین علیا و فین سفلی که دودیه بزرگ معظم است از آن آب احداث و آباد گشته و بر علاوه مزارع لتحر و حسن آباد و درب فین و ناجی آباد که حومه شهر «کاشان» هستند از آب سبز و شاداب می باشد.

گویند؛ شاه صفی چون خواست باغ شاه را ابداع نماید به ملاحظه اعتبار و ازدیاد آب چشمه مزبوره دو حوضخانه ساخت به این تفصیل که بقدر سه چهار ذرع زمین را گود و پست کرده حوض بزرگ ساخته اطرافش را به فاصله دو ذرع راهرو و طاق نما و ایوان و اطاق از گچ و آجر بنا نهاده و تقریباً سیصد ذرع نهی زمینی حفر نموده تا زیر آن چشمه و به اصل آن منبع راه داد، آن آب به تمامه از آن مجرا وارد به حوضخانه اول که موسوم است به چشمه مردانه شود، چه که در آن حوضخانه سرباز همه وقت بجز مرد مجال دخول و خروج ندارد و آن آب به تمامه از آنجا خارج گشته دو بهره شود:

- یکی از پشت دیوار طرف شرقی باغ شاه گذشته وارد باغ و آسیاب کلانتر شده از آنجا به سایر طوایحین و باغات بنحوی که مذکور خواهد شد تقسیم می گردد دو بهره دیگر وارد به حوضخانه سرواز (سرباز)، دوم که معروف است به چشمه زنانه که همیشه بجز زنان در آن راهی ندارند داخل شده و از آنجا به حوضها و شترگلوهای باغ شاه گردش نموده خارج گشته داخل آسیاب خونی شود و از آنجا گذشته به اندک فاصله آن دو بهره بهم متصل گردند و سرایشب از باغات و عمارات عبور نموده تا به محل تقسیم می رسد.

۱- دکتر موسوی، سید احمد، پرورش باغ فین کاشان، صفحه ۵ و ۶.

اما حصار بندی و شترگلوی وسط و حمام بزرگ آن باغ محل اختلاف است.^(۱)

خلاصه در وسط آن باغ حوضخانه و شترگلویی ملوکانه مشتمل بر عمارات تحتانی و فوقانی بر پا داشته و حجاریها از سنگهای مرمر و نقاشیهای مانی و آزر بکار برده و در مرتبه سیم آن استادان چربدست کامل با چوب و آهن دستی عمارت کلاه فرنگی طراز نموده که در کمال ارتفاع، جالسین آن تمام فین و کاشان و کل توابع الی دریای نمک و سیاه کوه را تماشا کنند و اصل آن حوضخانه در چهار طرف به حوضهای سرشار و خیابانهای مشجربه اشجار سرو و چنار نگاه می کنند. که الحق آبی به آن پاکی و صفا و اشجاری به آن طراوت و سبزی و آراستگی و سرو ستانی به این نظم و پیراستگی که هر يك سر به فلك کشیده در تمام ربع مسکون دیده نشده و درهای طرف شمالی آن گشوده شود. منظر شاه نشینی که مشرف است به دریاچه بزرگ و آن مشرف است به خیابانی عریض و طولانی و جدولی از وسط آن خیابان روان است الی پای عمارت سر در آن باغ.

مع القصة آن باغ و آن حوضخانه از بناهای صفویه است ولی از آن زمان الی حال هر يك از سلاطین و شاهزادگان در آن باغ نزول اجلال نمودند. بیادگار و احداث عمارتی دلنشین کرده اند.

- من جمله حوضخانه شترگلوی جنوبی آن باغ است که به انواع و اقسام نجاریها و حجاریها و نقاشیها با کمال روح و فضا، نراحت و صفا آراسته.^(۲) میرزا معصوم خاوری در تعریف آنجا گفته:

شمالش را به عیسی بذله ها اندر روان بخشی

زلالش را به مریم خنده ها در پاك دامانی
و كذلك عمارات جنب آن و خیابانی که در جلو آن انداخته با جدولی از کاشی فیروزه الی آخر باغ که از دو دوش آن درختهای سرو و چنار صف کشیده و كذلك حمام کوچک و کریاس و بالاخانه سر در آن باغ که از جمله عمارات رفیعه منیعه ایران است و در پای آن از خارج باغ خیابانی است عریض و متن آن به سنگ فرش مسطح و همواره تقریباً پانصد ذرع، طول آن الی درب باغ شاه کهنه که آن نیز

۱- کلاتر ضرابی (سهیل کاشانی)، عبدالرحیم، تاریخ کاشان، ص ۷۲ و ۷۳.

۲- کلاتر ضرابی، عبدالرحیم، تاریخ کاشان، صفحه ۷۴.

باغی بوده مشتمل بر عمارات عالیه، منسوب است به شاه عباسی صفوی و این اوقاف خراب و منهدم الاثار و از پیرایه آبادی مجرد و معری است و بجز بعضی از درختها سرو و چنار آثاری از آن باقی نیست و از آن زمان خاقان خلد آشیان به بعد حکامی که به کاشان آمدند هر يك بقدر تکلیف دیوانی خود، درصدد مرمت و اصلاح عمارات باغ شاه سابق التفصیل برآمدند.^(۱)

در رابطه تقسیم آب چشمه سلیمانیه بیان شده است که خلاصه شش دانگ آب چشمه مزبوره را به تمامه ده جوب و نیم، و شش دانگ قنات موسوم به تنبلی که قریب به آن چشمه می آید به نیم جوب تعیین نموده اند که جملتان یازده جوب می شود و این قراری است که از قدیم الایام مقرر بوده و چنانچه در سالهای پر آبی هر قدر بر آب چشمه و قنات افزوده شود بر روی یازده جوب مزبور افزوده خواهد شد، و كذلك اگر کاسته شود از یازده جوب هر يك به اندازه خود کاسته خواهد گشت. و جمله از قرار تفصیل بقراء و مزارع معینه تقسیم می شود.

باید گفت که همه آب قنات تنبلی و چشمه فین یازده جوب است و هر جوبی به چهارده شبانه روز گردش می کند و هر روزی را يك طاق و هر شبی را يك طاق گویند. پس هر جوبی بیست و هشت طاق است، و از این قرار یازده جوب سیصد و هشت طاق دوازده ساعتی می شود. و بالتمام نصف خالصه دیوانی و نصف ملکی رعیتی است. و هر طاقی باصطلاح زارع و ارباب فلاح عبارت است از هفتاد و پنج سرجه دهقانی که هر شش سرجه و ربع، يك سرجه، يك ساعت نجومی است. و سرجه جامی است از مس بسیار نازک و سبك وزن تقریباً کیله ده سیر آب است که به ترکیب نیمه تخم مرغ و در ته آن سوراخی است به اندازه مخصوص و در سر مقسم هر دشتی مقرر است که ظرف بزرگی را زارعین پر آب نموده و آن جام مس را که موسوم است به سرجه بر روی آب گذرانند. از سوراخ ته آن آب بجوشد و کم کم آن جام لبریز شده فرو رود. فوراً از آب برآورد، خالی نموده مجدداً بر روی آب گذارند و چنان انگاره آن سوراخ و اندازه آن جام را گرفته اند که هر دوازده ساعت هفتاد و پنج نوبت پر شود و به آب غرق گردد و حاصل این عمل آن است که شاید يك طاق آب را ده نفر مالك یا مستاجر باشند، هر کس بقدر حق و سهم خود سرجه پیمانی کرده زرع خود را مشروب سازند.

۱- کلاتر ضرابی، عبدالرحیم، تاریخ کاشان، صفحه ۷۵.

مع القصه آن سیصد و هشت طاق آب، چهل و پنج طاقش مخصوص است به قریه فین علیا که اشجار و باغات، عمارات و زراعت دستی آنجا را مشروب می سازد و فین علیا مظهر و منشاء آب مزبور و قنات مذکور است و کل آن از قریه تجاوز نموده از موضع مقسم به قراء و مزارع مخصوصه تقسیم می شود.^(۱)

تقسیم سیصد و هشت طاق آب چشمه سلیمانی:

- ۱- فین علیا (کوچک) ۷۶ طاق.
- ۲- فین سفلی (بزرگ) ۶۰ طاق.
- ۳- مزرعه حسن آباد ۷۲ طاق.
- ۴- مزرعه درب فین و ناجی آباد ۷۲ طاق.
- ۵- مزرعه لتحر ۲۸ طاق.

اگر در بین تغییری در تقسیم آن ملاحظه شود به اعتباری دیگر است. — من جمله هشتاد و هشت طاق مخصوص است به خانه ها و باغات، اشجار و زراعت قریه فین سفلی و آن قریه را پنج دشت است که هر يك به اسمی موسوم و به جویی از آن مشروب می شوند:

- ۱- دشت پای میل و دشت متانه.
- ۲- دشت چغانه.
- ۳- دشت جولا آباد.
- ۴- دشت ماداب.

خلاصه منافع آن آب زیاد است و از قدیم الایام که قطعاً منافع و قیمت آب و املاک نصف امروز نبود ارباب تمیز و خبرت منافع آبچشمه فین را آفتاب به آفتاب که بیست و چهار ساعت نجومی است سه چاریک به وزن شاه که عبارت است از شصت سیر به وزن تبریز و بعبارت اخری نهصد و شصت مثقال طلای احمر تخمین زده اند. و قیمت طاقات آن را به اختلاف قیمت هر قریه و مزرعه، هر دشت و هر محل از طاقی سه هزار تومان الی یک هزار پانصد سوای عمارات و اعیان، باغات و غیره پانصد و شصت هزار تومان معین نموده اند. از قرار اشرافی ناصرالدین، شاهی هیجده نخودی عددی ده هزار دینار و محصول آن باغاتی و دشتی به انواع و اقسام مختلفه است.

۱- کلاتر ضرابی، عبدالرحیم، تاریخ کاشان، از صفحه ۷۷ تا ۷۹.

نظر به آنکه منشاء و مظهر آن چشمه در دامن است لهذا زمینش ریگ بوم می باشد. آنچه اراضی و بالاست همه را باغستان نموده اند و همه خانه ها در باغات واقع شده کمتر خانه ایست که در باغ و مشرف به باغات نباشد و از اشجار همه صنفی بغایت خوب و برومندی شود.^(۱)

بهذه التفضیل غالب اشجار و درخت انار زاغه و شاه پسند و آب دندان و شیرین بی دانه شهوار است. و مسلماً انار به درشتی و خوش طعمی، لطافت، نراکت، پوست نازک، خوش دانگی و خوش نمایی قریتین فین علیا و سفلی در تمام ربیع مسکون یافت نمی شود.

و انگور نیز بسیار ممتاز تربیت می گردد از قبیل: انگور عسگری بی دانه، صاحبی، شاهانی، شیرازی و میامتی، دل خروس، دل کبک و آزندائی، لرکش و غیره. آلوجه، آلوجه قیصی، زردآلو قیصی رکنی، قیصی سفیده، قیصی نیفی، قیصی اورجسی، شلیل زرد، شلیل سبز، شلیل سرخ و سفید، الک، هلو، شفتالو، گلابی، گنجانی، سیاه امرو، آلوبالو، سیب، به، انجیر و انواع توت های خوراکی در کمال لطافت و نراکت و حلاوت از قبیل: توت سفید بی دانه و توت شمیرانی، توت سیاه، شاه توت و توت سرخ شاهانی.

و اما محصول زمینی دشتی همه نوعی در کمال خوبی بعمل می آید از قبیل: جو، گندم، ذرت، گاورس، نخود، لوبیا، ماش، عدس، سنگک، خربزه، هنداونه، خیار، بادنجان، چغندر، شلغم، کلم، ترب، سیب زمینی، زردک، کاهو، اسفناج، جعفری، پیاز، سیر، تره، تیزه، پودنه، نعناع، ریحان، بادنجان فرنگی و غیره.

از مرکبات نیز نارنج، لیمو و بکرائی تربیت می شود و از همه جهت خوب بعمل می آید ولی در زمستان حفظ آنها از سرما و برف لازم است و از درختان سردسیری گردو، بادام، فندق، گیلاس نیز پرورش می شود و کذالك پسته ممتاز بعمل می آید و خاصیت آن:

در زمستان آب چشمه گرم است و در تابستان بغایت سرد و امراض سودا، کوفت، جذام، آکله، آشک، داء الفیل و نظایر اینها، این امراض مزمنه جلدیه را بسیار مفید و مجرب است که زن و مرد می آیند در عرض سال خود را از راههای دور و دراز به آن استشفاء می جویند زنان در چشمه زنان و مردان در چشمه مردان هفته ای

۱- کلاتر ضرابی، عبدالرحیم، تاریخ کاشان، صفحه ۵۴.

ساکن شده شبانه روزی ده نوبت سرو تن خود را به آب شسته مرض خود را رفع می نمایند و محصول عمده آن برگ ابریشم است که از درخت توت بعمل می آید.^(۱)

سوابق تاریخی

از قرائن معتبر چنین بر می آید که در هر عصر و زمان پیرامون چشمه آب شفاف و موج فین باغهای دلگشا و عمارت‌های زیبا بر پا شده است. ظاهراً در عهد ایلخانان مغول (۶۵۶ - ۷۳۶ هـ. ق) عمارت‌های کهنه فین نوسازی و در آبادانی آن کوشش شده است.

دوره صفوی

در سال ۹۰۹ هجری قمری شاه اسماعیل اول سر سلسله دودمان صفویه (۹۰۵ - ۱۱۳۴ هـ. ق) در سرچشمه فین با حضور اجتماع بزرگی از بزرگان و سران و نمایندگان جشن باشکوهی در سرچشمه فین بر پا کرد.

در سال ۹۸۲ قمری در دوران سلطنت شاه طهماسب جانشین وی زلزله سختی روی داد، در نتیجه عمارت‌ها و ساختمان‌های فین به کلی ویران شد.

در سال ۹۹۶ به فرمان شاه عباس اول (۹۹۶ - ۱۰۳۸ هـ. ق) طرح باغ و کاخ‌های جدیدی روی بقایای ویرانه های کهن ریخته شد. در همین زمان مظهر آب چشمه را حدود پانصد متر بالاتر از باغ فین قدیم (محل کنونی) قرار دادند و باغ جدیدی در محدوده زمینی به ابعاد ۱۵۷ متر طول شرقی - غربی و ۱۴۴ متر عرض شمالی - جنوبی حصار بندی شد. تا در چهار گوشه آن برج‌های گرد و مرتفعی نباشد. همچنین در فضای گسترده هر دو باغ قدیم و جدید خیابان و میدان وسیع و پهناوری برای چوگان اندازی و قبق اندازی و سایر بازیهای معمول آن زمان آماده شد. در همان زمان در خارج حد غربی بناها به منظور رفع مخاطره سیلاب سد استواری با سنگ و ساروج ساخته شد. که بقایای آن هم اکنون نیز موجود است.^(۲)

کاخ و عمارت و حوضخانه زیبای شاه عباس در این زمان در میانه و مقابل

۱- کلاتر ضرابی (سهیل کاشانی)، عبدالرحیم، تاریخ کاشان، ص ۵۵ و ۵۶.

۲- دکتر موسوی، سید احمد، بروشور باغ فین کاشان، صفحه ۷.

سر در بزرگ قدیمی باغ فین احداث شد که به شترگلی شاه عباس معروف است، لبه حوض و جدول خیابانهای چهار جانب این شترگلو نیز با تخته سنگهای مرسوس شفاف و زیبا در همین زمان آرایش یافت.

در سال ۱۰۵۰ هجری قمری شاه صفی پسر و جانشین شاه عباس اول عمارت دو طبقه زیبایی با چوب و آهن بر فراز شترگلی مزبور برافراشت که به عمارت کلاه فرنگی معروف شد. (شترگلو اصطلاح خاص معماری است و به راه آب زیرزمینی لوله با تنبوشه های بزرگ در زیر نهر به وسیله دو چاه تعبیه می شود. تا آب از يك سمت فرو رود و از سوی دیگر بالا آید). هم اکنون در روی دیوارها و سقف شترگلو که مانند سرپوشیده دو طبقه ای است آثار و بقایای نقاشی آب و رنگ دوره صفوی دیده می شود که مجالس نقاشی شامل دورنمای شکارگاه و تصاویری از شاهزادگان و غیره است. از راه قدیمی این ساختمان که از سنگ مرمر است قطعاتی که هنوز موجود است.

شاهان دیگر صفوی نیز ملحقات و اضافاتی بر ابنیه سابق افزودند و نسبت به حفاظت باغ و عمارت های فین کوشا بودند. متأسفانه در حمله های افغانه به ایران ویرانی بسیاری متوجه مجموعه باغ فین شد (۱۱۳۵ هـ. ق).

دوران زندیه

در پی آن زمین لرزه سال ۱۱۹۲ در زمان کریم خان زند زیانهای زیادی بر صدمات پیشین افزود. بدستور شهریار زند تا حدودی خرابیهای ناشی از زلزله ترمیم و عمارت دو طبقه تازه سازی به نام خلوت کریم خانی بنا شد. لیکن با زد و خوردهای خاندانی زند رونق باز یافته مجدداً از میان رفت.^(۱)

دوران قاجاریه

سال ۱۲۲۶ فتحعلی شاه قاجار (۱۲۱۲ - ۱۲۵۰ هـ. ق) به حاکم وقت کاشان حاج حسین صدراعظم اصفهانی فرمان مرمت اساسی مجموعه عمارت های باغ فین را صادر کرد. علاوه بر کف سازی و نماسازی جدارها و اطراف عمارتها و جدولهای آب، حمام بزرگ با تخته سنگهای مرمر شفاف و کاشیهای ممتاز هفت

۱- دکتر موسوی، سید احمد، بروشور باغ فین کاشان، صفحه ۸ و ۹.

رنگ و فیروزه ای ساخته شد. سرپوشیده و صفت نو بنیاد معروف به شترگلولی فتحعلی شاه در زاویه جنوب غربی از ساخته های همین دوره است که تقلیدی از بناهای مشابه عصر صفوی به شمار می رود که هم اکنون استخوان بندی اصلی این بنا محسوب می شود. داخل این سرپوشیده نیز مناظر نقاشی دلپذیر و کتیبه هایی به خط نستعلیق در روی گچ و ایوانی منظوم از شاعری موسوم به خاوری خواننده می شود.

کاتب محمد تقی حسینی و تاریخ کتیبه ۱۲۲۶ هجری نوشته شده که فتحعلی شاه هنگام اقامت بیست روزه اش در کاشان در باغ فین با حاج ملا احمد نراقی عالم و فیلسوف مشهور عصر ملاقات داشته است. روی هم رفته در زمان فتحعلی شاه باغ فین طراوت و زیبایی از دست رفته پیشین را بازیافته به عنوان تفرجگاه مشهوری در سراسر ایران شهره بوده است.

در سال ۱۲۵۶ محمد شاه قاجار (۱۲۵۰ - ۱۲۶۴ ه.ق) دستور مرمت و بازسازی عمارت های باغ فین را صادر کرد ولی زلزله سخت سال ۱۲۶۰ هجری مانع ادامه این امر شد.

در سال های بعد تعمیراتی در باغ فین صورت گرفت که مهمتر از همه مرمت سال ۱۲۸۲ ه.ق و دیگری در سال ۱۲۸۶ ه.ق به دستور احتشام الملک بود. احداث ورودی جدید باغ فین پس از دوره صفوی در سال ۱۲۸۶ صورت گرفت اینک در اطراف سر در محل پاسدار خانه و ساختمان های دیگر موجود است.

به دنبال ثبت باغ فین در فهرست آثار ملی تاکنون تعمیرات زیادی در این مجموعه انجام گرفته که مرمت سال های اخیر به شیوه اصولی از مهمترین تجربه های کارشناسان و معماران سنتی سازمان میراث فرهنگی کشور در امر بازسازی ابنیه و مجموعه های تاریخی ایران است بر رویهم باغ فین و بناهای آن به واسطه موقعیت خاص، وجود چشمه، درختان سرو کهن و بلند و جریان و گردش آب در استخرها، نهرها، حوض ها و فواره هایی متعدد از زیباترین باغ های قدیمی ایران بشمار می رود.^(۱)

۱- دکتر موسوی، سید احمد، بروشور باغ فین کاشان، صفحه ۹ و ۱۰.

موزه باغ فین

بعد از انتصاب علی محمد نظام الدوله صدری اصفهانی داماد فتحعلی شاه به حکومت کاشان به دستور وی در جبهه غربی باغ بنایی به منظور حرمسرای درونی ساخته شد که بعدها به خلوت نظام الدوله معروف شد در سال ۱۳۳۷ شمسی بر بقایای این ساختمان بنای موزه بر پا شد، که دارای دو قسمت است: (۱)

۱- بخش باستان شناسی

۲- بخش مردم شناسی

اشیاء موجود در موزه

۱- قرآن خطی پوست آهو، مطلا مربوط به عصر ائمه اطهار (ع) (اهدایی اداره اوقاف و امور خیریه).

۲- قرآنهای خطی از قرنهای هفتم تا سیزدهم قمری.

۳- تابلو مینیاتور کار مرتضی درویش کاظم.

۴- شال سلسله دوزی کرمان قرن سیزدهم ه.ق

۵- مخمل دستباف، کارگاه اداره میراث فرهنگی کاشان.

۶- صندوقچه خاتم و نقاشی مینیاتوری عاج اهدایی مرحوم سید مهدی

پورسیدی.

۷- نقاشی آبرنگ روی کاغذ- نمونه از نسخه خطی نستعلیق تصویر فتحعلی

شاه قاجار قرن سیزدهم هجری.

۸- صندوق خاتم قرن سیزدهم هجری اهدایی آقای رحمت الله سیاح.

۹- انواع مختلف قلمدان متعلق به دوران صفویه تا قاجار اهدایی معاون

الدوله غفاری کاشانی.

۱۰- قلمدان لاکه با نقاشی قرن ۱۳ ه.ق

۱۱- دوران احمد شاه قاجار اهدایی معاون الدوله غفاری کاشانی.

۱۲- يك جلد كلام الله مجید تذهیب شده سده ۱۳ ه.ق

۱۳- يك جلد كلمات مكنونه ملامحسن فیض کاشانی بقلم میرزا اسماعیل

نقرشی - اهدایی معاون الدوله غفاری کاشانی.

۱۴- كلام الله مجید با ترجمه فارسی بقلم عبدالله ابن آشور اصفهانی ۱۲۳۳

هجری قمری.

۱- دکتر موسوی، سید احمد، بروشور باغ فین کاشان، صفحه ۹.

- ۱۵- دعای جوش کبیر و جوش صغیر هزار و یک نام باری تعالی بخط غبار، روی پوست آهو قرن ۱۳ ه.ق.
- ۱۶- سه برك كلام الله خطی مذهب (زمان شاه طهماسب اول ق دهم)، اهدایی بانونجابت.
- ۱۷- زاد المعاد مرحوم مجلسی بقلم زين العابدين اصفهانی خوشنویس - سنه ۱۲۴۲ هجری قمری اهدایی بانو صديقه سالاری.
- ۱۸- نسخه خطی نفیس زیج الغ بیکی بنام روضه المنجمین که با همکاری میرزا الغ بیک رومی، ملا علی قوشچی، غیاث جمشید کاشانی به خط محمد رضا کاشانی تألیف شده و مربوط به قرن ۱۱ هجری می باشد. این کتاب از کتابخانه حاج ملا محمد حسین نظری و الد آیت الله غروی به کتابخانه دانشسرای مقدماتی اهداء شد و سپس به نقل مکان یافته و به موزه ملی کاشان هدیه گردیده است. (چهاردهم شهریور ماه ۱۳۵۷)
- ۱۹- خط نسخ دوران قاجاریه قرن سیزدهم هجری.
- ۲۰- انواع خط مذهب دوران قاجاریه.
- ۲۱- نقاشی مینیاتور و اشعار به خط نستعلیق.
- ۲۲- خطوط شکسته نستعلیق (رقم مرحوم استاد گلستانه اواخر قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم).
- ۲۳- انواع مختلف خطوط بقلم مرحوم میرزا حسن خان شیبانی خطاط معاصر کاشان اهدایی خاندان شیبانی.
- ۲۴- انواع مختلف خطوط خطاطان معاصر کاشان.
- ۲۵- خط نسخ دوران قاجاریه.
- ۲۶- مینیاتور (کارگاه سازمان میراث فرهنگی کشور).
- ۲۷- مینیاتور قرن سیزدهم ه.ق.
- ۲۸- قالیچه اهدایی و بافت آقای امیر افسری هنرمند کاشانی.
- ۲۹- گلدان سفالی لعابدار نقشدار، معاصر.
- ۳۰- مجسمه برنزی میرزا تقی خان امیرکبیر.
- ۳۱- انواع ظروف سفالی لعابدار، کارگاه وزارت فرهنگ و هنر.
- ۳۲- قاب آئینه جا کتابی عمل صنایع خاتم، کارگاه وزارت فرهنگ و هنر.
- ۳۳- جا چراغی عمل صنایع خاتم، کارگاه میراث فرهنگی کشور.

- ۳۴- تابلو مینیاتور معاصر بدون رقم.
- ۳۵- انواع زری، کارگاه میراث فرهنگی کشور.
- ۳۶- انواع زری، کارگاه وزارت فرهنگ و هنر.
- ۳۷- مخمل دست باف هنرمند کاشانی، کارگاه میراث فرهنگی کشور.
- ۳۸- سوزنی فلکار، کار اصفهان قرن ۱۳ هجری.
- ۳۹- قالب قلمکار، کار روی چوب قرن ۱۳ هجری.
- ۴۰- شال ترمه بقچه قلمکار قرن ۱۳ هجری.
- ۴۱- شال سلسله دوزی کرمان قرن ۱۳ ه.ق.
- ۴۲- انواع مسکوکات مسی ضرب کاشان قرن سیزدهم هجری.
- ۴۳- تصویر شاهزاده خانم قرن سیزدهم هجری.
- ۴۴- نمونه نقش قالی نقاشخانه کار حسن آقا حقانی نقش قالیچه لچک ترنج طرح شاه عباس قرن چهاردهم آذرماه ۱۳۰۶.
- ۴۵- قلمدان روغنی لاکی قرن سیزدهم هجری (اهدایی آقای سید عباس احدیت).
- ۴۶- نقش پشت شیشه قرن سیزدهم.
- ۴۷- قلمدان لاکی روغنی با تصویر ناصرالدین شاه قاجار کار علی کاشانی قرن سیزدهم هجری.
- ۴۸- سرمه دان منجوق دوزی قرن سیزدهم هجری.
- ۴۹- سرقلیان با بادگیر برنجی قرن سیزدهم هجری اهدایی آقای علی شریف.
- ۵۰- چوب سیگار قرن سیزدهم هجری اهدایی رضا افتخاری - یشم، اهدایی بانو عندلیب و الله مهدی پور سعیدی، کاشان.

غرفه اشیاء ماقبل تاریخ و بعد از آن

- ۱- ظروف سفالی شوش، خوزستان، هزاره دوم قبل از میلاد.
- ۲- تپه سیلک کاشان، هزاره اول قبل از میلاد.
- ۳- ظروف سفالی تپه سیلک، هزاره دوم قبل از میلاد.
- ۴- شوش، خوزستان، هزاره دوم، ق. م.
- ۵- گردن بند از جنس مفرغ تپه سیلک کاشان، هزاره اول قبل از میلاد.
- ۶- عطردان مفرغی تپه سیلک کاشان، هزاره اول قبل از میلاد.

- ۷- النگو از جنس آهن تپه سیلک کاشان، هزاره اول قبل از میلاد.
- ۸- گردن بند از جنس استخوان، تپه سیلک کاشان، هزاره اول قبل از میلاد.
- ۹- گردن بند از دانه های عقیق، سنگ لاجورد تپه سیلک کاشان، هزاره اول قبل از میلاد.
- ۱۰- گردن بند از دانه های عقیق لاجورد سنگ سیاه، تپه سیلک کاشان، هزاره اول قبل از میلاد.
- ۱۱- ظروف سفالی تپه سیلک، هزاره دوم قبل از میلاد.
- ۱۲- اشیاء مفرغی، قاب آینه، سرداسی، پیکان، النگو، کاسه، دیگ، شوش، خوزستان، هزاره دوم قبل از میلاد.
- ۱۳- مجسمه ایشتار شوش خوزستان هزاره دوم قبل از میلاد.
- ۱۴- ظروف سفالی اسماعیل آباد، هزاره چهارم قبل از میلاد.
- ۱۵- ظروف سفالی تپه سیلک کاشان، هزاره سوم تا هزاره اول قبل از میلاد.
- ۱۶- اشیاء برنزی لرستان سده ۸-۱۲ پ. م.
- ۱۷- اشیاء مفرغی لرستان، پیکان، دهانه اسب، زنگوله، خنجر، قرن ۸-۱۲ قبل از میلاد.
- ۱۸- اشیاء سفالی، خورویین- قزوین هزاره اول پ. م.
- ۱۹- آجر با نوشته خط میخی ایلامی، چغازنبیل خوزستان.
- ۲۰- اشیاء برنزی لرستان، هزاره اول پ. م.
- ۲۱- دوران هخامنشی، تخت جمشید، شوش.
- ۲۲- اشیاء مختلف فلزی (گرمی، آذربایجان دوره اشکانی).
- ۲۳- اشیاء مختلف سفالی (گرمی، آذربایجان، دوره اشکانی).
- ۲۴- خوزستان دوران اشکانی سر مجسمه سنگی.
- ۲۵- ظروف سفالی مکشوفه ده گالش از توابع پیرانشهر (اهدایی آقای عباس ابراهیمی فینی).
- ۲۶- اشیاء مختلف سفالی، شوش، دوره ساسانی.
- ۲۷- شوش، گیلان، دوران ساسانی.
- ۲۸- کاشی مربوط به حوض باغ شاه دوران صفویه.
- ۲۹- کاشی مربوط به کاشان، گرگان، فسا قرن هفتم هجری.
- ۳۰- اشیاء سنگی نیشابور- قرن سوم هجری.

- ۳۱- ظرف با نوشته بخط کوفی.
- ۳۲- ظروف سفالی رنگارنگ، نیشابور، شوش، قرن سوم هجری.
- ۳۳- دروازه ورودی امامزاده زبیده خاتون کهک قم- ۹۷۹ هجری.
- ۳۴- شمشیر دوران صفویه (اهدایی حاج محمد سیاح).
- ۳۵- اشیاء خراسان- اصفهان دوران صفویه- قاجاریه.
- ۳۶- اشیاء ساوه قرن هفتم هجری.
- ۳۷- ظروف مفرغی منقوش دوران سلجوقی خراسان.
- ۳۸- ظروف سفالی، شیشه ای- نیشابور، گرگان، هفتم هجری.
- ۳۹- اشیاء نیشابور قرن سوم هجری.
- ۴۰- ظرف با تزئینات خط نما (نیشابور قرن سوم هجری).
- ۴۱- ظروف سفالی نقشدار لعابدار نیشابور قرن چهارم تا هفتم هجری.
- ۴۲- ظروف سفالی نقشدار، کاشان، ری، گرگان، قرن ششم هجری.
- ۴۳- ظروف سفالی نقشدار دوران صفویه، گرگان، ری، ساوه، قرن ۷ هجری.
- ۴۴- ظروف سفالی اصفهان دوران صفویه.

فرمان و مهر شاهان در موزه باغ فین

- ۱- فرمان مذهب با امضاء و مهر ناصرالدین شاه قاجار.
- ۲- فرمان فتحعلی شاه با مهر او شوال ۱۲۱۵ (اهدایی آقای حسینعلی کاشانی درودگر).
- ۳- فرمان ناصرالدین شاه مربوط به حل اختلاف دو طایفه (اهدایی خاندان بالاخانه چی با تذهیب).
- ۴- فرمان مظفرالدین شاه قاجار مربوط به لغو مالیات از قصاب و نانوا (اهدایی خانواده فراخی پور).
- ۵- فرمان مذهب قرن سیزدهم هجری.
- ۶- مهر عقیق بنام محمد بن باقر آقاجانی نوه سلیم آرانی زمان نادر (اهدایی).
- ۷- مهر برنجی مار و ماهی.
- ۸- انگشتر عقیق.
- ۹- مهر عقیق تا دسته نقره ای قرن سیزدهم هجری قمری بنام عبده الراجی عباس.

۱۰- عقدنامه دوران قاجاریه (اهدایی خاندان میرزا نصرالله و امام جمعه کاشان).

سکه های موجود در موزه

سکه های دوره ایلخانی (ایلخانان مغول):

۱- ارغون - ۶۸۳ - ۶۹۰ هجری.

۲- غازان - ۶۹۴ - ۷۰۳ هجری.

۳- ابوسعید - ۷۱۶ - ۷۳۶ هجری.

سکه های دوره تیموریان:

۱- امیر تیمور - ۷۷۱ - ۷۳۶ هجری.

۲- شاهرخ - ۸۰۷ - ۸۵۰ هجری.

سکه های دوره قره قویونلو (قره قونیلو):

۱- جهانشاه - ۸۴۱ - ۸۷۲ هجری.

سکه های دوره آق قویونلو (آق قونیکو):

۱- رستم - ۸۹۷ - ۹۰۲ هجری.

سکه های ضرب شده دوران صفویه

۱- شاه اسماعیل اول ۹۰۷ هجری.

۲- شاه طهماسب اول ۹۳۰ - ۹۸۴ هجری.

۳- شاه عباس بزرگ ۹۹۶ - ۱۰۳۸ هجری.

۴- شاه عباس بزرگ ۹۹۶ - ۱۰۳۸ هجری.

۵- شاه صفی ۱۰۳۸ - ۱۰۵۲ هجری.

۶- شاه عباس دوم ۱۰۵۲ - ۱۰۷۷ هجری.

۷- شاه سلیمان ۱۰۷۷ - ۱۱۰۵ هجری.

۸- شاه سلطان حسین ۱۱۰۵ - ۱۱۳۵ هجری.

سکه های افشاریه

۱- نادر شاه افشار ۱۱۴۸ - ۱۱۶۰ هجری.

۲- شاهرخ ۱۱۶۱ - ۱۱۶۲ هجری.

سکه های زندیه

- ۱- کریم خان زند ۱۱۶۳-۱۱۹۳ هجری.
- سکه های خلفای اموی:
- ۱- هشام بن عبدالملک ۱۰۵-۱۲۵ هجری.
- سکه های خلفای عباسی:
- ۱- منظور ۱۳۶-۱۵۸ هجری.
- ۲- هارون الرشید ۱۷۰-۱۹۳ هجری.
- ۳- مامون ۱۹۸-۲۱۸ هجری.
- ۴- المقتدریاله ۲۹۵-۳۲۰ هجری.
- سکه های ضرب شده سامانیان:
- ۱- نصر بن احمد ۳۰۱-۳۳۱ هجری.

سکه های ضرب شده دوران اشکانی

- ۱- مهرداد دوم ۱۲۳-۸۸ ق.م.
- ۲- ارد ۵۷-۳۷ ق.م.
- ۳- فرهاد چهارم ۳۸-۳ ق.م.
- ۴- گودرز ۴۰-۵۱ بعد از میلاد.
- ۵- بلاش اول ۵۱-۷۷ بعد از میلاد.
- ۶- بلاش سوم ۱۴۷-۱۹۱ بعد از میلاد.

سکه های ضرب شده دوران ساسانی

- ۱- شاپور دوم ۹-۳۷۹ بعد از میلاد.
- ۲- قباد ۴۸۸-۴۹۷ بعد از میلاد.
- ۳- خسرو اول ۵۳۱-۵۷۹ بعد از میلاد.
- ۴- خسرو دوم ۵۹۰-۶۳۷ بعد از میلاد.
- ۵- اردشیر سوم ۶۲۸-۶۳۰ بعد از میلاد.

سکه های ضرب شده آل بویه

- ۱- عضدالدوله ۳۳۸-۳۷۲ هجری.

سکه های ضرب شده دوران سلجوقی

- ۱- ملکشاه سلجوقی ۴۶۵-۴۸۸ هجری.
- ۲- سنجر بن ملک شاه ۵۱۱-۵۵۲ هجری.

سکه های ضرب شده از شاهان

- ۱- بلاش سوم
- ۲- پیروز (دوره ساسانی)، اهدایی شکوه جمشیدی (خرم آباد).
- ۳- سلطان ابو سعید گورگان.
- ۴- شاه طهماسب صفوی ۱۱۴۳ هجری قمری اهدایی حاجی جواد زرچی.
- ۵- شاه طهماسب دوم ضرب تبریز ۱۱۳۶ هجری قمری.
- ۶- فلوس صفوی ضرب کاشان ۱۱۳۱ هجری قمری (محمد تقی مرادی).

سکه های ضرب شده دوران قاجار

- ۱- سکه فتحعلی شاه قاجار قرن ۱۳ هجری ضرب اصفهان (اهدایی فخراله فتاحی فینی).
 - ۲- سکه فتحعلی شاه قاجار ۱۲۴۲ هجری قمری ضرب کاشان.
 - ۳- سکه فتحعلی شاه قاجار مکشوفه ضرب دارالمومنین کاشان.
 - ۴- سکه فتحعلی شاه قاجار دارالسلطنه قزوین.
 - ۵- سکه فتحعلی شاه قاجار دارالسلطنه اصفهان.
 - ۶- سکه فتحعلی شاه قاجار دارالمرز مازندران ۱۲۳۰.
 - ۷- سکه فتحعلی شاه قاجار دارالسلطنه تهران.
 - ۸- سکه فتحعلی شاه قاجار ضرب بلده طویه همدان.
 - ۹- سکه فتحعلی شاه قاجار ضرب بلده طویه همدان.
- سکه قاجار دارالخلافه تهران:
- ۱- سکه قاجاری دارالسلطنه اصفهان (اهدایی عبدالله جلالی)
 - ۲- سکه قاجاری اهدایی حاجی احمد آیین ضراب مشهد مقدس.
- سکه های ناصرالدین شاه قاجار:
- ۱- سکه ناصرالدین شاه قاجار ضرب تبریز ۱۲۹۰ هجری قمری.
 - ۲- سکه ناصرالدین شاه قاجار ضرب دارالخلافه تهران ۱۲۹۳ (اهدایی)

علیرضا حمیدیان).

سکه های احمد شاه :

۱- سکه جلوس احمد شاه قاجار ۱۳۲۷ هجری قمری (اهدایی نوراله دانشوری).

۲- سکه جلوس احمد شاه قاجار ۱۳۳۳ هجری قمری (اهدایی نعمت اله فخار).

۳- سکه جلوس احمد شاه قاجار ۱۳۳۲ هجری قمری (اهدایی ارشاد اسلامی کاشان).

سکه های مظفرالدین شاه:

- سکه ضرب شده تهران ۱۳۳۰ هجری قمری.

- سکه محمد علی شاه قاجار ۱۳۲۶ هجری قمری.

- سکه جلوس پهلوی ۱۳۰۸ خورشیدی.

وصف حمامهای کاشان

حمامها از آغاز در بین فضاهاى معماری شهری از اهمیت زیادی برخوردار بوده اند و تقریباً یکی از مهمترین بناهای شهری پس از مسجد و مدرسه محسوب می شدند. عوامل متعددی در شکل گیری فضا و بخشهای حمام نقش داشتند که مهمترین آن را می توان تنظیم دما، رطوبت، مسیر دسترسی و قرارگیری در داخل يك بافت شهری و آب های روان و ایجاد راههای خروجی برای فاضلاب دانست.

فضای اصلی هر حمام شامل: بینه، میان درو گرمخانه و خزینه می باشد. در اغلب حمامها مسیر دسترسی به سه مرحله یاد شده با طراحی جالبی انجام می گرفته است و خلاصه اینکه حمامها به چند گروه منجمله حمامهای زنانه، مردانه و گاهی حمام مختص مسلمین و غیر مسلمین تقسیم می گشته است.

شاردن فرانسوی در مورد گرمابه های کاشان می نویسد:

«گرمابه های کاشان فوق العاده عالی و خوب و تمیز و خوش ساخت است.»

حمامهای قدیم کاشان دارای صحن های تودرتو با درجه حرارت و گرمای مختلف بوده و همچنین خزینه های آب گرم و ملایم داشته است.

سطح و جدارهای این حمامها اغلب از سنگ تراشیده و مرمر سفید و کاشی لعابدار تزیین یافته بود محوطه حمام با سقف های گنبد شکل پوشیده شده و در

میان سقف نیز طاقهای کرجکتر و برجسته با سوراخهای متعدد برای نورگیری تعبیه نموده بودند که آنها را جامگاه می نامیدند. تعداد اینگونه گرمابه ها در زمانهای مختلف بر حسب تغییر و تحول اوضاع اجتماعی از ۲۵ تا ۳۰ باب به شمار آمده است. معروفترین حمامها از نظر تاریخی و معماری می توان از: ۱- حمام باغ فین ۲- حمام عبدالرزاق خان ۳- حمام بازار (حمام حاج سید حسین عطار) ۴- حمام مجموعه اردهال ۵- حمام محتشم ۶- حمام گذرنو ۷- حمام طاهر و منصور ۸- حمام سلطان امیر احمد.^(۱)

حمام باغ فین

در مجموعه باغ فین ۲ حمام كوچك و بزرگ وجود دارد که در قسمت شرق باغ می باشد که هر يك دارای خزینه و حوض های متعدد آب می باشند. حمام كوچك آن از حیث معماری چندان مهم نیست اما حمام بزرگ آن با ستونهای مرمر و سقف نقاشی شده جالب به نظر می رسد در حمام كوچك واقعه قتل امیرکبیر (قهرمان مبارزه با استعمار) روی داد.^(۲)

قابل توضیح است که مأموران اعزامی ناصرالدین شاه طی فرمانی در ۱۸ ربیع الاول ۱۲۶۸ هجری میرزا تقی خان امیرکبیر بانی اصلاحات و اندیشه های مترقی را در حمام فین رگ زدند و به زندگانی بزرگ مردی در تاریخ ایران پایان دادند.^(۳)

۱- فرخ یار، حسین، بناهای تاریخی کاشان، ص ۵۹.

۲- فرخ یار، حسین، بناهای تاریخی کاشان، ص ۵۹.

۳- دکتر موسوی، سید احمد، بروشور باغ فین کاشان، ص ۱۰.

فصل پنجم

فرمان عزل امیرکبیر
سفر شوم
عزل امیرکبیر با بزرگترین جنایت
صدراعظم جدید
گرفتن تمام مناصب امیر
نقش استعمارگران
فرمان قتل
جریان قتل
محل دفن پیکر پاک امیرکبیر
اقدامات امیرکبیر اتابک اعظم

فرمان عزل امیرکبیر

«چون صدارت اعظمی و وزارت کبری زحمت زیاد دارد و تحمل این مشقت بر شما دشوار است. شما را از آن کار معاف کردیم. باید با کمال اطمینان مشغول امارت نظام باشید و یک قبضه شمشیر و یک قطعه نشان که علامت ریاست کل عساکر است فرستادیم، به آن کار اقدام نمایند، تا امر محاسبه و سایر امور را به دیگران از چاکران که قابل باشند واگذاریم»

فرمان برکناری امیرکبیر از سمت نخست وزیری، به مضمون فوق در پنج شنبه نوزدهم محرم الحرام از طرف ناصرالدین شاه صادر و به وی ابلاغ گردید و بدین ترتیب بخدمت شایسته ترین نخست وزیر، در سراسر تاریخ ایران، خاتمه داده شد. فرمانی که سند بی لیاقتی و خودخواهی یکی از سلاطین مستبد و مستکبر قاجار و دلیل بدبختی و فلك زدگی و باعث سیه بختی و تیره روزی ملت ایران است.

بی شك اقدام به چنین خیانتی نسبت به ملت و مملکت، که برای شخص شاه هم خالی از خطر نبود، بدون مقدمات فراوان و عوامل قوی و نیرومندی، امکان پذیر نبوده و مسلماً کارگردانان این تراژدی از مدتها پیش دست بکار برده اند. تاریخ برای این خیانت عظمی دو سلسله علل و عوامل معرفی کرده است:

الف - جریانات داخلی و حوادث عادی و معمولی

ب - توطئه و نقشه آجانب استعمارگر و عمال آنها (بصورت بهانه و دستاویز).^(۱)

سفر شوم

روز اول ماه رجب ۱۲۶۷ امیر کبیر^(۲) در رکاب ناصرالدین شاه عازم سفر اصفهان شد، در این سفر میرزا آقا خان نوری در رکاب بوده و سفرای روس و انگلیس و عثمانی هم خود را به اصفهان رساندند. پانزدهم ماه رمضان به اصفهان

۱- حجة الاسلام هاشمی رفسنجانی، علی اکبر، امیرکبیر یا قهرمان مبارزه با استعمار، ص ۳۰۳.

۲- امیر کبیر فرزند کریمخان محمد قربان از اهل قریه «هزاره» واقع در دو فرسخی شمال غربی شهرستان اراک است. در خانواده ای از طبقات پایین ملت ایران بدنیا آمد و با حفظ این امتیاز در دامان یکی از بهترین و اصیل ترین خاندان های آنروز ایران، تربیت یافت و رشد نمود. (امیرکبیر صدر اعظم ناصرالدین شاه).

رسیدند و روز آخر ماه شوال اصفهان را از طریق کاشان به عزم پایتخت پشت سر گذاشتند.

در کاشان، امیرکبیر دستور اخراج یکی از پیشخدمتهای مخصوص شاه را بنام «میرزا محمد علیخان» که محرم اسرار شاه بود، صادر کرد (گویا این شخص جزء باند مخالف امیرکبیر بوده، زیرا پس از عزل امیر فوراً به کار خود برگشته است) شاه طبعاً از این اقدام ناراحت شد و وسوسه دشمنان امیر این ناراحتی را تشدید کرد. ولی طبق معمول که شاه در مقابل اقدامات امیر تسلیم بود و مخالفت خود را ابراز نمی کرد، عکس العملی در مقابل این اقدام هم نشان نداد.

در قم

شاه و همراهان از کاشان به قم رفتند، در قم شاه برخلاف معمول، بدون اطلاع قبلی امیرکبیر، فرمان داد که عباس میرزا (برادر شاه از مادر دیگر) که آنروز طفلی دوازده ساله بود، بعنوان حاکم قم در قم بماند. امیرکبیر که این کار را صلاح نمی دانست، برخلاف نظریه شاه دستور داد که عباس میرزا در التزام رکاب به پایتخت رود (امیرکبیر در نظر داشته که شاهزاده عباس میرزا که از مادری نجیب و عقیفه بشمر رسیده بود نامزد ولایت عهد کند). مخالفان داخلی و خارجی امیر فرصت مناسبی بدست آوردند و این عمل امیر را در نظر شاه جوان، بهترین دلیل بر ادعای خود که بارها به شاه گفته بودند (امیر قصد دارد عباس میرزا را بجای وی به سلطنت برساند) جلوه دادند. و در اینجا با آب و تاب شاه بی تجربه و ناآزموده را متقاعد کردند که امیر می خواهد با به تخت نشاندن عباس میرزا که طفلی بیش نیست، عملاً تاج و تخت کشور را تصاحب کند.

این وسوسه، همراه این قرینه، و بدنبال سوابق دیگر، در شاه مؤثر شد، شاه از همان روز تصمیم مبارزه با امیر را گرفت و بنا گذاشت که نیروی خود را علیه مربی و معلم و دلسوز خود و ملت، بکار ببرد.

برای اولین بار با نظر و عمل امیرکبیر مخالفت نمود و مجدداً دستور اکید صادر کرد که: «عباس میرزا بایستی در قم بماند» امیر کبیر هم مقاومت را صلاح ندید و تسلیم نظریه شاه شد و طی نامه ای مراتب فرمانبرداری و اطاعت و خیرخواهی خود را به شاه نوشت و ضمناً اشاره به تحریکات و سعایت های مخالفین ملک و ملت کرده و خود را تبرئه می نماید.

گویا همین جا است که شاه برای عزل امیرکبیر با نمایندگان خارجی مشورت کرده و موافقت و بلکه علاقه آنها را نسبت به عزل او درك می کند حتی تحريك هم می گردد.^(۱)

عزل امیرکبیر با بزرگترین جنایت

عصر روز پنجشنبه نوزدهم محرم ۱۲۶۸ امیرکبیر به عادت هر روز که به دربار می رفت و گزارش امور مملکت را می داد، به دربار رفت، و در محل انتظار هر چه صبر کرد خبری از احضار نخست وزیر نشد. او همه چیز را احساس کرد و همراه یکی از دوستان صمیمی خود «میرزا هاشم آقا تبریزی» به خانه برگشت.

هنوز چند لحظه ای بیش، از مراجعت به خانه نگذشته بود که فرستاده مخصوص شاه اجازه ورود خواست و به محض ورود دستور نحس، برکناری او از مقام صدارت و ابقای او در مقام امارت نظام را تسلیم وی نمود.

امیر برخلاف انتظار، با همه قدرت و امکاناتی که داشت در مقابل این جسارت و جنایت شاه از خود عکس العملی جز خونسردی و بی تفاوتی نشان نداد. با اینکه اگر می خواست شاید می توانست در مقابل شاه مقاومت کند و یا لااقل برای شاه دردسر و ناراحتی های طولانی و زیاد فراهم آورد.

خانم شیل همسر وزیر مختار انگلیس در یادداشتهای خود می نویسد:

«چند روز پیش از عزل امیرکبیر، جاسوس سفارت انگلیس در دربار اطلاع داد که شاه تمام سربازان گارد محافظ را به کاخ فراخوانده است که او را از خطر احتمالی حفظ کنند. این خبر ابتداء اعضاء سفارت را نگران ساخت ولی ساعت بعد، بار دیگر همان مأمور، اطلاع داد که شاه بنا دارد صدراعظم را عزل کند و احضار سربازان محافظ ارگ سلطنتی برای جلوگیری از حوادث احتمالی که ممکن است بر اثر مقاومت امیرکبیر پیش آید بوده است.»

گرچه امیرکبیر می خواست خود را نسبت به اقدام شاه بی تفاوت و خونسرد نشان دهد، ولی از طریق اطلاع یافت که دشمنانش مشغول توطئه هستند که او را تمام کنند و از طرفی بالعیان می دید که زحمات او را شاه جوان و خام به نفع استعمارگران به باد خواهد داد و بار دیگر، ایران عرصه تاخت و تاز گریان استعمار

۱- حجة الاسلام هاشمی رفسنجانی، علی اکبر، امیرکبیر یا قهرمان مبارزه با استعمار، ص ۳۰۶-۳۰۷.

خواهد گردید و لذا صلاح را در این دید که از خود دفاع کند و بهترین راه را این تشخیص داد که شاه را ملاقات کند و با مذاکرات خصوصی و حضوری از او رفع سوء ظن نماید و نقشه دشمنان خائن را نقش بر آب سازد.

ملاقات و دودلی شاه

تا آنجا که نویسنده بدست آورده است، در همان دو سه روز اول، امیر پنج نامه به شاه نوشته و در همه آنها تقاضای ملاقات و مذاکره درباره علل عزل، کرده است و از طرف شاه هم به بعضی از این نامه ها جواب داده شده که دودلی و حیرت او را نشان می دهد. و علاوه بر این مکاتبات، توسط، عزت الدوله خواهر شاه و همسر با وفای امیر پیغام های شفاهی رد و بدل شده است و بالاخره شاه امیر را به حضوری پذیرد.

امیرکبیر در ملاقات شاه به مقتضای طبع بلند و فکر مستقل خود و بر خلاف رویه افراد جاه طلب و بی شخصیت، عجز و التماس به خرج نداد و بلکه خدمات ارزنده و بی سابقه ای که به ایران و شخص شاه کرده بود تذکر داد و پس از تشریح خدمات و رفع اشکالات خیالی و بی حقیقت شاه، اظهار داشت که: «جزای این همه خدمت نباید چنین باشد».

شاه هم به مقتضای طبع استبداد و روحیه دیکتاتوری که داشت در جواب آن همه حرف حساب گفت: تمام این خدمات باخواست و اراده و قدرت و پشتیبانی خود ما انجام شده است. و سرانجام فقط شاه وعده داد که درباره اتهامات وارده، بررسی و بازرسی نماید و نتیجه را بعداً به اطلاع امیر برساند. امیر مدافعات عاقلانه خود را با حفظ عزت نفس انجام داد و به خانه برگشت و به انتظار نتیجه نشست.

از مجموع مدارك و اسناد مربوط به حوادث چند روز بعد از عزل امیر بدست می آید که ناصرالدین شاه درباره امیرکبیر کاملاً دودل و سرگردان بوده است و تنها قدرت و وسوسه باند مخالف امیرکبیر و پشت کار آنها بوده است که شاه را وادار می کرده با قلم لرزان و فکر متزلزل و متحیر، احکام صادره ضد امیر را امضاء کند.

او وقتی که خدمات گرانبها و کارهای پراچ امیر را بخاطر می آورد بی اختیار تحت تأثیر فکر و عمل و شخصیت ممتاز امیر واقع می شود و آن گاه که به سخن چینها و اتهامات غیر قابل گذشت امیر که علی الظاهر منجر به سقوط او از تخت سلطنت می شد، توجه می نماید و حس جاه طلبی و قدرت جویی

فوق العاده قوی وی آن جرائم را بی اندازه بزرگ و غیر قابل عفو جلوه می دهد، همانند گرگ تیره خورده ای تصمیم به انتقام می گیرد و بدخواهان دیو صفت هم که گاه و بیگاه مواظب اطوار و ادای او بودند تحت تعلیم و نظارت سفارت خانه های دول استعمارگر بر آتش برافروخته خشم شاهانه او دامن می زدند و همین عامل بود که کفه انتقام را بر کفه عفو و گذشت می چربانید.

در اسناد وزارت خارجه انگلیس ترجمه دو نامه از شاه به امیر که در همان دو سه روز بعد از عزل امیر نوشته، موجود است که علاقه عمیق شاه بر امیر و دودلی او را در مورد تصمیمات متخذه می رساند، نامه اول که روز بیست و دوم محرم نوشته شده چنین است:

«جناب امیر نظام! به خدا قسم بخدا قسم آنچه می نویسم راست است و شما را فوق العاده دوست دارم. خدا جان مرا بگیرد اگر بخواهم تا زنده ام دست از شما بردارم یا اینکه بخواهم بقدر سر موئی از حیثیت شما کم بکنم. طوری با شما رفتار خواهم کرد که حتی يك نفر هم از موضوع اطلاع پیدا نکند. طوری به نظر خواهد رسید که زیادی کار شما را خسته کرده حالا دو سه رشته از امور بعده من قرار گرفته است. تمام فرمانهای نظامی کشوری که سابقاً مهر و امضاء می کردید از این به بعد هم به مهر شما خواهد رسید، تنها تفاوتی که کرده این است که تا مدت کوتاهی مردم بینند من شخصاً به اموری که مربوط به کار نظام نیست رسیدگی می کنم، در کار نظام به هیچوجه دخالتی نخواهم کرد مگر آنچه شما مصلحت بدانید. مبادا خیال کنید اجازه دهم کسی استدعای بیجائی از من بکند و یا اینکه حقوق و مستمری به کسی اعطاء کنم، یا بگذارم پولی مثل زمان شاه مرحوم به هدر رود، حاشا که يك شاهی بیشتر از آنچه مقرر داشته اید به کسی بدهم و یا آنکه کسی بتواند حرفی بزند».

نامه دوم را که عصر همان روز و یا روز بعد نوشته و از جمله اول آن بر می آید که پس از ملاقات نوشته شده است، چنین است:

- جناب امیر نظام، بخدا قسم امروز خیلی شرمند بودم که شما را ببینم، من چه کنم؟ بخدا ایکاش هرگز پادشاه نبودم و قدرت نداشتم که چنین کاری بکنم، بخدا قسم حالا که مشغول نوشتن این کاغذ هستم گریه می کنم، بخدا بخدا قلب من آرزوی شما را می کند، من شما را دوست دارم اگر باور می کنید و بی انصاف نیستید [آمد و از حرفهای او (شاید مرا دعزت الدوله باشد) اینطور فهمیدم که شما

بیم دارید که این اوضاع به کجا خواهد انجامید. چه کسی می تواند يك لحظه حرفی بر ضد شما بزند، بخدا قسم اگر کسی چه در حضور من و چه در پیش اشخاص دیگر، يك کلمه بی احترامی درباره شما بکند، پدرسوخته ام اگر او را جلو توپ نگذارم، بحق خدا نیتی جز این ندارم که من و شما یکی باشیم و با هم به کارها برسیم به سر خودم اگر شما غمگین باشید بخدا نمی توانم تحمل غمگینی شما را بکنم. تا وقتی که شما هستید و من زنده ام شما را ول نخواهم کرد سردار وزیر جنگ خواهید شد و تمام کسانی را که شما گماشته اید در مقامشان باقی خواهند بود، حتی به قدرشان نیز افزوده خواهد شد، وزیر نظام (مقصود برادر امیر کبیر) است به حکومت عراق خواهد رفت و چرا غعلیخان به اصفهان و دیگران همچنان باقی خواهند بود...»

از این نامه بدست می آید که تشویق امیرکبیر بیشتر بخاطر این بوده که نبادا با سقوط کابینه او امور کشور، آنطور که به صلاح ملت و کشور است ادامه نیابد و شاه هم برای تسکین خاطر وی او را دلداری می دهد و ضمناً معلوم می شود که یا شاه از عکس العمل و مقاومت امیرکبیر سخت در وحشت بوده که اینگونه تواضع می نماید تا او را فریب دهد و غافلگیر کند و یا اینکه واقعاً امیر را دوست می داشته و به شخصیت او احترام می گذارده و روی جهاتی که بر ما مجهول است اجباری برای عزل او در کار بوده است.

جبهه مخالف امیر که مراقب این امکانات و ردو بدل پیامها و ملاقاتها بودند ترسیدند که امیرکبیر بار دیگر محبت و اعتماد شاه را جلب کند و بر سر کار آید و دمار از روزگارشان برآورد و مخصوصاً میرزا آقا خان نوری که دو روز پیش از عزل امیر کبیر مخفیانه از کاشان به پایتخت آمده و نامزد جانشینی امیر بود، با توجه به سوابق خود، بیش از همه وحشت داشت و لذا فعالیت شدیدی به منظور دور کردن امیر از مرکز و قطع روابط او با شاه شروع شد.^(۱)

«اعتمادالدوله نوری کسی نیست که طرفدار سیاست تجدد خواهی و اصلاح طلبی باشد، بلکه سعی دارد تحولاتی رخ ندهد و اوضاع در حال سکون باقی بماند» از نامه سفیر انگلیس به وزیر خارجه انگلیس

۱- حجة الاسلام هاشمی رفسنجانی، علی اکبر، امیرکبیر یا قهرمان مبارزه با استعمار، ص ۳۱۰ تا ۳۱۶.

صدر اعظم جدید

حوادثی که مقارن عزل امیرکبیر و در یکی دو روز قبل و بعد از آن واقع شده می‌رساند که توطئه عزل امیر و آوردن «میرزا آقا خان» و تقویت طرفداران سیاست انگلیس، بهم مربوط بوده، گرچه صورت کار طوری ترتیب یافته بود که این حوادث بی ارتباط به یکدیگر جلوه نماید.

کلنل شیل يك روز بعد از عزل امیرکبیر به وزارت خارجه انگلیس نوشته است: «چنانکه چند ماه قبل پیش بینی کردم و حال نیز محرمانه اطلاع یافته ام، اعتمادالدوله نوری صدر اعظم خواهد شد».

اگر توطئه ای در کار نبوده، شیل از کجا و چگونه پیش بینی صدارت نوری را کرده چند ماه قبل از سقوط امیر که ابدأ موضوع تغییر کابینه مطرح نبوده و محتمل هم نبوده تا پیش بینی صدارت شخص دیگری مطرح باشد.

دو روز پیش از برکناری امیر، میرزا آقا خان که در کاشان در حال تبعید به سر می‌برد، محرمانه پایتخت آمد و مشغول فعالیت شد.

ناصرالدین شاه برای ظاهر سازی دو سه روز خود را در انتخاب جانشین امیر مردد و سرگردان نشان داد، ولی در پس پرده همه چیز آماده بود و تصمیم ها گرفته شده بود. اشکال بزرگ کار این بود که شخص نوری در اثر رابطه با سفارت انگلیس و داشتن ورقه تحت الحمایگی و یا تبعیت انگلستان، لکه سیاهی بر دامن زندگی سیاسی خود داشت و از این جهت مناسب برای مقام صدارت عظمی آنهم جانشینی امیر کبیر نبود. برای صورت سازی و ریاکارانه تعهدی از او گرفتند که حمایت بریتانیا را از خود سلب کند و به هیچ دولتی غیر از ایران بستگی نداشته باشد.^(۱)

گرفتن تمام مناصب امیر

تلاشها و پشت هم اندازی های دشمنان امیر کار خود را کرد و به جای اینکه شاه از کرده زشت خود پشیمان شود و دست از خیانت نسبت به مردم بردارد، يك گام دیگر تحت تأثیر توطئه های خائنین در راه خیانت به ملك و ملت پیش رفت. قدمی که امیر و جبهه او را از اعاده وضع سابق مأیوس کرد.

۱- حجة الاسلام هاشمی رفسنجانی، علی اکبر، امیرکبیر یا قهرمان مبارزه با استعمار، ص ۳۱۸-۳۱۹.

شاه در روز بیست و پنجم محرم یعنی شش روز پس از عزل امیر، تمام اختیارات او را گرفت و وی را از تمام مناصب عزل نمود. روزنامه وقایع اتفاقیه در روز بیست و ششم محرم شرح زیر را منتشر کرد:

«... سرکار اعلیحضرت قوی شوکت شاهنشاهی به اقتضای رأی جهان آرای ملوکانه، صلاح و صرفه ملک و دولت و خیر و ثواب امور سلطنت را در این معنی ملاحظه فرمودند که میرزا تقی خان را از پیش کاری دربار همایون و مداخله در امور داخله و خارجه و منصب امارت نظام و لقب اتابکی و غیر ذلک و کل اشغال و مناصبی که به او محول بود بکلی خلع و معزول فرمایند». برای دشمنان امیر و نوکران استعمار این هم کافی نبود، آنها می خواستند که اصولاً امیر را از صحنه وجود بردارند تا با خیال راحت نقشه های شوم خود را پیاده کنند.

برای نابود کردن امیر صلاح چنان دیدند که ابتداءً او را از تهران دور کنند و رابطه او را با شاه بکلی قطع نمایند و آنگاه کاملاً تنها به قاضی روند و فرمان قتل او را بگیرند، زیرا باز هم احتمال در کار بود که امیر با ملاقات یا نامه یا پیک مخصوص، شاه را بر سر عقل آورد. شاه را وادار کردند که حکومت کاشان یا فارس یا اصفهان را به امیر پیشنهاد کرد، امیر هم که کف دست آنها را خوانده بود و همه چیز را با دیده تیز بین خود می دید، طبعاً از پذیرفتن آن پیشنهاد خودداری کرد و در خانه خود در حال سکون و سکوت و تسلیم بسر می برد.^(۱)

نقش استعمارگران

دکتر فریدون آدمیت معتقد است که نقشه امیر از تهران توسط سفارت انگلستان طرح شده و هم با کمک و مساعدی آن سفارت به مرحله عمل درآمده است.

در مذاکرات رسمی پترزبورگ این جمله موجود است که سینادین کارمند وزرات خارجه روسیه به صدر گفته است:

«شیل صاحب (سفیر انگلیس) از توطئه خبر داشت و اصرار هم در رفتن میرزا تقی خان او می کرد.»

۱- حجة الاسلام هاشمی رفسنجانی، علی اکبر، امیرکبیر یا قهرمان مبارزه با استعمار، ص ۳۲۴-۳۲۵.

گرت واتسن منشی سفارت انگلیس هم در کتاب خود نوشته:
این اسناد بوقوع اثبات می کند که سفارت انگلیس در توطئه های مربوط به
امیرکبیر رسماً دخالت داشته و نظر می داده و نظریه او بالاخره به مرحله عمل هم در
می آمده است. و جالب این است که استعمارگران در همان حال که رل رهبری و
راهنمایی باند مخالف امیر را داشته اند و همه چیز زیر نظر آنها و به میل آنها
صورت می گرفته، از طرف دیگر برای خریدن امیر و یا به منظور آلوده کردن وی، با او
در تماس بودند.

خانم شیل در یادداشت های خود نوشته که: سفیر انگلیسی به امیر پیغام داد
حاضر است او را در یکی از نقاط بیلاقی تهران تحت حمایت بگیرد ولی امیر زیر
بار نرفت.

ناسخ التواریخ هم نوشته: «مترجم اول سفارت روس با امیر ملاقات کرد و به
او پیشنهاد نمود در یکی از اماکن مقدس، یا جای دیگر بست بنشیند تا شاه از خشم
پایین آید، امیر این پیشنهاد را نپذیرفت.»

امیر به میل خود زیر بار بیرون رفتن از تهران نرفت ولی شاه تصمیم خود را
گرفته بود و امیر خواهی نخواهی بایستی از تهران بیرون رود و لذا دستور تبعید او را به
فین کاشان امضاء کرد و برای اجراء بدست «جلیل خان جلیلوند» داد.

آقای عباس اقبال آشتیانی درباره وضع حرکت امیر به کاشان نوشته:
«حرکت امیر به فین اگر چه ظاهراً با ابهت و جلال صورت می گرفت اما
سراپا متضمن خفت و خواری بود و سربازان دستور داشتند از امیر منفک نباشند. از
بی احترامی و درشت گویی خودداری نمی کردند.»

روز هشتم ماه صفر ۱۲۶۸، امیر و همراهان وارد تبعیدگاه خود «باغ فین»
می شود و تا آخر عمر در آنجا تحت نظر و مراقبت شدید مأموران، تقریباً زندانی
بود.^(۱)

اقدامات دشمنان امیر برای تهیه مقدمات صدور حکم قتل

۱- امیر را دشمن شخص شاه و مخالف سلطنت او، به شاه معرفی کرده بودند
و شاه را قانع ساخته بودند که امیر می خواهد او را خلع کند و به جای او برادرش

۱- حجة الاسلام هاشمی رفسنجانی، علی اکبر، امیرکبیر یا قهرمان مبارزه با استعمار، ص ۳۲۵-۳۲۶-۳۲۷.

عباس میرزا را به تخت بنشانند و سرانجام خودش زمام کشور را در دست گیرد و پیدا است که جزای چنین کسی از نظر شاه جز اعدام چیز دیگری نمی توانست باشد.
۲- میرزا آقا خان نوری یکی از شرائط قبول پست صدارت را اعدام امیرکبیر قرار داده بود.

این مطلب را کتابهای «خاطرات و خطرات» و «صدراالتواریخ» و «روابط سیاسی ایران و انگلیس» و «تاریخ قاجاریه» و ... نوشته اند.

۳- شرایطی بوجود می آوردند که شاه عملاً ببیند امیر کبیر از فرمان او سرپیچی می کند و حتی برای خنثی کردن نظریه شاه به سفارتخانه های خارجی متوسل می شود.

۴- از نوشته های خارجی بر می آید که برای افنای امیر پولهای زیادی خرج می شده و ایادی مرموز دست اندر کار بوده است، این دکتر پلاک، طیب مخصوص شاه است که در کتاب خود صفحه ۲۶۷ نوشته: «پولهایی که می خواستند برای خریدن او به رشوه بدهند و قبول نمی کرده به مصرف مخارج کشتن او رسید».

۵- سیاستهای ریاکارانه انگلیس در قتل امیر.

۶- سیاست پنهان روس در قتل امیر.^(۱)

فرمان قتل

«چاکران آستان ملایک پاسبان، فدوی خاص دولت ابد مدت حاج علیخان، پیشخدمت خاصه، فراشباهی دربار سپهر اقتدار، مأمور است که به فین کاشان رفته میرزا تقی خان فراهانی را راحت نماید و در انجام این مأموریت، بین الاقران مفتخر و به مراحم خسروانی مستظهر بوده باشد».

این است ثمره شوم آن همه تلاشها و شیطنت ها و این است نتیجه نکبت بار آن پشت هم اندازی ها و دوز و کلکها، ثمره تلخی که برای قرنهای و شاید تا ابد، کام ملت ایران را تلخ خواهد داشت و نتیجه فلاکت زائی که جلو ترقی و تکامل و استقلال و سیادت و سعادت ملت و کشور ایران را سد کرد و داغ اسارت و عقب افتادگی و توسری خوری و استعمارزدگی را بر پیشانی مردم ایران و بلکه قاره آسیا زد و بهترین فرزند ایران و مقتدرترین قهرمان پیکار با استکبار و استثمار را از مردم سیه

۱- حجة الاسلام هاشمی رفسنجانی، علی اکبر، امیرکبیر یا قهرمان مبارزه با استعمار، ص ۳۲۸ و ۳۲۹.

بخت و تیره روز ایران و بلکه آسیا گرفت.

می گویند دستور قتل امیر را توسط یکی از زنان زیبا و مورد علاقه شاه در حالیکه شاه را در دریای شهوت غرق کرده بود از او گرفتند. آن زن از خدا بی خبر که شاه عیاش و شهوتران را مست و مخمور کرده و سراسر وجود او را در تصرف خود در آورده بود، از او خواست که این سند بدبختی و سیه روزی ملت ایران را امضاء کند، شاه هم فوراً آن را امضاء کرد و بدست او داد و او هم بلادرنگ آن را نزد دشمنان امیر فرستاد و خود طبق مأموریتی که داشت باز به عشوه گری پرداخت تا چند ساعت دیگر نگذارد شاه به حال عادی برگردد.

شاه وقتی که به حال عادی برگشت، یاد امضای فرمان اعدام امیر، سرپای وجودش را لرزاند و از سوگلی حرم خواست که آن فرمان را به او برگرداند، ولی جواب این بود که فرمان همایونی همان نیمه شب به مأمور اجراء داده شده و در همان دل شب چاپاری به طرف کاشان حرکت کرده است.

خلاصه این حکم، امضاء شده تسلیم علیخان شده و او به همراهی چهار نفر دیگر با سریعترین وسایل ممکن بسوی کاشان حرکت کرد.^(۱)

هویت جلاد (علیخان حاجب الدوله)

بد نیست خوانندگان گرامی بدانند که این علیخان حاجب الدوله در زمان محمد شاه، به اتهام دزدی و خیانت به دستور شاه تنبیه شد و دستش را از مناصب دولتی کوتاه کردند و از تهران اخراجش نمودند، امیرکبیر او را به تهران آورد و خسارات او را جبران نمود و همین شغل فراشباهی گری را هم مدیون امیر کبیر بود. واتسن انگلیسی در مورد قبول مأموریت قتل امیر از طرف این جلاد نوشته:

«اما مردی داوطلب شد که بدون آنکه زن امیر نسبت به حادثه ظنین شود، امیر را به قتل رساند. وی شخصی بنام علیخان حاجب الدوله بود که ماجراجویی زیرک و بی مایه بشمار می رفت و امیر او را به خدمت شاه آورد و فراشباهی همایون شده بود که مقامی نسبتاً مهم است. او برای اینکه بر سرور جدید خود خوش خدمتی کرده باشد، داوطلب شد که جلاد ولینعمت خود بشود. هنگامی که این شخص به کاشان آمد، پاسبانان وزیر سابق خوشحال شدند، چون می دانستند زندگانی این مرد مرهون

۱- حجة الاسلام هاشمی رفسنجانی، علی اکبر، امیرکبیر یا قهرمان مبارزه با استعمار، ص ۳۳۲-۳۳۳.

مراحم امیر است و لابد خبری خوش در میان است که این مرد آمده. لابد انتخاب علیخان مراغه ای برای این جلادی تصادفی نبوده و بلکه مخصوصاً او را انتخاب کرده اند که امیر و همسر او از آنجا که او را ممنون و مرهون محبت‌های خود می دانستند، به حرفش اعتماد می کردند و جدا کردن امیر از عزت الدوله توسط این مرد امکان بیشتری داشت. از طرف دیگر، از چند روز پیش در کاشان مقدماتی برای جدا کردن عزت الدوله از امیر فراهم شده بود، به این ترتیب که بطور مستقیم و غیر مستقیم در میان ساکنان باغ فین شایع کردند که ناصر الدین شاه از تبعید امیر پشیمان شده و او را مورد عفو قرار داده و بهمین زودی خلعت عفو از مرکز می رسد و امیر با احترام و عزت به تهران باز می گردد. خانم شیل در یادداشت‌هایش نوشته: «قبل از اجرای حکم اعدام امیر، یکی از خانم‌های حرم را پیش عزت الدوله فرستاده بودند که به او بگوید از گریه و زاری دست بردارد، زیرا شاه بر سر مرحمت آمده و امیر بزودی به طهران یا کربلا روانه می شود و کم کم این شایعه قوت گرفت، به امیر گفتند خلعت شاهانه در راه است و همین یکی دو ساعت خواهد رسید و خود را برای پوشیدن خلعت تمیز کند.

جریان قتل امیر

علیخان فراشباهی و همراهان، روز جمعه ۱۷ یا ۱۸ ربیع الاول بطور ناشناس و با صورتهای بسته وارد فین شدند و بدون يك دقیقه فوت وقت بدنبال کار جنایت بار خود رفتند.

دربار ننگین قاجار نمی خواست حقیقت جریان قتل امیر فاش گردد چنانکه محمد تقی سپهر، لسان الملك این مورخ درباری، در کتاب ناسخ التواریخ جریان مرگ امیر را چنین نوشته:

«پس از مدت يك اربعین که میرزا تقی خان، در قریه فین روز گذاشت از اقتحام حزن و ملال، مزاجش از اعتدال بگشت، سقیم و علیل افتاد و از فرود انگشتان پای تا فراز شکم رهین ورم گشت و شب دوشنبه هیجدهم ربیع الاول درگذشت.

این مورخ خودباخته، حتی تاریخ فوت را هم اشتباه نوشته، زیرا دوشنبه را هیجدهم قید کرده، در صورتیکه روزنامه وقایع اتفاقیه، یکشنبه را نوزدهم و روی آن حساب جمعه هفدهم بوده است. رضا قلیخان هدایت، مورخ دیگر درباری و مؤلف



مجلدات هشتم و نهم و دهم روضه الصفا، جریان درگذشت امیر کبیر را این چنین می نویسد:

«در فین کاشان که به نزاهت معروف، ماهی دو موقوف همی زیست به واسطهٔ تسلف نقم و تقلب ندم، در شب شنبه هیجدهم ربیع الاول جهان فانی را بدرود کرد. هر که او از نظر مرحمت شاه افتد هر کجا پای نهد یکسره در چاه افتد»
رسمی ترین مقام کشور، یعنی آقا خان نوری، نخست وزیر و جانشین امیر که خود از مسئولین خون امیرکبیر بود، در ضمن نامه ای به میرزا حسین خان صدر، نمایندهٔ ایران در روسیه، جریان و علت مرگ امیر را چنین گزارش داده:

«بیچاره میرزا تقی خان امیر نظام سابق، در فین کاشان به ناخوشی سینه پهلوی وفات کرد و مرحوم شد، خدا بیامرزد. تف بر دنیا و این عمرهای او.

- بهر حال با همهٔ این خیانت ها و پرده پوشی ها، حقایق تاریخ برای همیشه در پرده خفا نماند و اسرار قتل ناجوانمردانهٔ امیر با گذشت زمان در اختیار تاریخ قرار گرفت. اکثریت نزدیک به تمام مورخین که اصل قتل امیر را قبول دارند، معتقدند که حادثهٔ قتل در «حمام» اتفاق افتاده و فقط گرنت واتسن می نویسد که: «معمولاً هر روز صبح مأموران محافظ امیر را از عمارت بیرون می خواندند و او را می دیدند که نبادا شبانه در رفته باشد، روز آخر هم به عادت هر روز او را احضار کردند و عزت الدوله که روزهای اول همراه امیر بیرون می آمد کم کم مطمئن شده بود که این عمل تشریفاتی بیش نیست و لذا روزهای آخر نمی رفت، آنروز هم همراه امیر رفت و مأموران تا امیر بیرون آمد، درب عمارت را بستند و او را کشان کشان به عمارت مجاور بردند و به قتل رساندند». و اینک ماجریان قتل را بنا بر روایاتی که در حمام اتفاق افتاده می آوریم: حمام باغ فین یک در بداخل باغ داشت و یک در هم بطرف بیرون، روزهایی که سکنهٔ باغ احتیاج به حمام نداشتند، اهالی قریه فین از آن استفاده می کردند.

به نظر می رسد، بعضی از مأموران محافظ امیر از جریان اطلاع داشته اند و زمینه را قبلاً برای اجرای حکم اعدام مهیا ساخته بودند، چه بقول بیشتر مورخین وقتی که علیخان به فین می رسد، امیر در حمام بوده است، گرچه بعضی ها نوشته اند خود علیخان خدمت امیر رفت و امیر و عزت الدوله را به عفو شاه مطمئن ساخت و امیر را برای آماده شدن جهت پوشیدن خلعت به حمام برد.

بهر حال امیر در حمام بود، مأموران برای اینکه مانع ایجاد رابطه میان امیر و

عزت الدوله شوندد، درب اندرون را بطوریکه عزت الدوله نفهمد از بیرون به روی وی بستند. امیرکبیر در گرمخانه حمام غرق در خیالات خود نشسته بود، جلادان شاه وارد محوطه حمام می شوند، بیرون حمام و در رخت کن مأمور گماشتند که کسی داخل نشود، کسی هم بیرون نرود، فراشباهی با يك جلاد دیگر وارد گرمخانه شدند، حکم قتل امیر را به دستش دادند، امیر با يك دنیا وقار و خونسردی آنرا از نظر گذراند.

امیر بخاطر محبتهایی که به حاجب الدوله کرده بود و او را مرهون الطاف خود می دانست خیال می کرد که اگر از او تقاضای مهلتی کند خواهد پذیرفت و لذا از او خواست، که مهلت دهد تا خودش یا عزت الدوله نامه ای به شاه بنویسند. نامرد قبول نکرد. امیر مقداری از تقاضای خود کاست و از او خواست که لااقل مهلت دهد که عزت الدوله بیاید و امیر را ببیند و به حضور عزت الدوله از قتل امیر معذور خواهد بود و در آن صورت هم پیش شاه معذور است و هم به ولی النعمه خود خدمت کرده، باز هم آن نمک نشناس نپذیرفت امیر به او می گوید: پس اجازه بده که همسر و بچه ها و مادر من بیایند و با آنها وداع کنم، این تقاضای ساده و بی مانع هم مورد قبول جلاد خون آشام واقع نمی شود، در اینجا امیر خواسته خود را به حداقل ممکن تنزل داد و از او خواست که مهلت دهد، تا وصیت نامه ای بنویسد، فراشباهی بی شرم و بی وجدان زیر بار این تقاضایی که به هیچ جا و هیچ کس ضرری نداشت، هم نمی رود و با کمال گستاخی و جسارت از امیر می خواهد که بدون يك لحظه فوت وقت آماده مرگ باشد، و تنها تقاضایی که از امیر قبول می شود اینست که نحوه اجرای حکم خودش را تعیین کند.

از جا بلند شد، و غسل کرد و آمد وسط گرمخانه نشست و بنا به نوشته اعلم الدوله ثقفی به حاجب الدوله گفت:

«همین قدر بدان که این پادشاه نادان مملکت ایران را از دست خواهد داد».

و علیخان هم در جواب امیر گفت: صلاح مملکت خویش خسروان دانند.

امیر عادت به رگ زدن و خون گرفتن داشت، دستور داد که دو رگ در دو بازوی وی را قطع کردند (بنابر روایتی خودش رگهای دست خود را برید) و دو دست را روی زمین گذاشت و با کمال آرامش و خونسردی شاهد فواره زدن خونهای گرم و پرجوش و خروش که جز استقلال و عظمت کشور چیزی نمی توانست آن را تسکین دهد، بود.

تمام صحن گرمخانه از خون امیر رنگین شد، حالت ضعف و ناتوانی رفته

رفته بر او مسلط می شد، علائم مرگ بر چهره شکسته و گیرا و پرابهتش نقش می بست، نیروی مقاومت از او سلب شد، دو چشمان جذابش به خونهایی که صحن حمام را پوشیده بود دوخته شده بود و دو لبش به منظور دعا خواندن و اقرار به عقاید مذهبی که داشت به آرامی حرکت می کرد. علیخان مراغه ای نگاهی به جلاد دیگر انداخت و به اشاره به او چیزی حالی کرد و جلاد بی شرم و خونخوار هم بلادرنگ لگدی به میان دو کتف امیرکبیر زد و جسد بی توان او را به روی صحن حمام در میان خونها غلطاند، سپس حوله ای به دهان امیرکبیر فرود کرد و راه نفس را که به شماره افتاده بود بر او بست. پس از چند لحظه جسد بی جان میرزا تقی خان امیرکبیر در میان خونهای صحن گرمخانه حمام فین افتاد و دژخیمان دربار کثیف ناصرالدین شاه آن منظره دلخراش و جانکاه را پشت سر گذاشته و با عجله و شتاب بسوی تهران در حرکت بودند.

نقشی بر دیوار حمام

می گویند: در آن لحظاتی که امیر کبیر روی صحن حمام نشسته و شاهد فوران خون از دو بازوانش بود و در حال تفکری عمیق بسر می برد، یکدفعه، مثل کسی که چیزی بخاطرش رسیده باشد، از جا برخاست و دست خون آلود خود را به دیوار حمام گذاشت، گویا می خواست چیزی بنویسد، ولی انگشتان او هم که توان انجام فرمان را نداشتند، همانند سایر دوستان و نعمت پرورده های امیر بی وفایی کردند. چیزی ننوشت و دوباره به زمین نشست. ممکن است در آن لحظات مرگبار، امیرکبیر بیاد مرگ فجیع مربی بزرگوار خود، قائم مقام آن نخست وزیر ارزنده محمد شاه و سرنوشت عبرت بار و اسفناک او افتاده و بخاطرش گذشته که رویه زشت و نفرت بار خاندان قاجار و اصولاً طبع هر حکومت استبدادی و دیکتاتوری که بر اساس خودخواهی شخص پرستی استوار است، همین می باشد که خدمتگزاران لایق و ارجدار را به چنین سرنوشت اسفباری دچار کند و در همین حال به یادش آمده که قائم مقام در لحظات قبل از مرگ خود، بر دیوار نگارستان نوشته است:

روزگار است اینکه گه عزت دهد گه خوار دارد

چرخ بازیگر از این بازیچه ها بسیار دارد

او هم خواست، چیزی بر دیوار حمام بنویسد که تاریخ آن را ثبت کند و برای نسل آینده درسی باشد.

بنابراین یا واقعاً نتوانست بنویسد، یا نوشت خوانده نشد و یا آنکه خوانا هم بوده ولی با منافع پست و مصالح زشت خاندان قاجار و استعمارگران و عمال آنها سازگار نبوده، آنرا را محو کرده اند، گویا مدتها پس از آن تاریخ، اثر دست امیر بر دیوار حمام موجود بوده و مردم برای دیدن آن می رفته اند.

کنت دوگوبینو فرانسوی، درباره اثر دست امیر نوشته است:

«گویا با خون خطی هم نوشته باشد. بهر حال اگر بخواهیم پی ببریم که آن نقوش چه بوده؟ و یا در مضمون آن خط چه نوشته؟ می توانیم تعبیر کنیم که: مهر بدبختی دولت و ملت ایران بود که بر پیشانی کشور نقش می بست و سند ننگ تاریخی و ابدی دوران سلطنت ناصرالدین شاه بود که برای همیشه در صفحات تاریخ یادگار می گذاشت».

و بروگش نوشته که امیرکبیر با خون خود بر دیوار حمام نوشت: لا اله الا الله و دکتر آدمیت معتقد است که امیر اصلاً چیزی ننوخته و فقط قطرات خون بر دیوار حمام پاشیده و اینگونه مطالب که درباره آن نقل شده، ساخته ذوق و درك اجتماع است.

تاریخ شهادت

مرحوم حاج فرهاد میرزا برای ماده تاریخ امیرکبیر چهار جمله زیر را به حساب ابجد استخراج کرده و در کتاب زنبیل صفحه ۱۵۴ نوشته است:

۱- کو امیر نظام؟

۲- خدمت کرد؟

۳- هیجدهم مه ربیع الاول مقتول گردید.

۴- مرد بزرگی تمام شد.

تمام این جملات به حساب ابجد می شود ۱۲۶۸. (۱)

محل دفن پیکر پاک امیرکبیر

همسر باوفا و مهربان امیر، احساس کرد که حمام امیر بیش از حد معمول يك حمام رفتن طول کشید، نگرانی و اضطراب بر او چیره شد، برای تفحص از حال امیر

۱- حجة الاسلام هاشمی رفسنجانی، علی اکبر، امیرکبیر یا قهرمان مبارزه با استعمار، ص ۳۳۳ تا ۳۴۰.

خواست از اندرون بیرون رود، در عمارت را از پشت بسته یافت، اضطراب و وحشتش بیشتر شد، هر چه فریاد کشید و نگهبانان را صدا زد که در را باز کنند، کسی جوابش را نداد. از پیش آمدها که همه حساب شده به نظر می رسید بر جان همسر خود احساس خطر کرد.

شاهزاده جوان، دیوانه وار آنقدر با مشت و لگد بر در کوفت که در را شکست، سراسیمه بیرون دوید، مأموران خواستند از خروجش ممانعت به عمل آورند، ولی شدت ناراحتی، فریادها و ناسزاگوئیهای او نسبت به مأموران و مخصوصاً شخص شاه، همه را به وحشت انداخته بود، وظیفه خود را فراموش کرده و هر يك از گوشه ای بدر می رفتند.

گریان و نالان بطرف حمام حرکت کرد، هنوز به حمام نرسیده بود که خبر وحشتناک قتل امیر را به او گفتند. و از نوشته های واتسون برمی آید که در راه حمام به علیخان مراغه ای برخورد کرد و سراغ امیر را از او گرفت و علیخان جواب داد که امیر در حمام مشغول پوشیدن خلعت شاه است.

عزت الدوله وقتی به داخل حمام رسید که قلب شوهرش برای همیشه از کار افتاده و همه چیز تمام شده بود. فریاد ناله و شیون بازماندگان امیر از داخل باغ فین به آسمان می رفت و سراسر قریه فین را درماتمی عمیق فرو برده بود و مردم ده سراسیمه و وحشت زده اطراف باغ اجتماع کرده، اشک می ریختند و دست روی دست می زدند.

به دستور ناصرالدین شاه از جنازه امیر کبیر تجلیل به عمل آمد و در میان اظهار احترام و ادب اهالی کاشان، جسد او را در «مشهد کاشان» بخاک سپردند. ولی عزت الدوله پس از چند ماه با اجازه شاه جسد امیر را از کاشان به کربلا منتقل کرد و در مقبره ای در صحن مقدس ابی عبدالله الحسین بخاک سپرد. «فطوبی له فی حیاته و مماته».^(۱)

اقدامات امیر کبیر اتابك اعظم

پرتو او در صحنه های جامعه شوری دیگر را در تمام نهادهای اجتماعی به ظهور می رساند. چون او مردی بود که خلاقیت و ابتکارش پیکره کشور را به

۱- حجة الاسلام هاشمی رفسنجانی، علی اکبر، امیر کبیر یا قهرمان مبارزه با استعمار، ص ۳۴۱-۳۴۲.

سازندگی و امی داشت.

الف - خواباندن شورشها، برقراری حاکمیت حکومت مرکزی: شورشهایی که با مرگ محمد شاه و به تحریک استعمارگران و عوامل آنها برای تجزیه ایران شروع شد که ظرف مدت کمتر از يك سال به دست امیر فرونشاندند شدند:

۱- فتنه آقاخان محلاتی.

۲- سرکشی سیف الملوک میرزا پسر اکبر میرزای ظل السلطان در قزوین.

۳- شورش مردم بروجرد بر جمشید خان ماکویی.

۴- طغیان اهالی کرمانشاه بر محبعلی خان ماکویی.

۵- انقلاب کردستان و عصیان رضا قلیخان اردلان بر خسرو خان گرجی والی و علی خان سرتیپ قره گوزلو.

۶- شورش فارس به سرکردگی رضا صالح بر حسین خان نظام الدوله.

۷- بلوای کرمان و نزاع فتحعلیخان بیگلربیگی با عبدالله خان صارم الدوله.

۸- طغیان اشرا یزد علیه دوستعلیخان حاکم یزد.

۹- غوغای یزد.

۱۰- شورش خوانین بختیاری.

۱۱- شورش طوایف کرد.

۱۲- شورش طوایف ترکمن به تحریک استعمار.

۱۳- شورش حاکم بندرعباس بنام شیخ سیف به تحریک امام مسقط برای جدا کردن شیخ نشینهای سواحل خلیج فارس از زیر نفوذ ایران.

۱۴- فتنه شیخ نصر حاکم بندربوشهر به تحریک کنسول انگلیس.

۱۵- خودسری قبایل بلوچ در سیستان و بلوچستان به تحریک انگلیسها که دم از استقلال بلوچستان می زدند.

۱۶- فتنه سالار در خراسان محمد حسن خان سالار پسر اللهیار خان آصف الدوله.

۱۷- فتنه باب، «با آنکه سیاست امیر در مورد اقلیت های مذهبی، سیاست نرمش و انعطاف پذیری بوده است، در خصوص حزب جاسوسی «بابیه» نخست انعطاف ناپذیر بود و اعتقاد داشت که آنها باید ریشه کن شوند، زیرا بحق، درك کرده بود که اصل و نسب و ایده و عمل آنها، از استعمار و در مسیر منافع استعمارگران و علیه اسلام و مسلمین است به همین علت علیرغم فشارها و مخالفت های خارجی

ضمن گرفتن فتوی قتل او از علما در شعبان ۱۲۶۶، او را در مقابل ارك دولتی در تبریز به دار آویخت.

ب- اصلاحات عمومی:

- ۱- مالیه و خزانه دولت را سروسامان داد.
 - ۲- از مواجب و مستمریهای گزاف شاهزادگان و درباریان و دیوانیان کاست.
 - ۳- برای پادشاه حقوق ثابت معین کرد.
 - ۴- بر عایدات دولتی افزود.
 - ۵- میان دخل و خرج دولت موازنه برقرار نمود.
- ج- اصلاح ارتش جدید:
- ۱- مشاقان نظامی و اروپایی استخدام کرد و در این مورد نه از انگلیس و نه از روس و نه از فرانسه بلکه از آلمان کمک گرفت.
 - ۲- به تربیت صاحب منصبان جدید پرداخت، در این راستا کتاب نظام ناصری را به قلم بهرام میرزا معزالدوله فرزند عباس میرزا و در سال ۱۲۶۷ منتشر ساخت.

۳- فوجهای تازه درست کرد، جمع سپاه ایران در اوائل برکناری امیر ۱۳۷۲۴۸ نفر بوده است.

۴- از ایلات و عشایر مرزی هنگ نظامی نوینی ایجاد نمود.

۵- ساخلوهای دائمی مرزی برقرار ساخت.

۶- کارخانه های اسلحه سازی و توپ ریزی احداث کرد، (تهران ماهانه ۱۰۰۰ قبضه تفنگ آذربایجان، فارس، خراسان، اصفهان که در اینجا نیز ماهانه ۳۰۰ قبضه تفنگ و ۱۰۰۰ فانوسقه ساخته می شد، عمارت توپخانه و میدان توپخانه در سال ۱۲۶۷ بنا گردید.

۷- لباس متحدالشکل نظامی برای سربازان و افسران تربیت داد.

۸- درجه های نظامی را تحت قانون جدید مشخص گردانید.

د- تأسیس نیروی دریایی:

۱- کشتیهای جنگی سفارش داد به شرح زیر که با مخالفت انگلیس روبرو شد: دو فروند کشتی که هر کدام مجهز به ۲۵ توپ باشد به اضافه اسلحه و مهمات دیگر، يك کشتی تجاری با قدرت ۲۰۰ اسب با مهمات و اسلحه، يك کشتی ۷۰ اسبی بخاری که در دریا و رودخانه رفت و آمد نماید. با مهمات و اسلحه.

- ۲- برای کشتیهای دولتی و بازرگانی بیرق مخصوصی درست کرد.
- ه- اصلاح دستگاه عدالت:
- ۱- دیوانخانه و دارالشرع را بر اصول تازه ای بنیاد نهاد.
- ۲- امور فرعی و شرعی را از هم جدا ساخت.
- ۳- اقلیت های مذهبی زردتشتی، مسیحی و یهودی را از احجافها رها نمود.
- ۴- رسم بست نشستن را شکست.
- ۵- حکومت قانون را استوار گردانید، مجموع اینها نظام سیاسی متمایزی را ساخت که «به نظم میرزا تقی خانی» تعبیر می گردد.
- و- اصلاح اخلاقی مدنی:
- ۱- رشوه خواری، دزدی، پیکش دادن حکام و دیوانیان، سیورسات^(۱) لشگریان را برانداخت.
- ۲- تملق گوئی، القاب و عناوین ناپسندیده اهل دولت، مدیحه سرایی شاعران را منسوخ نمود.
- ۳- هرزگی، لوطی بازی، قداره کشی، عربده کشی مستانه در کوی و برزن را از بین برد، میرزا تقی خان بر آن شد که نیکبختی مادی مردم را فراهم کند و تمایلات نکوهیده آنان را مهار گرداند.
- ز- اصلاح امور شهری:
- ۱- چاپارخانه و پست جدید را راه انداخت.
- ۲- قانون گذرنامه (تذکره) دادن را بنیاد گذاشت.
- ۳- آبله کوبی را تعمیم داد و جزوه هایی در زمینه مبارزه با آبله در میان مردم توزیع نمود.
- ۴- یخچالها، جویها، و محلات را از آلودگی پاک کرد.

۱- یا «سیورسات» خواربار و زاد و علوفه ای که سربازان سلطان از روستائیان سر راه جمع می کردند. اما این توضیح تمام معنی را نمی رساند سیورسات به معنی جنسی که رعیت ایرانی علاوه بر مال الاجاره یا سهم مالکانه تقدیم ارباب می کرد نیز می باشد، آنرا سر جفت هم می خواندند. مقدار و نوع سیورسات، که در سراسر روستاهای ایران مرسوم بود، تفاوت می کرد. کره و روغن و مرغ و ... از جمله مرسوماتی بود که رعایا تحت عنوان سر جفت یا سیورسات به ارباب می پرداختند. منظور از لفو سیورسات در زمان امیرکبیر، سیورسات به معنای اول است، یعنی جنسی که سربازان دولتی بعنوان مرسومه و اغلب با اعمال جبر و قهر از روستائیان می گرفتند. (فرهنگ معین فارسی، جنگ طبقاتی در ایران).

- ۵- به سنگفرش کوچه ها پرداخت.
- ۶- نخستین بیمارستان دولتی را بنا کرد.
- ۷- برای حرفه پزشکی امتحان طبی مقرر ساخت.
- ۸- کرو کور و افلیج، گداهای شهر را جمع کرد.
- ۹- از نهر کرج به تهران آب جاری نمود و قانونی برای تقسیم آب نوشت.
- ۱۰- در بیرون شهر تهران خانه های تازه ای ساخت.
- ۱۱- در همه شهرها قراولخانه تأسیس کرد.
- ۱۲- به مرمت بناهای تاریخی توجه داشت، در زمان وی پل خواجه را تعمیر کردند، قصر گلستان تهران را که از آثار زندیه است مرمت نمودند، از کتیبه ها و نقوش تخت جمشید طراحی کردند، نامه ریشارخان فرانسوی به یکی از دوستانش که در تاریخ ۲۰ ژوئیه ۱۸۵۰ نوشته می گوید اخیراً مرا به شیراز فرستاده بودند که نقش کتیبه های تخت جمشید را برداشته، بیاورم.
- ۱۳- بناهایی که در زمان امیر و به دستور وی ساخته شدند:
 - در زمان امیر نظامی آذربایجان، بازار تیمچه بزرگی در تبریز ساخت که به سرای امیر مشهور شد.
 - قنات وزیر آباد را در جنوب غربی تبریز بنا کرد.
 - در تهران بنای تیمچه و بازاری را گذاشت که اولی سرای اتابکیه و دومی به بازار امیر شهرت یافتند، بنای بازارها در رمضان ۱۲۶۶ تمام شد. سرای امیر دو طبقه ساخته شد و دارای ۳۳۶ حجره بود و در ۲۲ ربیع الثانی سال ۱۲۶۷ افتتاح شد، دو عمارت در نیاوران بنا گردید یکی برای امیر که عمرش کفاف نداد یکی نیز برای شاه.
 - میدان توپخانه - سبزه میدان - ۲۰۰ باب خانه در بیرون از شهر تهران.
 - چند حمام سنگ مرمر مطابق نقشه ای که معمار باشی دولت روسیه برای میرزا تقی خان فرستاده بود ساخته شد.
 - در سفر اصفهان به سال ۱۲۶۷ به دستور امیر عمارت اتابکیه در نزدیکی عمارت هفت دست و مشرف بر زاینده رود ساخته شد، در تخته پل اصفهان نیز عمارت میدان ساخته شد که مرکز تجارت اصفهان گردید.
 - عمارتی در چشمه علی دامغان - ارگ بزرگ در شیراز مانند ارگ کریم خانی که در سال ۱۲۶۷ به وسیله عبدالله خان معمار باشی ساخته شد - مسجد شیخ

عبدالحسین معروف به مسجد ترکها در بازار تهران نیز از ما ترك امیر ساخته شده است.

ح- نشر دانش و فرهنگ نو:

۱- مدرسه دارالفنون را بنا کرد که از نوآوریهای امیر است.

۲- استادان قابلی از اروپا استخدام کرد.

۳- به ترجمه کتابهای اروپایی دربارهٔ برخی از علوم پرداخت.

۴- چاپخانه های جدید را توسعه داد.

۵- روزنامه وقایع اتفاقیه را تأسیس نمود.

۶- هیئتی از ترجمان زبانهای خارجی تشکیل داد.

۷- باب روزنامه های اروپایی را به ایران باز کرد.

ط- گسترش صنعت جدید:

۱- فرمان آزادی استخراج معادن برای اتباع ایران صادر گشت.

۲- برای کلیه رشته های صنعت از خارج استاد و کارشناس استخدام کرد.

۳- در تکمیل رواج صنعت در سال ۱۲۶۷ تعداد شش تن از صنعتکاران را به

روسیه و دو تن را به عثمانی فرستاد، آنهایی که به روسیه رفتند در رشته های کاغذ

سازی، بلور سازی، چدن ریزی، تصفیه شکر و قند سازی، نجاری اسباب چرخ

سازی، شماعی کار کردند و فن خود را تکمیل نموده به ایران بازگشتند، دو نفر که به

عثمانی رفته بودند در رشته ابریشم و آموختن چرخ ابریشم متخصص شدند.

۴- کارخانه هایی که در آن زمان بنا گردید:

- کارخانه ریسمان ریزی در تهران - چلووار بافی بین تهران و شمیران - دو

کارخانه شکر ریزی در ساری - کارخانه بلور سازی در قم - کارخانه چینی سازی در

تهران.

کارخانه های تفنگ سازی و سایر تسلیحات - کارخانه های ریسندگی و

بافندگی - کالسکه سازی در تهران (۱۲۶۷).

۵- تأسیس مجمع الصنایع «برای ترویج فن و هنر».

۶- از محصولات داخلی حمایت کرد.

ی- گسترش کشاورزی:

۱- آئین کهن سیورسات را برانداخت و برای کشاورزان ایمنی فراهم نمود.

۲- طرح آبادانی خوزستان، بنای سد ناصری بر رودخانه کرخه، ایجاد پل

شوستر، و رواج کشت نیشکر.
۳- گسترش کشاورزی در اصفهان.

روابط خارجه

امیر کبیر اصل سیاست در مناسبات با روسیه و انگلیس را بر مبنای موازنه منفی قرار داد، یعنی کوشید تا از دادن هر گونه امتیازی به دول مذکور احتراز ورزد. تنها در يك مورد یعنی در برابر فشار روسیه تزاری برای عزل حاکم استرآباد پس از مدتی مقاومت سرسختانه - مجبور به عقب نشینی شد. زیرا، حکومت تزار اعلام داشت که روسیه، عدم تصویب این نظر را به منزله قطع روابط سیاسی دو کشور تلقی می کند.^(۱)

۱- طلوع رستاخیز (دوران اصلاحات امیرکبیر)، بهداد، ص ۳۷.

فصل ششم

بقاع متبركه
انگیزه مهاجرت امامزادگان
بقاع متبركه فین بزرگ
بقاع متبركه فین كوچك
بقعه حضرت سلطانعلی (ع)
اثبات نسب و محل دفن حضرت سلطانعلی (ع)
تذکره حضرت سلطانعلی بن امام محمد باقر (ع)
وصایای آن حضرت
دفن کردن شهدا
کشتن زرینه کفش
ثواب زیارت حضرت سلطانعلی (ع)

انگیزه مهاجرت امام زادگان

پذیرش دین اسلام به عنوان دین رسمی و دین ملی در جنگ و حمله اعراب به ایرانیان در زمان یکی از خلفاء ثلاثه بوده است. ولی نفوذ اسلام به سرزمینهای مجاور قبل از خلفاء ثلاثه در زمان نبی مکرم اسلام وجود داشته است و شاخص ترین فرد آن سلمان فارسی یکی از صحابه رسول خدا می باشد.

اما مهاجرت امام زادگان را عوامل گوناگونی زمینه ساز بود. از اساسی ترین انگیزه ای که به عنوان عامل کار ساز در مهاجرت، مهاجرین هاشمی دخالت داشته است به گواهی تاریخ و همه کسانی که محققانه واقعیات تاریخ را بررسی می کنند و با کم و کیف تاریخ آشنا هستند همان حاکمیت سیاسی زمانه را در نظر گرفته و عامل مهاجرت می دانند. گرچه تظلم حاکمیت سیاسی خود انگیزه ای دیگر است، ولی آن انگیزه تابعی از حاکمیت سیاسی آن زمان می باشد و یا آنکه فشار مضاعف و تقبل ولایت عهدی از جانب امام هشتم را عامل دیگری می دانند ولی آن هم جزئی از سیاست مزدورانه حاکمان ظالم آن دوره محسوب می شود.^(۱)

دایره المعارف اسلامی می نویسد:^(۲)

پس از پیروزی اعراب بر ایران و آمدن پیروان علی به قم، تشیع در برخی از شهرهای ایران به تدریج انتشار یافته و علوین نیز به علت فشار بیش از حد بنی امیه و بنی عباس به شهرهای متعدد دور دست منجمله در عراق مانند: نجف - کربلا یا شهرهای ایران مانند: قم - کاشان و چند شهر دیگر مهاجرت نموده اند.

به هر حال فشار حاکمان سیاسی وقت از يك سو و عامل دیگر (درخواست مسلمین) برای تبلیغ و ترویج اسلام باعث شد که اکثر امام زادگان و نوادگان آنان به بلاد مسلمین آمده و به ترویج اسلام پردازند.

بقاع متبرکه فین بزرگ

در این روستا سه بقعه وجود دارد. یکی بقعه امامزاده هادی فرزند امام چهارم (ع) در محله امامزاده هادی، که هم اکنون ۱۹۰ خانوار در آنجا سکونت دارند. و بقعه امامزاده قاسم که فرزند زید بن حسن بن ابی طالب است. و در تذکره

۱- فرخ یار، حسین، مجموعه تاریخی، مذهبی (مشهد اردهاال کاشان) ص ۱۹.

۲- عبدالعزیز، دایره المعارف اسلامی.

امامزاده هادی از امامزاده محسن اسم برده شده است و جزء محله جولاباد انتهای محله سیدها است.

امامزاده محسن در دروازه غسالخانه مدفون و در آنجا قبرهای ۳۰۰ یا ۴۰۰ ساله وجود دارد.

این نکته قابل ذکر است که کراماتی را به آن حضرتین نسبت می دهند. و مردم مشتاق به اهل البیت به زیارتگاه این عزیزان مشرف و به روضه خوانی و رفع حاجت می پردازند، که روضه حضرت رقیه (ع) و روضه حضرت ابوالفضل (ع) در این مکانهای مقدس بیشتر خوانده می شود.

بقعه ابولولو

از بقاع مشهور دیگری که بسیار مورد توجه مردم (خصوصاً در گذشته) قرار می گرفت.

مقبره ابولولو معروف به بابا شجاع الدین است که در شرق جاده فین قرار دارد. این بقعه دارای صحن و سرا و رواق و گنبدی مخروطی است که با کاشی های فیروزه ای والوان پوشیده شده است.

به گفته برخی از مؤلفین اسلامی ابولولو فیروز جوانی صنعتگر از مردم فین کاشان بوده که اعراب او را به بردگی به مدینه بردند و چون بر اثر تحمیلات و شکنجه های فراوان به جان آمده بود از راه کینه جویی خلیفه دوم مسلمین را به قتل رسانید. تاریخ بنای اولیه گنبد و بارگاه او معلوم نیست ولی بر کاشی های قبر تاریخ ۷۷۷ هـ. ق دیده می شود که اطراف آن را ضریح ساده چوبی در برگرفته است. در کنار بقعه ابولولو سنگ تاریخی بنام سید عزالدین تاج الدین وجود دارد که با هیجده نسل پیایی به امام چهارم منتهی می شود.

یکی دیگر از مزاراتی که هیچ کس از روی صدق حاجتی نبرد و چند کربت بعزم فاتحه خوانی طریق آن سرای امید نسپرد. مگر آنکه به مقصود و اصل گردید و بمراد خویش فایض گشت مزار مبارك حضرت ابولولو ملقب به بابا شجاع الدین است که در خارج درب فین وسط دشت مزرعه دروازه فین واقع است. صحن و سرا، رواق و گنبد و بارگاهی منیع عالی متعالی از کاشی الوان و مسجد برایش ساخته اند و موقوفاتی محض مصارف و مخارج آن دستگاه ملوکانه معین نموده اند.^(۱)

۱- فرخ یار، حسین، بناهای تاریخی کاشان، ص ۴۳.

بقاع متبرکه فین کوچک

در فین علیا سه بقعه قابل تعظیم وجود دارد. یکی بقعه امامزاده سلطان سید علی فرزند موسی بن جعفر و خواهر آن آمنه خاتون، در نزدیکی هتل امیرکبیر فین. و بقعه شاهزاده احمد و محمود، در وسط قبرستان فین کوچک.

بقعه شاهزاده ابراهیم فین

بقعه شاهزاده ابراهیم از ابنیه دوران قاجار است که در جاده فین (۳ کیلومتری جنوب کاشان) قرار دارد. بنای اولیه آن به وسیله خاله بیگم نامی از اهالی فین بر پا گشته و سپس دیگران در تکمیل تزئینات آن شرکت نموده اند. این بنا با دارا بودن گنبد کاشیکاری فیروزه ای رنگ و گلدسته های زیبا و صحن مفرح و ایوان آئینه کاری و نقاشی بی نهایت جالب و جذاب است. در اطراف رواق و سقف ایوان مجالس نقاشی مذهبی بر روی گچ کشیده شده است. داخل بقعه و ایوان آئینه کاری مفصلی دارد و از اهره های اطراف آن با خشت های کاشی تزئین گردیده است.

بر روی در داخل بقعه کتیبه زیر خوانده می شود.

«وقف آقا شاهزاده ابراهیم ابن سلطان ابن موسی ابن جعفر (ع) آقا سید مهدی

ابن حاجی سید حسین بروجردی فی سنه ۱۳۰۳».

در سال ۱۳۰۸ هجری محمد خان معروف به انیس الدوله حاکم کاشان ایوان

و رواقهای حرم را به آئینه کاری زیبایی مزین ساخته است.^(۱)

در ماه محرم، روزهای تاسوعا و عاشورا این جایگاههای الهی، اجتماع و

وحدت هیئت های عزاداری سالار شهیدان امام حسین (ع) است، که به زنجیر زنی

و سینه زنی مشغولند.

بقعه حضرت سلطانعلی (ع)

امامزاده سلطانعلی محمد باقر (ع) واقع در مشهد اردهال (۴۲ کیلومتری

باختر کاشان) از بناهای دوره مغول بوده که در دوران صفویه و قاجاریه نیز

تعمیرات، الحاقات، تزئینات و کاشیکاریهای زیادی در آن بعمل آمده است. اما

۱- فرخ یار، حسین، بناهای تاریخی کاشان، ص ۳۸.

بعضی از باستان شناسان معتقدند که این بقعه متعلق به دوره سلجوقی می باشد.^(۱) و این بنا به دستور مجدالدین عبید الله کاشانی ساخته شده است. روستای مشهد اردهال در حومه شهرستان کاشان و جزء دهستان اردهال می باشد. این روستا در ۴۲ کیلومتری غرب کاشان بین حصاری از يك سلسله کوه به نام اردهال و روی تپه ای بین محله های جوشق و باریکرسف^(۲) و کرمه به ارتفاع ۱۷۷۰ متر از سطح دریا واقع شده است و دارای آب و هوای کوهستانی با زمستانهای سرد و تابستانهای بسیار عالی است. که سوابق تاریخی زیادی را داراست. بطوریکه ذکر می کنند در ازمنه قدیم شهر بزرگ خاوه^(۳) (خوابق) یکی از هفت شهر بزرگ این حدود بوده و ۱۲ برج بلند داشته و به قولی پایتخت کیخسرو پادشاه ایران بوده است. و همچنین نقل می کنند که جنگ ایران و توران در این حوالی اتفاق افتاده و افراسیاب به این کوه گریخته است. در کوههای اطراف مشهد اردهال آتشکده های زردشتیان وجود داشته که هنوز هم آثار آنها بر فراز کوهها باقی مانده است. از نظر طبیعی بیشتر خانه های این روستا در دامنه کوههای مجاور قرار گرفته و در واقع می توان این آبادی را يك روستای کوهپایه ای در نظر گرفت. روستای مشهد اردهال در کنار جاده آسفالت کاشان - دلیجان قرار است و بقعه و مشهد امامزاده سلطان علی بن محمد باقر(ع) در جوار روستاهای اردهال و در دامنه کوههایی که این روستا را احاطه کرده بود قرار گرفته است. مردم این روستا دارای شغل قالی بافی و کشاورزی و علاوه بر آن دامپروری نیز می کنند این روستا با ۱۵۰۰ نفر جمعیت و داشتن اشجار و باغات فراوان یکی از روستاهای بسیار زیبای کوهستانی است و مردمانی مهربان، میهمان نواز و زحمت کش دارد.^(۴)

۱- اداره جغرافیایی ارتش ایران، فرهنگ جغرافیایی، ص ۹۱.

۲- باریکرسف: دهی است از دهستان مشهد اردهال و در مجاور آن.

۳- روستای خاوه ۹ کیلومتری غرب مشهد اردهال، که حدود ۴۵۰۰ نفر جمعیت دارد.

۴- فرخ یار، مجموعه تاریخی، مذهبی (مشهد اردهال کاشان) ص ۱۶.

اثبات نسب و محل دفن حضرت سلطانعلی (ع)

اول - کتاب بحار الانوار (۱)

به نقل از کتاب ارشاد و اعلام الوری می نویسد: اولاد محمد باقر (ع) هفت نفرند. از جمله آنهاست ابوعبدالله جعفر بن محمد و کنیه او نیز ابوجعفر است و عبدالله و محمد که مادر این دوام فروه دختر قاسم ابن محمد ابن ابی بکراست و ابراهیم و عبیدالله که در زمان حیات پدر مردند. مادر آنها ام حکیم است که دختر سید ابن مغیره ثقفیه می باشد و علی و زینب که مادر آنها ام ولدی است و ام سلمه نیز از ام ولدی است. و نیز مؤلف بحار الانوار از مناقب علامه محدث ابن شهر آشوب نقل فرموده که از اولاد امام محمد باقر (ع) ابو جعفر بود و عبدالله افطح از ام فروه دختر قاسم و عبیدالله و ابراهیم از ام حکیم و علی و ام سلمه و زینب از ام ولد بودند.

دوم - کتاب روضات الجنات

پس از ذکر شاه عبدالعظیم در ری، حضرت معصومه در قم و جمعی از فرزندان ائمه در اطراف ری و مرقد علی بن جعفر الصادق (ع) در قم می نویسد: در سایر دیار عجم قبری از اولاد ائمه و انبیاء ثابت نیست مگر قبه احمد بن موسی (ع) معروف به شاه چراغ در شیراز و همچنین قبر سید علی بن محمد باقر (ع) که واقع است در حوالی کاشان و معروف است به امامزاده مشهد باریکرسف و قبر فرزند او احمد بن علی در محله باغات اصفهان است.

- در زندگی و زیارتنامه حضرت سلطان علی (ع) نوشته حضرت آیت الله مدنی (ره) آمده است: شك و شبهه ای در این خصوص که آن (حضرت سلطان علی محمد باقر (ع) در اردهال مدفونند، نیست. چنانچه از ایام قدیم الی زماننا هذا همه ساله مردم به زیارت آن بزرگوار می رفته اند و می روند و بودن مرقد شریف ایشان در محل مذکور «کالنار علی المنار بل الشمس فی رابعه النهار»^(۲) است.^(۳)

۱- تألیف علامه مجلسی، محمد باقر (ره)، بحار الانوار.

۲- همچون فروزش آتش بر فروزنگاه بلکه به سان درخشش خورشید در میان روز می باشد.

۳- فرخ یار، حسین، مجموعه تاریخی، مذهبی (مشهد اردهال) کاشان ص ۲۶-۲۹-۳۴.

تذکره حضرت سلطانعلی بن امام محمد باقر (ع)^(۱)

بسم الله الرحمن الرحيم

راویان این حکایت جانسوز و ناقلان این روایت غم اندوز چنین گفته اند که در زمان قدیم جمعی از شیعیان و موالیان چهل حصاران و فین که پرچم دوستی اهل بیت برافراشته و اطاعت اهل بیت شعار خود ساخته، سعید ابن قوام الدین و برادرش علی چهل حصاری و محمد طاهر بن حسین بهروز و یحیی ابن ناصر و عامر بن ناصر و قوام الدین کمال فینی و غیر ایشان که در محبت و جانفشانی اهل بیت متحد و متفق بودند جمعی تشکیل داده و مصلحت دیدند که چون راهبر و راهنمایی در اینجا نداریم خوب است پیک و عریضه ای خدمت امام (ع) فرستاده تا یک نفر از آقازادگان خود را برای راهنمایی و تربیت ما و تعلیم شرایع اسلام و پیشوایی خواص و عوام به جانب ما گسیل دارد پس نامه ای نوشته به اتفاق (عامر بن ناصر) و ارمغان و هدایای بسیار فرستادند.

عامر بن ناصر از چهل حصاران^(۲) یعنی کاشان و فین به مدینه طیبه رهسپار شد. و به خدمت حضرت امام باقر (ع) رسید.

آن حضرت فرمود: ای عامر مکتوبی که دوستان ما نوشته ملاحظه کردم يك نفر را برای پیشوایی و هدایت خواسته اند اما دلم گواهی نمی دهد که یکی را به آن ولایت فرستم و دل از او بردارم ولی به خاطر می رسد از خدای تعالی مشورت کنم چنانچه از خداوند اشارتی باشد اجازت دهم و به همراهت یکی را روانه کنم (والحکم الله العلی الکبیر)^(۳).

راوی گوید:

همان شب حضرت جدش پیغمبر (ص) را در خواب دید فرمود ای فرزند دوستان ما پیکي را به طلب پیشوایی، نزد تو فرستاده اند باید مسئول آنها را پاسخ دهی و نیازشان را برآوری تا در روز قیامت ایراد و مؤاخذه بر تو نباشد. نور دیده ام «سلطانعلی» را همراه او روانه کن که مردم آن سامان را از زیارت و هدایت او فوائد

۱- اثر فرخ یار، حسین، تذکره حضرت سلطانعلی (ع) نوشته حضرت آیه الله ملا عبدالرسول مدنی (ره) و در کتاب مجموعه تاریخی، مذهبی (مشهد اردهاال کاشان).

۲- قبلاً کاشان و حوالی آن را چهل حصاران می خواندند.

۳- حکم برای خداوند بلند مرتبه و بزرگ می باشد.

روی دهد و به آرزوهای خود برسند.

آن حضرت از خواب بیدار شده اولاد خود را فرا پیش خواند و فرمود: ای نور دیدگانم، جد بزرگوارم در خواب مرا امر فرمود که نور دیده ام (سلطانعلی) را به فین و چهل حصاران و نواحی آن بفرستم تا مردم آن حدود را به طریقه جدم راهنمایی کند اما می دانم دیگر او را نخواهم دید و از بوستان وصلش گلی نخواهم چید - بهر حال درنگ سزاوار نیست تدارك و تهیه مسافرت برایش ترتیب دهید.

پس امام جعفر صادق (ع) فرمود تا اسباب سفر برایش مهیا کردند در آن هنگام سن مبارکش را بعضی مورخین ۲۵ سال گفته و بعضی ۳۰ سال و صحیح تر آن است که ۳۲ سال گذرانیده بود.

خلاصه حضرت سلطانعلی (ع) والد بزرگوارش را وداع کرده از مدینه بیرون آمد.

راوی گوید: عامر با صداقت و راستی اعتقاد آن حضرت را به طرف جاسب عبور داد و اهالی جاسب مطلع گشته دسته دسته از زن و مرد از جاسب بیرون و به عنوان استقبال آن بی مانند دشت و هامون را در نور دیده در يك فرسخی، صف در صف مشغول عیش و نشاط و سرور و انبساط منتظر مقدم سعادت اثر آن امام زاده بزرگوار بودند تا اینکه به شرف پای بوس ایشان مشرف گشتند سپس حضرت در آن محل ساکن شدند و اهالی بسیار خوشحالی نموده می گفتند:

لله الحمد که نوباوه باقر

کرد پر نور دگر کلبه درویشان را

خلاصه چند روزی در جاسب به پیروزی بسر برده پس از آن توجه به خابه فرمودند و قریب سیصد نفر از جاسب در خدمت همسفر شدند و مردم فین و کاشان هم دسته دسته سواره و پیاده دست بدست یکدیگر داده خدمت امام زاده رسیده زمین ادب بوسیدند. (تبارك الله احسن الخالقین).^(۱)

و پس از يك ماه شمسی رخسارش از طرف مغرب فین و کاشان طلوع کرد و دلهای پریشان ایشان را به یمن مقدم خود برقرار و قانع نمود و دوستان از فیض خدمتش سربلند و از حل مسائل مشکله بهره مند بودند و بیشتر در مسجد جامع کاشان مشغول عبادت خداوند بوده و شیعیان خاصه برای ادای نماز جمعه اقتدا

۱- ستایش خداوندی را که خلق کرد بهترین ها را.

می کردند و کرامات زیاد از آن حضرت بروز می کرد.

سرانجام پس از يك سال که به دوری پدر بزرگوار و برادران عالمقدار گرفتار و مکرر به ارسال نامه ها و عریضجات چگونگی حالات خود را برایشان می فرستاد خبر آمد که (درسنه ۱۰۴ هجری).

هشام ابن عبدالملك ملعون حضرت باقر علیه السلام را مسموم نموده و آن حضرت رخت از دنیای فانی به سرای جاودانی کشیده است.

در این مدت حضرت در کاشان و فین و در فصل تابستان در خوابه سکونت داشت و در آنجا مشغول عبادت پروردگار بود و مردمان چهل حصاران و فین و دهات قم هر جمعه برای نماز جمعه در خدمت آن حضرت بودند و قریب شش هزار کسی کمر جانفشانی بر میان بسته و پس از ادای نماز به منازل خود بر می گشتند که در آن وقت والی آن ولایت (ازرق ابرج) علیه اللعنه بود.

بعضی گویند قم مسند حکومت او بود و بعضی دارالسلطنه قزوین را عنوان کرده اند و (حارث) که ملقب به زرین نعل بود اهل باری کرز (باریکر سف)^(۱) بود از جانب وی حکومت اردهال و قم و باری کرز را داشت.

او مکرر به خدمت آن حضرت می رسید و اظهار چاکری و فرمانبرداری می کرد و تحف و هدایا خدمت آن حضرت تقدیم می نمود. اما در دل بغض و کینه ایشان را داشت و همین که چشم آن حضرت بر او می افتاد آثار تغییر در چهره مبارکش نمودار می شد و با بعضی دوستان و شیعیان بیان این راز می فرمود تا هنگامی که به خدمت آن حضرت آمده و عرض کرد بعضی از مساکین و عاجزین قریه بار کرسی که قادر بر طی مسافرت خانه نیستند تقاضا دارند که امامزاده به نور قدوم مبارك بارکرس را منور ساخته تا پیران و زمین گیران از پند و اندرزهای شفابخش شما جانی تازه و قوتی بی اندازه گیرند و مردم فین و کاشان نیز به ملاحظه نزدیکی راه و طی مسافت، بیشتر به نماز حاضر شوند.

مردم نیز با او هم صدا گشته همین درخواست را کردند و آن حضرت به بارکرز حرکت کرد. همین که امام زاده متوجه بارکرز شد فرمود در دامن جبلی که نزدیک سرچشمه بارکرس بود سکونت گزیده و خیمه ها را به پا کردند هر چند یاران و دوستان خواهش کردند که جایگاهی در آن محل بنا کنند آن حضرت راضی نشد و

۱- باری کرز، باریکرسف، باریکرفس، بارکرز، نیز نامیده می شود.

می فرمود این دو روزی که ما را برای بندگی مهلت داده اند نباید تمام همت خود را مصروف دنیا کنیم و از سرای جاوید نظر فرو گیریم.

پس مردم همه روز به خدمتش می رسیدند و از ایشان بهره مند شده به منازل خویش مراجعت می کردند. زرین کفش ملعون با خود اندیشید که مبادا گرویدن مردم به حضرت و اجتماع آنها گوش زد (ازرق ابرح) شده دل با من بد کند. و ریاست این سامان از من گرفته و مرا به قتل برساند.

پس نامه نوشت به آن مرد فرو مایه لعین که (سلطانعلی) بن امام محمد باقر(ع) سه سال است به این حدود آمده و مردم بسیاری به او گرویده و مطیع و فرمانبردار او شده اند و جمعیت ما اندک تاب و مقاومتی را نداریم هر دستوری دهی رفتار کنیم.

نامه به قاصدی داده روانه ساخت چون نامه به آن ملعون رسید بسیار غضبناک شد و زرین کفش را به انواع مختلفه تهدید نموده و در نامه به آن نوشت که ۳ سال است به این حدود آمده و مردم این دیار را مطیع خود کرده تو حالا مرا خبر می دهی بهر حال نامه ای که به (ارقم شامی) نوشته ام برسان و سپس مهر کرده به قاصد داد.

در نامه ارقم شامی که از جانب او منصوب بود، نوشت پسر امام محمد باقر(ع) به قرای خوابی و بارکرز آمده و مردم دور او را گرفته و دست تسلط آنها قوی شده و توجه من به تو بواسطه کشتن اولاد حضرت علی(ع) است باید لشگر خود را برداشته به (نراق) بروی و نامه ای خاص به (زبیر نراقی) نوشته ام او را به کمک و یاری برداشته نزد زرین کفش روید تا به تدبیر قتل او کوشیده و سرش را برای من بفرستید و عذر ابداً پذیرفته نیست. خلاصه منافقین و کفار همدست شده و عزم جنگ با پسر امام محمد باقر(ع) کردند. آن حضرت از مردم خابه، فین و کاشان خواست و آنها بسوی او حرکت کردند ولی دیر به محل رسیدند (قابل ذکر است که مردم خابه و اصحاب آن حضرت جانفشانی فراوانی کردند و بسیاری به شهادت و کفار را به قعر جهنم فرستادند).

سرانجام حضرت سلطانعلی(ع) از زیادی جنگ و جراحات قدری از کار سست شده که ناگهان زرینه کفش ملعون تیری به طرف آن حضرت افکنده، آه آن تیر بر پیشانی نورانی آن حضرت آمده خون بر صورت آن بزرگوار جاری - عنان مرکب به طرف دربند گردانید و باردای خود خون صورت پاک می کرد و به زبان حال می فرمود:

سرخ روئی های آل مصطفی از خون بود
 جهد کن تا سرخ روباشی به پیش مصطفی
 هر که زین میدان به خون آغشته رو بیرون نرفت
 روی زردی ها کشد آخر به پیش مصطفی
 من علی باقرم جدم حسین بن علی ست
 از شهادت نیست باکم وای بر روز شما

پس مرکب می راند که شاید از آن طرف دربند بیرون رود و به جایی دیگر رسد
 در میان دربند ضعف بر او مستولی شده از اسب درغلطید و خون از پیشانی‌اش جاری
 بود.

حضرت سلطانه علی (ع) در آستانه شهادت

راوی گوید دهی که آن طرف دربند است رئیس آن ده سلطانه علی و پسرش و
 غلامش و بیست نفر از اهالی آن قریه به استعلام از قاصدی که خواجه جلال الدین
 برای چهل حصاران و فین روانه می داشت به عزم جانبازی خودسازی کرده و به مدد
 آن بزرگوار روانه شدند وقتی رسیدند که آن حضرت را از اسب افتاده دیدند و خواجه
 ملک‌شاه سر مبارک او را به دامن گرفته بود.

چون مشاهده این حال نمودند بی تأمل خود را بر سپاه روسیاه مخالف زده و
 آنچه لازمه مردانگی بود، نمودند و حضرت گاهگاهی دیده باز می کرد و نگاهی به
 ایشان می فرمود بالاخره آن سعادت‌مندان نیز شربت شهادت نوشیده چشم از غم دنیا
 پوشیدند و به شهدای کربلا و اصل و درجه اعلای بهشت را حاصل کردند.

در روایتی است که آن حضرت اسب همی راند تا از قریه رهق بگذشت و در
 بالای رهق از اسب افتاد. اما صحیحتر آنکه در همان دربند پای سنگی عظیم افتاد و
 خون پیشانی می گرفت و بر محاسن خود می مالید و گاهگاه باردای خود خون از
 چشم پاک می کرد. چون چشم گشود و سر خود را در کنار خواجه ملک‌شاه ملاحظه
 نمود فرمود: ای دوست موافق وصیتی چند دارم باید به وصایای من عمل کنی.

وصایای آن حضرت

۱- آنکه برادر و نور دیده (سلطان محمود)^(۱) که از ترس دشمنان در خانه عبدالکریم بارکرسی پنهان شده کوشش نمائی تا او را به مردم چهل حصاران و فین رسانی که آسیب به وی نرسد (اما آن حضرت از شهادت عبدالکریم خبر نداشت).
۲- نامه به حضرت برادر ام امام جعفر صادق علیه السلام عرضه کنی و تمام وقایع و شرح غربت و مظلومی را بدهی و ذکر کنی که مردم با من چه ها کردند و نگذاشتند يك دفعه دیگر به خدمت برسم.

۳- سلام مرا به دوستان فین و چهل حصاران برسان و بگو قبر مرا در همان محلی که به شما نشان داده ام قرار دهند و تخلف نورزند.
سرانجام لشگر ارقم ملعون چون دیدند که آن حضرت از اسب بیفتاد همگی به يك باره روی به دربند نهادند و مردم خابه معدودی که مانده بودند روی به فرار نهادند ارقم ملعون خود را بر آن حضرت رسانید خواجه ملکشاه از جای جستن نمود روی به وی نمود. و فرمود: ای نابکار عنود چه خیال داری؟ از خدا و رسولش شرم کن ارقم نابکار غضبناک شده شمشیری حواله آن مظلوم کرد و او را شهید نمود.

چگونگی قتل حضرت سلطانعلی (ع)

آه - آه - ارقم پلید گیسوان عنبرسان آن حضرت را به دست پیچید شرم نکرد، خنجر بر حنجر مبارکش نهاد سر مطهرش را از بدن جدا کرد غلغله در آسمان و ملکوت افتاد.

آفتاب عالمتاب روی به محاق نهاد خورشید جهان افروز تیره گشت کوهها به لرزه آمدند و حشیان صحرا از چرا بازماندند، ابرها به جای آب خوباریدند.
هر جا که بود آهوئی از دشت پا کشید

هر جا که بود طائری از آشیان افتاد

(چرا که) نوباوه باقر آن سرو روان

زین ملک فنا شد سوی فردوس روان

۱- در ۵ کیلومتری مقبره حضرت سلطانعلی بن محمد باقر (ع) روستایی بنام علوی وجود دارد. در این روستا مقبره ای بنام سلطان محمود (ع) می باشد که مورد تقدیس بسیار زیاد اهالی علوی و اطراف می باشد تا جایی که بنا به تحقیق از خود مردم محل کرامات آن حضرت نیز زیاد است. اما راجع به نسب وی تاکنون سند چندان معتبری ذکر نگردیده است.

روایت شده که چون ارقم ملعون حضرت را شهید کرد سرنانینش را برداشته بدون توقف نزد ازرق ابرح برد آن ملعون خوشحالی بسیار کرد و آن سر را در خانه خاص خود نهاد.

زاهد بن جمال گیلانی که رکابدار و معتمد آن ستمکار و از دل و جان دوستدار اهل بیت اطهار بود، اما اظهار نمی کرد، همین که چشمش به روی چون آفتاب و گیسوان مانند مشک ناب آن امامزاده عالی مقام افتاد آغاز گریه و زاری نهاد.

چون شب درآمد خود را بدان خانه رسانید و آن سر مطهر را به سینه چسبانید پس از گریه بسیار برداشته روانه راه شد و از کرامت آن حضرت او را کسی ندید و به اندک زمانی آمد و به جسد مبارکش ملحق ساخت.

و به روایت دیگر به ولایت خود برود و بخاک سپرد. که آن موضع را (مشهدش) گفتند اما صحیحتر آنست که به بدن مبارکش ملحق کردند.

راوی گوید که چون این خبر وحشت قرین به چهل حصاران و فین رسید و در جاسب نیز اعلام گردید تمام گریبانها را پاره و اسبان را یال و دم بریدند و سیاه پوش شدند. خاک حسرت بر سر می ریختند و اوایل گویان ناله و افغان کنان با چشمهای گریان و دلهای بریان بر سر نعش امامزاده و سایر شهیدان حاضر شده بودند چون چشمهای آنها بر آن کشتگان افتاد خود را در خاک و خون انداخته بنای نوحه سرایی گذاشتند و با ملاتکه آسمان هم ناله و فغان شدند.

دفن کردن شهداء

پس محمد طاهری بهروز و سعید بن جلال الدین و سایر دوستان و شیعیان يك يك می آمدند و رخساره خود را به کف پای مبارك حضرت می مالیدند و سپس بدن چاک چاک و نازنین حضرت و خواجه جلال الدین و پسرش (خواجه نصیر) و عامر بن ناصر و خواجه ملکشاه و پسرش (عبدالسلام) و باباظهر و عبدالکریم و بعضی دیگر از موالیان را آوردند در حوالی آن حضرت دفن کردند. که حسب الامر آن حضرت محمد طاهر بهروز در خیمه گاه حفره ای ترتیب داد و برای خود نیز دخمه ای حفر کرد و وصیت کرد که در آن دخمه دفن کنند و مردم پشت در بند با استماع این مقدمه آمدند و جسد سلطانعلی (ع) و پسرش و سایر شهداء که اشاره شد حفظ کرده بعضی را در همان در بند و جمعی را در جوار آن حضرت بخاک

کشتن زرینه کفش

(ضریر) غلام زرینه کفش را پیدا کرده او را به دلنوازی تمام رام خود نمودند و او يك به يك نابکاران را نشان می داد و مردم آنها را به هلاکت می رسانند و خالد و ملانور و پسرش را از قنات زرینه کفش بیرون آورده آنها را می بسته تیر آجین می کردند و بعد می سوزانیدند. و وعده های زیاد به ضریر دادند تا زرینه کفش را نشان داد که به آن ده رفته بود.

محمد طاهر بهروز و سعید بن جلال الدین و یحیی بن ناصر و قوام الدین کاشانی و سایر غلامان به همراه ضریر افتادند، به آن ده رفته دوست او را گرفته زرینه کفش را طلب کردند او را لو نمی داد از بس او را تعذیب و شکنجه کردند، زرینه را بدست داد. او را گرفته و بند و زنجیر کرده و به هلاکت رسانند.

سرانجام آن غلام را کشته، و پس از آن مشغول عزاداری و سوگواری شده و بعد مراجعت کردند. و تا به حال در ایام و لیالی متبرکه که اکثراً مردم به مزار کثیر الانوار آن امامزاده اطهار رفته و حاجت خود را از خدا می خواهند، و نذورات زیاد می برند و تا روز قیامت به زیارت خواهند رفت و لعن بر قاتلان آنها خواهند کرد.

راوی گوید: چون خبر به جهنم رفتن زرینه کفش و سایر ملاعین به ازرق نابکار رسید. آن ملعون با جمعی متوجه بارکراس و خوابق شد و چون اهل خوابق از آمدن آن شریر مطلع شدند. اکثراً روی به فرار نهادند به طرف فین و کاشان و جمعی که مجال فرار نیافتند در خوابق متحصن شده و چون ازرق رسید، حکم کرد تا خانه های آنها را خراب کرده، آتش زدند و اشجار و باغات را کنند و جنگ در گرفت و حصار در قلعه را خراب کردند و اهالی گرفتار شده اکثراً را به قتل رسانده و بعضی هم با واسطه آزاد شدند و آنها به حوالی مشهد حضرت سلطانه علی (ع) آمده منزلی برای خود تهیه کردند و از آن تاریخ کمتر کسی در خوابق ماند و مردم خوابق و آبادیهای دیگر کم کم در اطراف مرقد آن حضرت خانه ساخته رفته رفته انجا آباد شد.^(۲)

۱- فرخ یار، حسین، مجموعه تاریخی، مذهبی (مشهد اردهاال کاشان) با کمی تلخیص، از ص ۳۷ تا ۶۰.

۲- فرخ یار، حسین، مجموعه تاریخی، مذهبی (مشهد اردهاال کاشان)، ص ۶۲.

ثواب زیارت حضرت سلطانهلی (ع)

از حضرت امام جعفر صادق (ع) روایت شده که ثواب زیارت برادریم حضرت سلطانهلی (ع) مثل زیارت جدم حسین (ع) است و هر که را قدرت طواف اجداد عالیمقام من نباشد گو برود در بارکرس و برادریم سلطانهلی (ع) را طواف کند که ثواب طواف او مثل ثواب طواف ایشان است.

و نیز از آن حضرت نقل است. که هر کسی لیالی جمعه و شبهای متبرکه اوقات خود را در آن مزار کثیرا لانوار برادریم صرف نماید، و به عبادت و تلاوت کلام ملک علام اقدام نماید بی گمان در روز قیامت با ما محشور خواهد شد.

و نیز فرمود: حائر مزار برادریم مثل حائر جدم امام حسین (ع) است هر که را در حائر آن حضرت دفن نمایند از عذاب الهی ایمن گردد.^(۱)

والله اعلم الصواب

۱- فرخ یار، حسین، مجموعه تاریخی، مذهبی (مشهد اردهال کاشان) ص ۶۳.

فصل هفتم

مراسم قالی شویان در مشهد اردهال

- آثار تاریخی کاشان و نطنز
- در تاریخ کاشان

مراسم قالی شویان در مشهد اردهال

یکی از رسوم سنتی مذهبی اسلامی صدها سال است که بنام مراسم قالی شویان (در نزدیکترین جمعه به روز ۱۷ مهر ماه هر سال) بیاد شهادت حضرت سلطان علی بن محمد باقر(ع) با شور و غوغای زائد الوصفی همراه با عزاداری و نوحه خوانی در مشهد اردهال برگزار می شود.

اگر چه ممکن است مراسم در غالب اصلی خود کمی تغییر یافته باشد. ولی یکی از رسوم سنتی مذهبی مردمی است، که سابقه کهنی را داراست. اصل این مراسم و انجام صحیح آن نه تنها با رسوم مذهبی اسلام منافاتی ندارد که در راستای آن نیز هست.

به هر حال این روز یادبودی است از شهادت مظلومانه فرزند بلافصل امام محمد باقر (ع) که در این مکان شهید شد و به پاس فداکاری و رشادتهایش همه ساله مراسمی در نزدیکترین جمعه به روز ۱۷ مهر برگزار می شود. که هزاران نفر از مردم شهرها و روستاهای اطراف (خصوصاً اهالی فین و کاشان) در این مراسم با شکوه شرکت دارند.

آغاز مراسم بدین ترتیب است که چند روز قبل از آن (خصوصاً شبی که فردای آن مراسم برگزار خواهد شد) سیل جمعیت از پیر و جوان و زن و مرد برای شرکت در مراسم به این محل هجوم می آورند.

در صبح این روز هزاران تن از فینی های چوب بدست^(۱) (اهالی فین کاشان) در محل چشمه آبی که در کنار شاهزاده سلطان حسین (ع) قرار دارد، (محل شستن قالی) گردهم می آیند و با شعار یا حسین یا حسین به طرف مرقد مطهر حضرت سلطان علی بن محمد باقر(ع) حرکت می کنند و در صحن صفا همراه با سایرین و با حضور چندتن از علماء و شخصیت های مذهبی مراسم را با تلاوت آیاتی چند از قرآن مجید آغاز می کنند، و در ادامه مردم به نوحه خوانی و عزاداری می پردازند و پس از دقایقی چند فینی ها چوب بدست یکی از قالی های داخل حرم را جهت شستن از خدام امامزاده تحویل می گیرند سپس قالی را لوله کرده و بر دوش می کشند و با حمایت چوبهای خود آن را از صحن صفا خارج، و در حالی که الم و

۱- ده ها سال قبل در این مراسم به جای چوب از قمه و نیزه و شمشیر استفاده می شد ولی بعدها کم کم فقط از چوب برای شرکت در مراسم بهره گرفتند. (از چوب بعنوان سلاح روز که در آن زمان رایج بود بهره می جویند).

کتل هایی در جلو حمل می نمایند (هیئت خاوه ئی ها با الم و کتل عزاداران راهمراهی می کنند) حسین حسین گویان قالی را به طرف چشمه آبی که در ۸۰۰ متری امامزاده (مجاور بقعه شاهزاده سلطان حسین) روان است می برند. نزدیک چشمه (حدود صد متری) حاملین قالی که صرفاً فینی ها هستند ضمن اینک با چوب دستیهای خود قالی را حمایت می کنند آماده شستن آن می شوند و در این هنگام عده ای خود را با شتاب بیشتری به چشمه می رسانند و چشمه را جهت شستن قالی آماده می کنند (به سبب ازدحام جمعیت) سپس قالی شویان قالی را به آب انداخته چوبهای خود را به آب زده و قالی را خیس می کنند و بعد از دقایقی چند در حالی که قالی خیس را در پناه چوبهای خود سر دست گرفته اند بیاد جد شهیدش با شعار «یا حسین یا حسین» به طرف محل برگزاری مراسم (مرقد مطهر حضرت سلطان علی (ع) بر می گردند و در ایوان سرداری (در ورودی به حرم) به خدام تحویل می دهند که اهالی خاوه نیز در آنجا حضور دارند.

هنگام تحویل قالی مراسم به اوج خود می رسد قالی شویان یک پارچه شور و هیجان بر سر و روی خود می زنند زیرا دلشان رضای نمی دهد که قالی را تحویل دهند^(۱) و پس از دقایقی عزاداری مراسم پایان می پذیرد.

همچنین در این مراسم بسیار با شکوه که دیدنش هر انسانی را شوق زده و گریان می کند، هزاران تن از مردم در حالی که بر سر و روی خود می زنند با شعارهای گوناگون چوب به دستان فینی را همراهی می کنند.

در کتاب امام زادگان معتبر به سال ۱۳۸۳ هجری قمری نوشته «آیت الله امامت کاشانی» آمده است: که از آثار قدیم مقبره سلطان علی (ع) و شاهزاده حسین (ع) مراسم قالی شویان است که همه ساله در ۱۷ مهر ماه عده زیادی از کاشان و قراء تابعه شهرستان برای زیارت و شرکت در مراسم قالی شویان در آنجا جمع می شوند و مراسم قالی شویی به یاد شهادت حضرت سلطانعلی (ع) برگزار می شود. تشریفات خاصی در این مورد بکار می رود که خلاصه آن چنین است: روز جمعه، قالی امامزاده را عده زیادی روی دست به طرف محل قالی شویی

۱- این قالی سمبل جنازه مطهر امامزاده است و قالی شویان همانند جسدی که می خواهند به خاک بسپارند دل نمی پوشند که قالی را (جنازه را) تحویل دهند و در طول مراسم حمل قالی غیر از اهالی فین هیچکس دیگری حق دست زدن به قالی را ندارد و تنها با عزاداری و سینه زنی می توانند جمع قالی شویان را همراهی کنند (هیئت خاوه ای در مراسم عزاداری شرکت پر شوری دارد).

که در هشتصد متری واقع است، می برند و عده زیادی با چوبدستی حاملین قالی را محاصره و مانع رسیدن دست دیگران به قالی می باشند و عده ای از فینی های چوبدست صدمتر آخر خود را به حالت دو به چشمه می رسانند (بخاطر آماده کردن محل شستشوی قالی و پراکنده نمودن جمعیت است) سپس با قرار دادن قالی در کنار چشمه و زدن چوب دستی به آب و پاشیدن آب به قالی آن را شستشو داده و بر می گردند. در حال رفتن و برگشتن يك نفر سوار بر اسب سجاده امامزاده را روی دست حمل می کند و این سمت ارثی است که به او رسیده است. حمل قالی از سالهای کهن اختصاص به اهالی فین کاشان داشته و اگر در این مورد دیگران بخواهند اقدام و دستی به قالی بزنند از طرف اهالی فین ممانعت می شود. مردمان فین این عمل را مایه افتخار خود دانسته و تعصب زیادی در این مورد به خرج می دهند. نکته جالب توجه این است که همه ساله این عمل در هفدهم مهر ماه جلالی (نزدیکترین جمعه به آن) تجدید می گردد. آثار تاریخی کاشان و نظنز می نویسد: ^(۱)

یکی از سنن دیرین مردم فین از قرون اولیه اسلامی تاکنون مراسمی است بنام قالی شویان که نزدیکترین جمعه به روز هفدهم مهر ماه در مشهد اردهال بیاد شهادت سلطان علی بن محمد باقر (ع) با شور و غوغای تمام انجام می دهند. بدین ترتیب که روز موعود اهالی فین قالی استانه را بیاد شهادت آن حضرت سر دست گرفته به طرف نهر آبی که در هشتصد متری بقعه جاری است حمل می نمایند و این در حالی است که عده زیادی از مردم آنها را همراهی می کنند. آنگاه چوبهای خود را به آب زده، قالی را شستشو می دهند و به طبع آن حاملین نیز خیس می شوند و دوباره قالی را سردست گرفته به همان وضع به امامزاده می رسانند. این تظاهرات یادبودی از روز شهادت و مراسم دفن و کفن سلطان علی (ع) است. زیرا مردم فین که در روز واقعه به حمایت و طرفداری او شتافته بودند، هنگامی به مشهد می رسند آن حضرت بدست دشمنان شهید شده بود و فینی ها جنازه او را بخاك سپرده و به عزاداری و سوگواری پرداختند و ادامه می دهد:

این سنت جاری تا پیش از عهد صفوی یکی از تظاهرات مذهبی شیعیان متعصب کاشان و فین بوده است، و ادامه این مراسم بر حسب عادت و برای مردم

۱- نراقی، حسن، آثار تاریخی کاشان و نظنز، ص ۴۳.

فین یک نوع امتیاز مذهبی و شرافت تاریخی به شمار می رفته است (همچنانکه برای دیگران نیز در آنجا اجتماع می کنند) علاوه بر سوگواری مذهبی و گردش و تماشا مردم دور و نزدیک کالاهای گوناگون خود را عرضه می دارند به طوری که مدت دو هفته بازار متحرک و پر فعالیتی بوجود آمده داد و ستد بسیار می شود.

در تاریخ کاشان نوشته (سهیل ضربی) به سال ۱۳۴۲ آمده است:

یکی دیگر از مزارات امام زادگان واجب التعظیم که از جمله اجله و ارکان بزرگان دین است زیارتگاه حضرت سلطان علی بن محمد باقر (ع) می باشد و در قریه مشهد شهره که از توابع قم و در هفت فرسخی شهر کاشان واقع است.

به هر حال همه ساله مقرر است که در روز جمعه هفدهم پائیز که روز شهادت آن حضرت است از جمیع نواحی کاشان و قم و ساوه از آن طرف الی سلطان آباد و از این طرف الی محال اصفهان در قریه مشهد قالی به جهت شرکت در مراسم قالی شویان و زیارت مخصوص خود حضرت سلطان علی بن محمد باقر (ع) اجتماع کنند و از زن و مرد در تمام خانه های آن قریه و قراء متصله به آن منزل نمایند و در آن جلگه وسیع مقابل بارگاه که بسیار جای باصفایی است، چادر می زنند و خیمه ها برافرازند و نیز در کنار نهرا و سایه درختها ساکن شوند و انواع اصناف از پوشاکی، خوراکی و سایر ضروریات آورده در عرفات صحن وسیع مقدس و در سایر محوطه آستانه بساتهای رنگین می گسترند و چون در زمان شهادت آن حضرت مردم قریه های فین سفلی و فین علیای کاشان به اعانت یاری آن حضرت شتافته، وقتی رسیدند که حضرت را شهید و مالش را به یغما برده بودند. نعش مطهرش را در قالیچه پیچیده بر لب نهر آب آورده و غسل دادند. لهذا هر سال بر سکنه قریتین مزبور قرض است که در روز موعود زن و مرد در مشهدش حاضر شده و در روز جمعه (پانزدهم الی ۲۲ پائیز) همان قالیچه را برآورده^(۱) و بقدر پنجاه هزار نفر اطراف نهری که از مقابل زیارت حضرت شاهزاده سلطان حسین می گذرد برای شستن قالی در آن سراسیمبی ایستاده و به یاد جسم مطهر آن حضرت که در چنین روزی جسد مطهرش را در این آب غسل داده اند، گوشه قالی را در آب انداخته چوب دستی های خود را بر آب زنند گریه و زاری نمایند و آن وقت همان هیئت قالی را لوله کرده بر دوش کشند، بیایند تا ایوان ورواق و در حرم و دور مرقد آن

۱- منظور تاریخ کاشان از همان قالیچه یکی از قالیچه های جدید امروزی است که در داخل حرم پهن شده است.

حضرت طواف کرده، بروند و کل آن خلق جهت زیارت به آستانه هجوم آورند. و اگر شخصی جهت تبرک بخواهد دست خود را به طرف قالی دراز کند هزار فینی چوب بدست نگذارند.

یکی از حاضرین در مراسم قالی شویان مشاهدات خود را (در کتاب گنجینه های آثار قم از سلسله تألیفات فیض ۱۳۵۰) چنین بیان می کند: همه ساله بیاد شهادت حضرت سلطان علی (ع) مراسمی در مشهد اردهاال برگزار می شود که واقعاً شور و هیجان خاصی دارد.

چند روز قبل از انجام مراسم قالی شویی خصوصاً شبی که فردای آن مراسم شروع خواهد شد در دامنه کوههای اطراف امام زاده در مساحتی حدود دو کیلومتر هزاران چراغ روشن و دودهایی به هوا متصاعد بود. هزاران دسته چند نفری برگرد یکدیگر نشسته مشغول طبخ غذا دیده می شوند که این جمعیت از دهکده های دور و نزدیک به مشهد آمده بودند و بسیاری از کسبه هم در صحن قمی ها جمعه بازاری تشکیل داده امتعه خود را برای فروش عرضه کرده بودند.

تمام صحن ها و بامهای مملو از جمعیت بود هیئت روستای محلی کاشان و اطراف در حجرات صحن صفا مجتمع و در محوطه صحن هم بیش از هزار تن از مردم فین گرد آمده بودند در حالی که هر یک چوب سفید بلندی را همراه داشتند.

در روز آغاز مراسم ریش سفید نود ساله ای در جلو جمعیت خروشان قرار داشت و در طرفین وی دو بیرق و در دنباله سروی دو بیرق بلندی به حرکت در آمده و چوبها، بالا رفت و چوبداران به جست و خیز پرداخته چوبها را بالا و پائین می آورند و جمعیتی بسیار فشرده گرد قالی لوله شده را فرا گرفته بودند چنانکه دیدن قالی برای دیگران امکان نداشت و در عقب سر قالی داران طوقی باستانی با زبانه بلند و صندوقچه فولادی و کتیبه مشبك از آیات قرآنی به حرکت درآمد که هزاران تن در زیر آن به نوحه سرایی پرداخته، بر سر می زدند (اهالی خاوه) و در اطراف آنها چوبهایی سفید که با خطوط قرمز منقش بود مشاهده می شد. مأمورین انتظامی در چند صف در مسیر جمعیت قرار گرفته برای مردم فین کوچه ای بس وسیع باز کرده نمی گذاشتند احدی از جمعیت داخل صفوف آنان گردد، و کسی جرأت نداشت که حتی برای تیمن و تبرک بسوی قالی دست دراز کند و قالی را با این کیفیت تا

سرچشمه سلطان حسین (ع)^(۱) برابر بقعه وی آورده بر زمین نهادند و چوبها را بر دوش خویش گرفتند و به طرف بقعه حضرت سلطان علی (ع) آورده و به متولی تسلیم کردند. و در جمعه سوم پاییز مردم نسلج^(۲) که در واقعه شهادت حضرت سلطان علی (ع) متوجه اشتباه خویش گردیده نادم و پشیمان برای انجام مراسم هفت وی (حضرت سلطانعلی (ع) با پاهای برهنه سینه زنان از نسلج تا مشهد آمده و تا عصر در آنجا تعزیه داری کرده مقارن غروب بازگشتند. همه ساله در روز هفت، مراسمی در این محل انجام می گیرد.^(۳)

۱- بقعه شاهزاده حسین تقریباً در ۸۰۰ متری مقبره حضرت سلطانعلی بن محمد باقر (ع) واقع است. در کتیبه ای که روی درب بقعه منبت گردیده او را پسر امام چهارم (ع) می خوانند و دارای بقعه و صحن کوچکی می باشد که از آثار قرن ششم هجری است و در داخل ورودی بقعه دری از زمان صفوی به چشم می خورد که بر روی آن نوشته شده: گشاده باد به دولت همیشه این درگاه- بحق اشهد ان لا اله الا الله.

۲- روستای نسلج در ۵ کیلومتری جنوب شرقی مجموعه اردهال (در دامنه کوههای اطراف) وجود دارد.

۳- فرخ یار، حسین، مجموعه تاریخی، مذهبی (مشهد اردهال کاشان) از صفحه ۱۴۴ تا ۱۵۱.

فصل هشتم

مسافرتها و توقفهای شاهان در فین کاشان
سنگرگاه یاغیان در باغ شاه فین

مسافرتها و توقفهای شاهان در فین کاشان

شاه عباسی در سال ۱۰۰۳ هجری با کلیه همراهان و دستگاه پر تجمل سلطنتی خود و ایلچیان بیگانه مدت چهار ماه در کاشان اقامت نمود. که وقایع نگاران ایرانی آنرا باختصار یاد کرده اند. اما سفیر روس با ۶۳ نفر همراهانش که در آن موقع به کاشان دعوت شده اند شرح ورود و پذیراییهای مکرر از هیئت را به تفصیل نگاشته است.

بار دیگر هم شاه عباسی در سال ۱۰۰۴ مدت ۶۳ روز ایام ماههای دی و بهمن را در کاشان زیست نموده و بطوریکه تاریخ فقاوه الاثر می نویسد: در این سفر شاه عباس امر به طرح محافل شادی و تشکیل بزمی بهشت آسا در سرچشمه فین داده و در آنجا ایلچیان پادشاهان روم و فرنگ و ماوراء النهر و تاکستان با هدایا و پیش کشیهای خود بار یافته اند.^(۱)

در سال ۱۰۵۰ نیز که ساختمان عمارت کلاه فرنگی روی شترگلوی شاه عباس در باغ فین به انجام رسیده بود. شاه صفی چندی در آن باغ اقامت و کامرانی نمود (جانشینی شاه عباس اول) شاه صفی (۱۰۳۹ تا ۱۰۵۲ هـ)، (سام میرزا فرزند صفی میرزا ولیعهد مقتول شاه عباس) در مسافرتهاى خود به کاشان پیوسته محافل جشن و شادی بر پا ساخته و به عیش و نوش پرداخت.^(۲)

شاه عباس دوم (۱۰۵۲ - ۱۰۷۸ هـ) از فین دیدن کرده است.^(۳)

در سال ۹۰۹ هجری جشن بزرگ شاه اسماعیل در سرچشمه فین، و بار دیگر نیز در سال ۹۲۵ هجری که شاه اسماعیل به عزم تفرج به کاشان و فین آمد.^(۴)

شاه سلیمان (۱۰۷۷ - ۱۱۰۵ هـ) و شاه سلطان حسین (۱۱۰۵ - ۱۱۳۵ هـ) آخرین پادشاهان صفویه نیز حین عبور از کاشان مدتی در عمارت‌های دولتخانه و باغ شاه فین با تشریفات شاهانه توقف و کامرانی می نمودند، چنانکه (در سال ۱۱۳۱ هـ) هیئت نمایندگان فرانسه به ریاست گاردان در کاشان به حضور شاه سلطان حسین پذیرفته شدند.^(۵)

۱- نراقی، حسن، تاریخ اجتماعی کاشان، ص ۱۲۲.

۲- نراقی، حسن، تاریخ اجتماعی کاشان، ص ۱۳۷.

۳- نراقی، حسن، تاریخ اجتماعی کاشان، ص ۱۳۸ و ۱۳۹.

۴- نراقی، حسن، تاریخ اجتماعی کاشان، ص ۹۶ و ۹۹.

۵- نراقی، حسن، تاریخ اجتماعی کاشان، ص ۱۴۱.

آخرین مسافرت خاقان به کاشان، (در سال ۱۲۴۹ هـ) آخرین سفریکه فتحعلی شاه به کاشان آمد پس از هشت روز توقف در باغ شاه فین رهسپار بسوی اصفهان گردید و در آن شهر زندگانی را بدورد گفت. این پادشاه عیاش و خوش ذوق و پول دوست پس از ۶۸ سال زندگانی و ۳۸ سال پادشاهی تعداد ۷۸۶ فرزند و فرزند زاده و همچنین حرمسراهای بیشمار از خود باقی می گذارد.^(۱)

سلطنت ناصرالدین شاه (۱۲۶۴ - ۱۳۱۳)، در آغاز این دوره شاهرخ میرزای پسر حسنعلی میرزا فرمانفرمای فارس حاکم کاشان شد. چون محمد کاظم خان شیپانی به معاونت و وزارت او منصوب گشته بود، کشمکش و گیر و دارهای محلی شدت یافت و مدتی ادامه داشت (در سال ۱۲۶۷ هـ) هنگام بازگشت ناصرالدین شاه از مسافرت اصفهان باتفاق میرزا تقی خان امیرکبیر یک هفته در باغ شاه فین بسر بردند.^(۲)

سنگرگاه یاغیان در باغ شاه فین

در ایام سلطنت کریم خان زند، پس از کناره گیری میرزا معزالدین از حکومت کاشان عبدالرزاق خان داماد وی جانشین او گردید. این رادمرد دلیر در دوره طولانی حکمرانی خود آثار نیک و کارهای بزرگ انجام داده از جمله وقایع مهمی که موجب شهرت او گردید مبارزه دلیرانه ایست که با اتباع زکی خان زند نمود. که خلاصه آن از تاریخ گلشن مراد در اینجا ذکر می شود. در سال ۱۱۷۵ هنگامی که شهریار زند در آذربایجان بود، زکی خان برادر و عموزاده او در اصفهان علم طغیان و سرکشی برافراشته کاظم خان بختیاری را با گروهی سواره و پیاده به حکومت کاشان فرستاد. عبدالرزاق خان که از طرف کریم خان وکیل الرعایای آن ولایت بود از مشاهده بیدادگریهای آنها بردباری خود را از دست داده نیمه شبی با جمعیت خود ناگهان بر سر آنان ریختند و کاظم خان را با یکصد و هشتاد نفر اتباعش دستگیر نموده به زنجیر کشیدند. زکی خان پس از اطلاع از این واقعه گروه مجهزتری را به سرکردگی علی محمد خان به کاشان فرستاد. و آنها پس از زدو خوردهای شدید با تفنگ چیان عبدالرزاق خان کوی دولتخانه را در خارج شهر تصرف نمودند.

۱- نراقی، حسن، تاریخ اجتماعی کاشان، ص ۲۴۸.

۲- نراقی، حسن، تاریخ اجتماعی کاشان، ص ۲۵۶.

مهاجمین پس از شکست، باغ شاه فین را که دارای دیوار مرتفع و برجهای مستحکمی بود پناهگاه خویش ساختند و همه روز میان کاشان و فین، نایره جنگ شعله ور بود. گزارش این وقایع که در آذربایجان به عرض شهریار زند رسید در حالیکه عازم بازگشت به اصفهان گردید نخست دسته ای از دلاوران سریع السیر را روانه کاشان نمود. فرمانده آنها مولاسلطان جوانی بی باک و شجاع بود. در همان نیمه شبی که با سواران فرسوده خود به کاشان رسیدند برخلاف رأی و عقیده عبدالرزاق خان و جنگجویان محلی بی درنگ به باغ شاه فین که سنگر گاه یاجیان بود هجوم آورده، در يك نبرد خونین و کوتاهی مولاسلطان با هفده تن اتباعش به قتل رسیدند. علی محمد خان سرهای کشته گان را بریده با خود به اصفهان برد. پس از چند روز دیگر خبر آمدن کریم خان که به کاشان رسید مردم آن شهر موکب پادشاه محبوب خود را تا سه فرسخی استقبال کردند.^(۱)

- در ماجرای توپ بستن به کاشان دفعه سوم برای بدام انداختن اشرار کاشان (سردار صولت) پسر (سردار ارشد) بحکم طرفیتی پس از مراجعت از طهران در حدود (اردستان) که از پدر زن او سهام السلطنه و هم چنین از بختیاری که مسقط الراس^(۲) اوست جمع آوری استعداد می کند برای مقاومت باکاشی ها، و نیز سهام السلطنه در طهران با مهاجرین کاشان و غیر هم همدستی می کنند جمعی ژاندارم با چند توپ بطرف کاشان گسیل می دارند. و از آن طرف (سردار صولت) با جمعی بطرف کاشان روان می شوند چند روزی در لتحر و حسن آباد و فین جمع آوری و مستعد می شوند.

حضرات هم باز در شهر، آقایان و بزرگان و تجار را در (مدرسه سلطانیه) محصور و با نهایت غلظت و شدت رفع این مهم را می خواهند، با نهایت بی اعتنایی، و باز تفنگدارها در برجها و باروها و اطراف می گمارند و دروازه ها را خاکریز و محکم، اما گاهگاهی جمعی بیرون رفته جولانی می دهند، تا اینکه از طرف «درب فین» توپ بستند، توپ های کاری، حضرات هم به سرکردگی (نایب علی شجاع لشکر) بلندبهای درب فین را سنگر کرده اگر چه خوب مقاومت کرده اما تفنگ کجا با توپ.

۱- نراقی، حسن، تاریخ اجتماعی کاشان، ص ۱۵۳ و ۱۵۴.

۲- مسقط الراس: زادگاه.

بالجمله (دروازهٔ فین) را بضرب گلوله توپ مخروب و درهم ریخته و بعضی حضرات ژاندارم جلادت کرده بسرکردگی «ضیاء السلطان» پسر مرحوم صدر راونجی، خود را بهر وسیله بود به باروی شهر رسانیدند، و جمعی از آنها کشته شدند اما از طرف کاشی ها بیشتر مقتول گشتند.

خاصه بواسطه توپ و تفنگ تاب مقاومت و جنگ نداشته لابد فرار کردند و میهمانها (ژاندارمری) وارد و مانند باران گلوله می باریدند و می آمدند و حضرات می رفتند و اینکه از درب (عطا) و (دولت) خارج شدند و از طرف آران و بیدگل رو بطرف کرشاهی رفتند.^(۱)

۱- پور مدنی، حسینعلی، تاریخ اشراک کاشان، بقلم حضرت آیت الله ملا عبدالرسول مدنی باهتمام. ص ۵۹-۶۱.

فصل نهم

آموزش پرورش در فین (۷۱ - ۷۲)
کتابخانه باغ فین
هتل امیرکبیر
سروی سرا
شرکت درین

آموزش و پرورش در فین (۷۱-۷۲)

کانون علم وقتی بارور می شود که محلی و تعلیم دهنده ای و تجهیزاتی برای فراگیری آن آماده باشد.

فین بزرگ

مدرسه ابتدایی:

- ۱- ۶ کلاس تعداد ۲۰۱ نفر دانش آموز
- ۲- ۵ کلاس تعداد ۱۶۹ نفر دانش آموز
- ۳- ۵ کلاس تعداد ۱۶۰ نفر دانش آموز
- ۴- ۵ کلاس تعداد ۱۰۷ نفر دانش آموز
- ۵- ۵ کلاس تعداد ۱۵۸ نفر دانش آموز
- ۶- ۴ کلاس تعداد ۱۳۴ نفر دانش آموز

مقطع راهنمایی:

- ۱- ۵ کلاس تعداد ۱۵۱ نفر دانش آموز
- ۲- ۵ کلاس تعداد ۱۵۶ نفر دانش آموز
- ۳- ۴ کلاس تعداد ۱۳۱ نفر دانش آموز

محل دانش آموزش کودکان استثنایی:

- ۱ کلاس ۱۵ نفر دانش آموز

فین کوچک

- ۱- ۵ کلاس تعداد ۱۳۰ نفر دانش آموز
- ۲- ۴ کلاس تعداد ۹۷ نفر دانش آموز
- ۳- ۵ کلاس تعداد ۵۹ نفر دانش آموز
- ۴- ۵ کلاس تعداد ۱۳۰ نفر دانش آموز

روستاهای مجاور حسن آباد

مدرسه ابتدایی:

۱- ۵ کلاس ۱۵۲ نفر دانش آموز

۲- ۳ کلاس ۱۵ نفر دانش آموز

۳- ۳ کلاس ۸۴ نفر دانش آموز

روستای دیزچه

مدرسه ابتدایی:

۱- ۳ کلاس ۵۵ نفر دانش آموز

۲- ۵ کلاس ۱۰۰ نفر دانش آموز

کتابخانه باغ فین

کتابخانه در شرق باغ فین قرار گرفته است که در سال ۱۳۳۴ شمسی تأسیس شده و با مساحت ۲۴۰ مترمربع و گنجایش ۳۰ نفر را داراست.

مشخصات کتابخانه

ظرفیت کتابخانه به جلد	کتاب موجود در کتابخانه به جلد	قفسه	میز مطالعه	طاق مطالعه	گنجایش به نفر
۱۵۰۰۰	۱۲۰۰۰	۲۶	۳	۳	۳۰

آنچه فرهنگ يك جامعه را پي ریزی می کند، حجم معلوماتی اشخاصی است که به مراکز کتابخانه ها و محل فراگیری علم هجوم می کنند و خود را بین کتب مختلفه غرق کرده و از آن نور علم و تکنولوژی را بر جامعه می خوانند و فرهنگی نو را پایه ریزی کرده و کانونهای فعالیت را در تمام نهادهای اجتماعی کشور به اهتزاز در می آورند آنها در تمام ارکان صحنه های اجتماعی حضوری قابل وصف دارند از اقتصاد گرفته تا فرهنگ، سیاست، صنعت، تربیت، و فعالیتهای نظامی و اجتماعی و هزاران، هزار فعالیت دیگر، ما باید در کشور رفتار کتاب خواندنی را که خود يك فرهنگ مخصوص را ایجاد می کند با طرحی نوآموزشی فراگیر به جامعه تزریق کنیم. تا در تمام نهادهای اجتماعی پیشرفتی قابل وصف داشته باشیم. و این بر عهده تمام

دولت مردان و قشرهای اجتماعی است که در این راه کوشا باشند تا فکرها، به کارایی مطلوب دست یابد و کشور به گلستان علم و تقوی مبدل شود.

هتل امیرکبیر کاشان

هتلی است توریستی که در فین کاشان واقع شده است و دارای ۱۰۲ اتاق که از این تعداد ۵۱ اتاق ۳ تخته و ۵۱ اتاق ۲ تخته می باشد. و مساحت ۴۰۰۰ مترمربع در ۹ طبقه و لابی به متراژ ۸۰۰ متر - سالن تلویزیون - دو سالن رستوران سالن عروسی زنان و مردان - دور تا دور حیاط کافه تریا - دو آسانسور - سرویسهای فرنگی در هر اتاق فروشگاه قالی، ماشینی، ابریشمی، تابلوهای دستباف کاشی. دارای سه دفتر شامل:

۱- حسابداری ۲- يك رئیس ۳- تلفنخانه. در این هتل، مسافرانی از کشورهای آلمان- ژاپن- نروژ- کانادا- آتن- هنگ کنگ حوزه های خلیج فارس (امارت متحده عربی- کویت- عمان و غیره) دیده می شود؛ قابل ذکر است که بیشتر مسافران داخلی: استادان دانشگاه- مدیران کارخانه ها- فیلمبرداران و هنرمندان- و مردم که از شهرهای مختلفه برای سیر و سیاحت به فین می آیند را پذیرا می باشد.

سروی سرا

ناهارخوری که در جنب باغ فین قرار گرفته بنام سروی سرا معروف است مسئول این مجموعه حسن سروی می باشد و ظرفیت ناهارخوری ۲۰۰ نفر و قدمت آن به ۴۰۰ سال پیش برمی گردد و بنای آن را یکی از قاضی های صفوی نهاده است، بصورت کافه، حدود ۴۵ سال پیش مشغول بکار شده است. و بعدها تغییرات را حسن سروی روی آن انجام داده است. او ۳۰ سال فرهنگی خوشنویس و مدیر مدرسه و سرپرست باغ فین بوده و تحصیلات ششم ابتدایی قدیم و بعد سیکل دارد و هم اکنون ۶۰ سال سن دارد. او شعر هم می سراید و شعرهای خود را بر دیوارهای سروی سرا نوشته است. و مردم فین او را بنام شاعر می شناسند. این ناهارخوری با آبی که از چشمه سلیمانیه در او گردش دارد جای مناسبی برای مسافران و سیاحان می باشد، قالب ساختمان بصورت سنتی برپا گردیده است.

شرکت درین

شرکت درین کاشان در جاده ای پشت باغ فین در فاصله ۴ کیلومتری آن است این کارخانه در سال ۱۳۵۶ توسط کمپانیهای آمریکایی ساخته و مورد بهره برداری قرار گرفت و هم اکنون صاحب شرکت، سازمان تأمین اجتماعی می باشد. این شرکت تا معدن اصلی خود ۸ کیلومتر فاصله دارد و از سنگهایی که بوسیله کامیونها حمل می شود و به کارخانه درین وارد می شود، زیر دو آسیاب به گردی مبدل شده، و پس از عملیاتی دیگر، از این مواد، تولیداتی از قبیل:

- ۱- باریت - برای استخراج نفت
- ۲- بنتونیت - برای شرکت نفت حفاری
- ۳- گوگرد میکرونیزه - برای سم آفات نباتی
- ۴- تأسیسات زغال میکرونیزه - برای جلدهای نیروی باطری.
- ۵- تأسیسات فروبار.
- ۶- اکسید آهن (هماتیت) - برای شرکت نفت.
- ۷- آهک هیدراته.
- ۸- آهک برای تصفیه آب.

دارای ۳۷۰ نفر کارگر و ۵ مهندس و دارای سازمانی بدین شرح:

- ۱- انتظامات ۲- کیوسک بازرسی ۳- تلفنخانه ۴- دفتر فروش ۵- فروشگاه
- تعاونی ۶- باسکول ۷- دفتر محصول ۸- دفتر بهداشت ۹- نیروگاه برق ۱۰- دفتر
- نوسازی ۱۱- دفتر فنی ۱۲- ترانسپورت - تعمیرگاه ۱۳- انبار مرکزی ۱۴- معدن
- باریت ۱۵- آزمایشگاه ۱۶- شبکه برق ۱۷- دفتر مدیریت مالی و اداری ۱۸- دفتر
- مدیریت عامل دره ۱۹- اتاق فروبار ۲۰- تدارکات (قرار دادها) ۲۱- تدارکات
- (داخلی) ۲۲- چال سرویس ۲۳- دستگاه جیک (تلفیظ باریت جدا می کند چیزهای
- دیگر را) ۲۴- دفتر مدیریت بهره برداری ۲۵- دفتر مدیریت بازرگانی ۲۶- دفتر
- مدیریت کارخانه ۲۷- نگهبانی معدن ۲۸- تأسیسات ۲۹- آهک ۳۰- کانتین (سالن
- ناهارخوری) ۳۱- تراشکاری ۳۲- حسابداری ۳۳- حسابداری مالی ۳۴- دفتر
- مدیریت فنی ۳۵- آسیاب لرزشی ۳۶- دفتر پایگاه.

فصل دهم

- مطالعات مردم شناسی و مردم
- نگاری فین کاشان
- معنی فولکلور
- ارزش جهانی و ملی فرهنگ مردم
- دانش عوام و ادبیات فارسی
- سابقه اخیر فرهنگ مردم

فرهنگ مردم فین کاشان

معنی فولکلور

لغت فولکلور واژه ای قدیمی و کهنه نیست و در کشور ایران کمتر از نیم قرن است که اهل فن آن واژه را در نوشته های خود به کار برده اند. نخستین کسی که این کلمه را پیشنهاد کرد W.T.Thoms بود که در ماه اوت سال ۱۸۴۶ مسیحی با نام مستعار Ambrose Merton این واژه را که خود وضع کرده بود، در نوشته خویش به کار برد. و از آن پس این لغت در زبان محاوره انگلیسیها راه یافت و سرانجام مورد قبول واقع شد و شناسنامه فرهنگی گرفت. نکته قابل توجه اینکه بعضی ها آن نام مستعار اسم شخص دیگری پنداشتند و گمان کردند که تا مزو مرتن دو نفرند و حال آنکه هر دو، نام يك نفر است. اما اگر بخواهیم در زبان فارسی کلمه ای پیدا کنیم که به تقریبی مفهوم و معنای فولکلور را داشته باشد، ناگزیریم جملاتی چون؛ مجموعه اطلاعات مردم معلومات توده مردم، دانش توده، فرهنگ مردم، فرهنگ عوام، معلومات عوام، فرهنگ توده، دانش عوام یا ترکیباتی از این قبیل به کار ببریم. بدیهی است همانطور که ما ادبیات رسمی داریم ادبیات عوامانه هم داریم یا همچنانکه طب و حکمت رسمی داریم، طبابت عوامانه هم داریم، یعنی در مقابل بیشتر شعبه ها و رشته های علمی، فنی، صنعتی، ادبی و هنری فرهنگ خواص شعبه هایی هم در فرهنگ عوام وجود دارد که مجموعه آنها «فرهنگ مردم» نامیده می شود.

ارزش جهانی و ملی فرهنگ مردم

فولکلور هر ملت یا «فرهنگ مردم» چه از جنبه علمی و چه از لحاظ اجتماعی برای خود آن ملت و برای مردم سراسر جهان دارای ارزش و اهمیت بسیار است. ارزش جهانی فولکلور بدان سبب است که دانش عوام هر ملتی آینه ذوق و هنر و معرف خلق و خوی آن ملت و وسیله خوبی در راه شناختن خصوصیات آن قوم و جماعت است. و چون غالباً با فولکلور ملل دیگر رابطه تاریخی، فلسفی و مذهبی دارد، می تواند سفیر حسن نیت و پیام آور دوستی يك ملت نزد سایر ملل

جهان باشد و در حقیقت فولکلور، بهترین عاملی است که ملتها را به یکدیگر نزدیک می کند و پیوند دوستی و رابطه معنوی آنها را مستحکم می سازد و آشنایی و دوستی ملتهای جهان با هم، وثیقه صلح و آشتی آنها با همدیگر و نابود کننده یا لااقل تخفیف دهنده کینه ها و دشمنی ها است.

اما از جنبه ملی و مملکتی، فرهنگ مردم هر ملتی در حکم زندگینامه و شرح احوال و سیرتهای توده عوام آن ملت و عامل اصلی و شاخص خصلتها و تصویر اصیل آداب و عادات آن قوم و روشنگر سوابق تاریخی و نشان دهنده تحول فکری و تکامل اجتماعی مردم عوام آن کشور است.

دانش عوام و ادبیات فارسی

از روزگاران بسیار قدیم، معتقدات و رسوم و آداب سنن عوام و افسانه های عوامانه ای که از داستانهای تاریخی و حماسه های ملی زاده شده، در کتب نثر و نظم فارسی، آنهم به حد وفور، دیده می شود، خوشبختانه مقداری از آن ذخائر گرانبها به تاراج حادثات نرفته است و آثاری که از هزار سال پیش باقی مانده، مشحون و مزین است به مواد مختلف دانش عوام به طوری که چون در شاهنامه فردوسی - تاریخ بلعمی - ویس و رامین - فخرالدین گرجانی - تاریخ بیهقی - هدایت المتعلمین و به ویژه در دیوان خاقانی تفحص کنیم یا فی المثل خمسة نظامی، بوستان و گلستان، دیوان غزلیات و مثنوی معروف جلال الدین محمد بلخی - اشعار اوحدی - دیوان خواجه حافظ و به خصوص کلیات نثر و نظم عبید زاکانی و در شهر آشوب، های سرایندگان مختلف و آثار دیگر نویسندگان و شاعران سرشناس را به دقت بررسی کنیم، نفوذ و تأثیر این معتقدات و آداب و سنت ها را به روشنی باز می یابیم.

سابقه اخیر فرهنگ مردم

شاید تعجب کنید و باورتان نشود که نخستین شخص با سواد و روشن بین و دانا و بینایی که خرافات و معتقدات عوامانه زنان زمان خود را گردآوری و تألیف کرده و به صورت کتاب معروف «کلثوم ننه» - که اگر نخوانده اید اسمش را شنیده اید - درآورده است، شخصیتی روحانی و مردی ملا و زاهد و دانشمند با تقوا به نام آقا جمال خوانساری بوده است. و عجیب تر آنکه تألیف این فقیه روشن ضمیر در میان

همه طبقات، اعم از باسواد و بیسواد - شهرت و محبوبیت بسیار یافته و چندین بار به چاپ رسیده است. و با آنکه نام اصلی آن «عقاید النساء» است. به اسم «کلثوم ننه» شهرت یافته و عامه مردم آن را به همین نام می شناسند، نثری شیوا و آمیخته به طنز دارد. و حاوی مقداری از آداب و معتقدات و رسوم و خرافات زنان در دوره صفویه است.

در هفتاد هشتاد سال اخیر هر جمعی از نویسندگان ایران با توجه و آگاهی به ارزش آثار و مواد فولکلوری و تأثیر آنها در مردم، کوشیده اند. که در ضمن ساده نویسی از آن آثار نیز استفاده کنند و در زمینه ادبیات توده کم و بیش کارهایی انجام دهند. پیشاهنگ این گروه میرزا حبیب اصفهانی متخلص به «دستان» از آزادگان دوره ناصری و مترجم فاضل و با ذوق کتاب معروف «حاجی بابا» است که مقداری از اصطلاحات و لغات عوامانه را جمع و ضبط کرده است. این «دستان» همان کسی است که دیوان کنزالاشتهای ابواسحق حلاج شیرازی معروف به بسحق اطعمه (متوفی در ۸۳۰ ه. ق) و دیوان البسه نظام الدین محمود قاری یزدی (متوفی در ۸۶۶ ه. ق) را در خاک عثمانی به چاپ رسانده است و اکنون آن نسخه چاپ عثمانی هم نایاب است.

در مشروطیت هم روزنامه هایی مانند «شرافت» و چتته پابرهنه و جنگل مولا و کمی بعد از اینها، جارچی ملت منتشر می شده که نویسندگان آنها مطالب خود را به زبان محاوره و مصطلحات عوامانه می نوشته اند و به همین سبب هم در توده تهرانی آن روز نفوذ فراوان داشته اند. سید اشرف الدین حسینی صاحب و مدیر روزنامه نسیم شمال نیز به مدد همین کار شهرت فراوان کسب کرد. (چون سخن از روزنامه ها می رود - بی آنکه فاصله زمانی دقیق را در نظر بگیریم - باید به روزنامه بابا شمل و روزنامه توفیق اشاره کنیم. این دو روزنامه هم از همین لطیفه نهانی برخوردار بوده اند). بعد از آن دوره باید از شادروانان علی اکبر دهخدا و حسن مقدم یاد کرد که علامه دهخدا «امثال و حکم» فارسی را (البته مقداری از آنچه در متون کهن و ادبیات رسمی ما آمده است، به علاوه مقداری از مثل های عوامانه) در چهار مجلد تدوین کرده است و پیش از آنهم در صدر مشروطیت با نوشتن مقاله های معروف «چرند و پرند» در روزنامه صوراسرافیل ساده نویسی را رواج داد و فارسی زبانان را از ارزش و اهمیت اصطلاحات عوامانه وقت تعبیر و قدرت توصیف زبان محاوره آگاه ساخت.

در این سالها است که مجموعه داستانهای کوتاه، سید محمد علی جمال زاده به نام «یکی بود و یکی نبود» منتشر شد و نویسنده در شیوه بیان هر داستان عشق و علاقه خود را به زبان محاوره مثل ها و اصطلاحات عوامانه آشکار کرده است.

و یکی دیگر از پیشکسوتان و علاقه مندان فرهنگ مردم ایران «امیر قلی امینی اصفهانی» است. که از پنجاه سال پیش با فروتنی تحسین انگیزی به این کار مهم اقدام کرده. وی نخست «هزار و یک سخن» و بعد از آن «داستانهای امثال ۱۳۲۴» را منتشر ساخت و سرانجام با تألیف کتاب نفیس و پر ارج «فرهنگ عوام یا تفسیر امثال و اصطلاحات زبان پارسی» خدمت فرهنگی خود را رونق بخشید.

ارزش کار و اهمیت خدمات و مجاهدات این نیکمردان و مردم دوستان بیشتر در این است که اینان بی چشمداشت به هیچ اجر و مزدی، هنگامی به این کارها دست زده اند که عالمان و فاضلان کم مایه و پر افاده، این کارها را دون شأن خود می دانسته اند.^(۱)

۱- انجوی شیرازی، سید ابوالقاسم، گذری و نظر در فرهنگ مردم، از ص ۹ تا ۱۵.

فصل یازدهم

ادب شفاهی و زبان آموزی به کودک در فرهنگ مردم
زبان باز کردن کودک
کودک و بازیهای کودک
اثر متل در درست گفتن سخن

ادب شفاهی و زبان آموزی به کودک در فرهنگ مردم

در خانه و خانواده بر مبنای عادات و آدابی که داشته ایم و داریم، دیده ایم که کودک، به دنیا آمده، در آغوش ما در و دامان پدر و در میان افراد خانواده بزرگ شده، به راه افتاده و به شیرین زبانی گرم ساختن کانون خانواده مشغول است. طرفه آن که کودک، این سخن گفتن و شیرین زبانی کردن را بی هیچ گونه زحمتی فرا گرفته است تا جایی که چند هزار کلمه و ترکیب را در حافظه ضبط کرده است.

بارها و بارها شاهد این امر بوده ایم اما به روش پرورش طفل در این مورد و این که چگونه رشد کرد و زبان باز کرد و به حرف زدن افتاد کمتر اندیشیده ایم در صورتی که این زبان آموزی به کودک، از دوران شیرخوارگی تا زمان به مکتب رفتن او واجد نکات ظریف، دقیق، شگفتی انگیز و شایسته تعمق و تدقیق است که از برکت «فرهنگ مردم» و تمدن غنی و فرهنگ پر بار این مرز و بوم به کمال و جمال رسیده است و فوت و فن و ریزه کاری آموزش آن را نه از روی کتاب بل که موافق سنت و عادت، هر دختری از مادر آموخته و به هنگام فرزندداری در مورد کودک خود به کار برده است.

نخستین مرحله این آموزش، هنگامی است که کودک هنوز لب به سخن نگشوده است اما آهنگ نرم، روحپرور، مهربان و نوازشگر لالایی را از مادر می شنود و موسیقی زبان مادری و موزونی و آهنگ آن، آرام آرام در ذهن و حافظه پاک او جای می گیرد.

هر کودکی گرچه از همان روزهای نخست تولد، سخنان مادر و پدر و نزدیکان و بستگان خود را می شنود. ولی اولین ارتباط کلامی و رابطه هم سخنی و آشنایی او فقط با مادر و از راه شنیدن لالایی است. کودک، صدا و لحن گرم و گیرای مادر را از میان همه صداها تشخیص می دهد و با آن انس می گیرد و همان طور که گرمی مطبوعی تن و بوی جانپرور بدن مادر و ضربان قلب او را حس می کند صدای او را نیز در میان همه صداها تمیز می دهد.

لالایی سخنی است موزون و آهنگدار که مادر برای او زمزمه می کند و او را در خواب خوش فرو می برد. این کلمات ساده و حرفهای بی پیرایه ای که بیان کننده عادیتترین موضوعهای خودمانی و ذوقی زندگی است چون بر زبان مادر جاری می شود با جوهری از عشق و احساس همراه است که سامعه کودک را می نوازد و در جان او اثر می کند و او را آرام آرام در خوابی راحت و عمیق غرقه می سازد.

زبان باز کردن كودك

كودك در حدود دو سالگی همان گونه که نشستن و «تاتی تاتی» کردن یعنی راه رفتن را شروع می کند، آماده است تا حرف بزند و زبان باز کند. بعضی مادرها به بچه تخم کبوتر می خوراندند و عقیده دارند تخم کبوتر در تقویت گویایی او مؤثر است، بر حسب تصادف هم این قبیل اطفال وراج و پر حرف از آب در می آیند! به هر روی مادر هنگامی که دریافت بچه می خواهد زبان باز کند با کلمات کوتاه و روان که ادا کردن آنها سهل و ساده است حرف زدن را با او تمرین می کند و به او می آموزد:

لالا، قاقا، بابا، ماما، به به، پوف، آبه، تی تیش ... و كودك را و می دارد تا این گونه کلمه ها را تکرار کند و معنی و مفهوم هر يك را به ذهن سپارد که «لالا» خوابیدن «قاقا» خوردنی خوشمزه «به به» و «پوف» خوراك «آبه» آب «تی تیش» پوشاك نو معنی می دهد، بابا و ماما هم که دو کلمه ای است که كودك قبل از همه معنی و مفهوم آنها را دریافته است.

تحسین و تشویق همزبانی اطرافیان و بستگان، طفل را به شوق می آورد و با هیجان و شور فراوان شنیده ها و آموخته های خود را تحویل می دهد. پس از آن که بچه، کم و بیش به راه افتاد و به سخن گفتن پرداخت ابتدا بعضی کلمه ها را شکسته و خلاف قاعده ادا می کند و همین امر ملاحظت کلام او را دو چندان می سازد و مایه تفریح و تفرن والدین و نزدیکان می شود. در این زمان، مادر مانند مربی ورزشی به یاری او کمر می بندد، با او همبازی می شود ولی نتیجه این بازیها، پیشرفت وی در آموختن زبان است.

به عنوان مثال، مادر روبه روی فرزند می نشیند، او را هم می نشاند. دست وی را باز می کند و در دست خود نگاه می دارد و با انگشت سبابه دست دیگر، کف دست او را نوازش می کند و می گوید:

لی لی حوضك این افتاد تو حوضك

این درش آورد این كشتش

این پختش این كله گنده خوردش

با ادای جمله «این افتاد تو حوضك» انگشت كوچك یا خنصر بچه را به سمت کف دست او خم می کند، هنگامی که می گوید «این درش آورد» انگشت دومی بعد از كوچك یا بنصر او را همان ترتیب خم می کند، سپس انگشت وسطیش

را خم کرده می گوید «این کشتش» و با فشار دادن سبابهٔ بیچه می گوید «این پختش» و آن را نیز به کف دست او می خواباند، آنگاه شست کودک را می گیرد و پی در پی و آرام تکان می دهد و با لحن مخصوص و آهنگ بم می گوید «این کله گنده خوردش» و کودک غرق در خنده و شادی می شود، انگشتهای خود را می بیند، با مفاهیم افتادن در حوض و در آوردن و کشتن و پختن آشنا می گردد و لابد از همان کودکی در می یابد که «خوردن» نصیب و سهم «کله گنده ها» است!

چند بار که این بازی تکرار شد بیچه، بازی و حرف دیگری درخواست می کند و مادر برایش می خواند: موش موشك آسه (=آهسته) بیا، آسه برو که گربه ساخت نزنند، انگشت بلور به چشم زاغت نزنند.

کودك كه كم كم تعدادی از حیوانات و حشرات را شناخته است با شنیدن نام «موش» یاد این حیوان موزی و پر حرکت در ذهنش جان می گیرد و به وجد می آید و بار دوم و دفعات بعد با بیان حیاتبخش و زبان کودکانهٔ خود بر مادر سبقت می گیرد و جمله ها را تکرار می کند. هنگامی که «موش موشك» را خوب به خاطر سپرد نوبت به ترانهٔ دیگری - مثلاً - اتل متل می رسد:

اتل متل توتوله - گاب^(۱) حسن چه جوړه^(۲) - نه شیر داره نه پستون^(۳) - گابشو بیر هندستون يك زن کردی بستون - اسمشو بذار عمقزی^(۴) - دور کلاش^(۵) قرمزی.

کودکان بر خلاف آدمهای بزرگ در این ترانه ها دنبال نتیجهٔ اخلاقی و تحلیل و تعلیل مسائل نیستند. سن و سال آنان سن و سال این مقوله ها نیست. همین که ترانه حالتی شوخ و شنگ و سر به هوا داشته باشد از آن لذت می برند، مورد پسندشان قرار می گیرد و آنان را مجذوب می سازد:

یکی بود، یکی نبود، سر گنبد کبود، خاله موش نشسته بود.

خره خراطی می کرد، شتره نمد مالی می کرد.

فیل اومد در تموشا.^(۶) افتاد و دندونش^(۷) شکست.

۱- گاب = گاو

۲- چه جوړه = چه جور است

۳- پستون = پستان

۴- عمقزی = دختر عمو و دختر عمه

۵- کلاش = کلاهش (به ضم اول)

۶- اومد = آمد، تموشا = تماشا

۷- دندونش = دندان

گفت چه کنم چاره کنم، رومو^(۱) به دروازه کنم، صدای بزغاله کنم. گیدی
 گیدی نوم بع^(۲)، دمبه داری نه نه، پس چرا می گی^(۳) بع بع...
 در ضمن خواندن این ترانه ها که با رضایت خاطر و شادی کودک صورت
 می گیرد وی با طرز تلفظ و کاربرد کلمات و افعال و جمله سازی و نام دد و دام و
 امور مربوط به زندگی آشنا می شود و همچنین با میل و رغبت تعدادی کلمه تازه یاد
 می گیرد و به حافظه می سپارد و این کار به صورتهای مختلف انجام می گیرد و با
 ترانه های گوناگون با مضمونهای متفاوت رواج دارد.

خدا و پیامبر و امامان معصومان

این هم روایت دیگر:

دیدم بلبل می خونه،	رفتم لب رودخونه
بیا بریم تو خونه،	گفتم بلبل دیوونه
دودشو هوا کنم، بچه ت قنداق کنم،	قلیان برات چاق کنم،
سر قبر سکینه،	بابات رفته مدینه
دختر امام حسینه،	سکینه نور عینه
شبه کجا می خوابی،	ای مرغ سبز و آبی
صلوات بر محمد (ص)	زیر علم پیغمبر

در روایتی دیگر، مفاهیم مذهبی در ترانه پیامبر و امامان و معصومان را که
 درود خدا بر آنان باد - به او می شناساند:

اول خوانیم خدا را - رسول انبیا را، علی مرتضی را، صل علی محمد، صلوات
 بر محمد.

صلوات را خدا گفت، جبرئیل بارها گفت، درشان مصطفی گفت، صل علی
 محمد صلوات بر محمد. شاه نجف علی هست، سرور دین علی هست، شیر خدا
 علی هست صل علی محمد، صلوات بر محمد. یا رب به حق زهرا، شفیعۀ روز جزا،
 یعنی خیر النساء، صل علی محمد، صلوات بر محمد.

۱- رومو = رویم را

۲- نوم بع = تقلید صدای بزغاله

۳- میگی = می گویی

بعد از علی حسن بود، چو غنچه در چمن بود، نور دو چشم من بود، صل علی محمد، صلوات بر محمد. بوی حسین شنیدیم، چو گل شکفته دیدیم، به مدعا رسیدیم، صل علی محمد، صلوات بر محمد. زین العباد بیمار، سجاد هست و تبار، یعنی که شاه ابرار، صل علی محمد، صلوات بر محمد. باقر امام دین است، نور خدا یقین است، فرزند عابدین است، صل علی محمد، صلوات بر محمد. جعفر چو صبح صادق، هم نور و برق بارق، تاج سر خلائق، صل علی محمد، صلوات بر محمد. موسای با سعادت، با ذکر و با عبادت، سردار با جلالت، صل علی محمد، صلوات بر محمد، هشتم رضا امام است، از ضامنی تمام است، شاه غریب به نام است، صل علی محمد، صلوات بر محمد.

ما شیعة نقی ایم، خاک ره نقی ایم، محتاج عسکری ایم، صل علی محمد، صلوات بر محمد، مهدی به تاج نورش، با احمد رسولش، نزدیک شد ظهورش، صل علی محمد، صلوات بر محمد. یا الله یا محمد یا علی یا حسن یا حسین یا صاحب الزمان ادرکنی.

كودك و بازیهای کودکان

الفت و دلبستگی كودك به بازی امری مسلم و روشن است. در مقامی که بزرگسالان یعنی آنان که سن و سالی بر آنها گذشته است با انواع بازی و سرگرمی خویشتن را مشغول می سازند تا از تلخی و ترشروئی زندگی روزمره بکاهند، كودك به طریق اولی به بازی نیاز دارد و از آن لذت می برد.

در فرهنگ مردم ایران بدین نکته نیز عنایت شده است و بخشی از آموزش رفتار و پندار و گفتار و کردار كودك و مسائل گوناگون و مربوط به زندگی در این قالب ریخته شده است آن هم با تنوع فراوان.

در این بازیها هم مانند لالایها و ترانه ها هدف اصلی، آموزش و تربیت است اما در هیچ يك به سبك بزرگسالان نباید دنبال نتیجه گیری منطقی رفت. در این بازیها كودك با حوادث خنده آور و اتفاقات شیرین و مضحك سرو کار دارد. بازی هم همیشه با خوشی و شادی جمعی پایان می گیرد ولی به وسیله همین بازیها - که به ظاهر جز بازی و سرگرمی منظوری ندارد - باز كودك ساختن جمله را به آسانی یاد می گیرد و افراد و اشیاء و مفاهیم را می شناسد.^(۱)

۱- انجوی شیرازی، سید ابوالقاسم، گذری و نظری در فرهنگ مردم، از ص ۳۲-۴۸.

آری بازی کودکانه، خود عالمی دیگر دارد، در آن دوران چیزی که برای کودک خوشایند و شادی — بخش است خنده و جست و خیزهای متعدد و لبخندهای رضامندی است. در فین کودکان بازی چرخ قل دادن، کلاغ پر بازی، گرگم به هوا، گایم موشک بازی، اتل متل، ماشین بازی، تپله بازی، الک دولک بازی، هفت سنگ بازی، کام بازی (شامل طاق و جفت، شیر و خط بازی، چرچر بازی (سنگ بازی))، شیک بازی (کاغذهای آدامس شیک)، طناب بازی، تیرو کمان بازی، خانه سازی در ماسه و خاک رس، برف بازی و آدمک سازی، فوتبال دستی، لی لی بازی در دو نوع، ساده و فرنگی، کاغذ هوایی بازی (بادبادک بازی)، گردو بازی، گل یا پوچ بازی، فوتبال، بازی که همه گیر برای بچه ها بود و هر کسی توپی و دروازه ای مخصوص در محله خود داشت و باصطلاح امروزه تیم محله ای درست کرده بود مسابقاتی اجرا، که جایزه اش فقط برد و موفقیت در گل زدن بود.

آری این بازیها فقط به کودک نشاط و خوشحالی و در جاهایی دیگر همکاری با دوستان را می آموخت.

اثر متل در درست گفتن سخن

با آن که چهار سالگی کودک رو به پایان است و از ماهها پیش قادر به حرف زدن شده است باز هم بعضی کلمه ها را جویده جویده، سرودست شکسته و کج و کوله ادا می کند و بر ملاحت کلام کودکانه اش می افزاید که به راستی یکی از جلوه های دلبرانه و سخت جذاب اوست، غلط گفتنی که به هزار درست گفتن می ارزد و برتری دارد اما دوران این شیرین زبانی متأسفانه کوتاه است چه، طفلك در مرحله تقلید از بزرگترها است و می کوشد تا مانند آنان سخن بگوید. افرادی که از این نکته دقیق و بس مهم غافلند با او همچون او صحبت می کنند و در حقیقت وظیفه تعلیم و راهبری را از یاد می برند و درست و حسابی «بچه» می شوند اما والدین آگاه و مربیان فهیم چنین نمی کنند بلکه کلمات را — بی آنکه به او توجه دهند — درست و حسابی ادا می کنند و متلها و قصه های پیچیده تر می گویند تا کودک کلمه های صحیح را یاد گیرد و فضای ذهنی و حافظه او وسیعتر و پربارتر شود. متل کاشانی «كك به تنور» با انتریکهای مشغول کننده و ماجراهای مضحك نمونه ای از این دست قصه ها است.

روزی بود روزی نبود غیر از خدا هیچکس نبود. يك كك و موری بودند که

خیلی همدیگر را دوست می داشتند. از قضا يك روز كك افتاد توی تنور، مور هم از غصه خاکهای پاك تنور را بر سرش ریخت. كلاغی از آن جا رد می شد، دید مور خاك بر سرش می ریزد. گفت: مور خاك به سر، چرا خاك به سر؟ مور جواب داد: - مور خاك به سر كك به تنوره.

كلاغ هم رفت بالای درخت و از غصه تمام پرهایش ریخت. درخت گفت: كلاغ پرریزون، چرا پرریزون؟ كلاغ گفت: - كلاغ پرریزون. مورخاك به سر، كك به تنوره. درخت هم همه برگهایش ریخت. آب آمد برود، گفت: درخت برگ ریزون، چرا برگ ریزون؟ درخت گفت:

- درخت برگ ریزون، كلاغ پرریزون، مور خاك به سر، كك به تنوره. آب هم گل آلود شد و آمد تا رسید به گندمها. گندمها گفتند: آب گل آلود، چرا گل آلود، آب گفت: - آب گل آلود، درخت برگ ریزون، كلاغ پرریزون، مور خاك به سر، كك به تنوره.

تا آخر همچنان ادامه دارد به همین ریتم و آهنگ که گفته می شود از جانب همسایه که، خاك به سر همه تون كنم. شما به خاطر يك كك این طوری کردید؟ بالا رفتیم ماس بود، قصه ما راس بود، پایین اومدیم دوغ بود، قصه ما دروغ بود.

خواندن و گفتن این متلها به لهجه محلی البته به مراتب شنیدنی تر و شیرین تر است، به عنوان مثال همین متل كك به تنور هنگامی که از زبان يك مادر كاشانی شنیده شود با آن طنین گوشنو از موسیقائی و تکیه های خاص بر روی حرفها بسی جذابتر به گوش می رسد.

به طوری که در متل «كك به تنور» ملاحظه کردید تعدادی از جمله ها به دفعات تکرار می شود. در متل های دیگر نیز چنین است و این تدابیر هنرمندان نابغه و دانایان ناشناخته قرون گذشته در امر تربیت كودك و خلق این آثار گرانبها به همین نیت بوده است چه همان گونه که در همین اثر بارها یادآورد شده ایم كودك از تکرار و تقلید لذت می برد و آن چه را که می بیند یا می شنود میل دارد تقلید و تکرار کند و از این تکرارها نیز به هیچ روی کسل نمی شود.

سخن، اگر هم مکرر شود در این مورد مفید و باعث توجه و هوشیاری پدران

و مادران ایرانی است: تکرار این ترانه ها و متلها و چیستانها علاوه بر مشغول داشتن طفل، در شیوه بیان و سخن گفتن او اثر بسیار دارد و او را با جمله سازی و وقف و وصل عبارتها و اوزان روان و ساده اشعار و ترانه های زبان مادریش آشنا می سازد. و مهمتر آن که در سپردن آنها به گنجینه حافظه، عادت به نظم و ترتیب می کند. آن سان که بزرگسالان، از رعایت چنان توالی و ترتیبی عاجز می مانند. شاید تعجب کنید اگر گفته شود که همین حافظه خو گرفته به نظم و ترتیب، در دوران زندگی در غالب امور از جمله در ضبط و حفظ اشعار و آثار ادب رسمی و حساب و کتاب زندگانی، معین و مددکار او خواهد شد و به درد او خواهد خورد.^(۱)

۱- انجوی شیرازی، سید ابوالقاسم، گذری و نظری در فرهنگ مردم، از ص ۵۲ تا ۵۵.

فصل دوازدهم

- زندگی مادی فین کاشان
- ساختمان خانه ها
- اسباب خانه ها
- خوردنیها و آشامیدنیها
- کار و فعالیت در روستا
- اصطلاحات آب و آبیاری
- دامداری
- ورزشها
- خواب

زندگی مادی مردم فین

۱- ساختمان خانه ها

نمای خانه ها بصورت زیبایی از پوشش درختان انار زینت داده شده است. در داخل بعضی از خانه ها جویبارهای آب جاریست و دل آدمی در این خانه ها به صفای آرامش و آفرین بر این همه لطف و قداست طبیعت، نجوای یاد خدا می کند. آذین سرخانه ها، زینت هنرست، اتاقها بصورت سنتی و با طراوت با حیاط منزل همگونی دارند و حوضی که در وسط خانه ها دیده می شود این آراستگی را فوق تصویر می کند. سردابهایی خنک برای استراحت، و برای بافتن قالی، و آرام کردن کودکان، و بادگیر برای تهویه و کار برد خشت و آجر - گچ و آهک و آهک در بناها برای هر قسمتی - پوشش اتاقهای سنتی با چوب و تیر - و هم اکنون با تیر آهن و بتون - اندود بام از کاهگل - و در داخل اتاقها از رف های متعدد پوشیده شده است که به زیبایی اتاق کمک شایانی می کند. و در بعضی از خانه ها دالان تعبیه شده است.

و بطور کلی در فین خانه فقیرانه - خانه متوسط، خانه مرفه دیده می شود. و باید متذکر شد، که خانه ها در فین کاشان بصورتی بیلاقی است و بافت آن بصورت خیلی زیبا ساخته شده است.

۲- اسباب خانه ها

اسباب آشپزخانه و ظروف: دیگ - کماجدان - دیزی - سه پایه - آبکش - دست آس (آسیای دستی) - چمچه - کفگیر - تفرار - کوزه - خمره - بستو - کاسه های قدیمی - ظرف کشک زنی - قاشق های قدیمی .

اسباب روشنایی

پیه سوز - مردنگی - چراغ موشی - چراغهای گازی (اجاقهای گازی) - زیر انداز و اسباب بستر و رختخواب: نمد - زیلو - گلیم - قالی - تشک - پستی - متکا - لحاف - پتو - شمد - ملافه .

سایر وسایل خانگی مانند: آتشگردان - منقل - کرسی - بخاری - آینه - قلیان - ترازو - قبان - خورجین - رختدان - صندوق - قلك - سفره - عکسها و دعاهاى امامان معصوم و احادیث که به دیوارها می آویزند و وسایل دیگر شامل بیل و کلنگ و بیل چه .

۳- خوردنیها و آشامیدنیها

نان و انواع آن: (سنگک، لواش، تافتون، و نان خشکی که بوسیله هیزم تهیه می شود و خیلی خوشمزه است).

درباره نان پختن این آداب مرسوم بود که اگر همسایه ای برای آرد گرفتن به خانه مجاور می رفت و تقاضای مایه نان می کرد، او تقاضا را رد می کرد (قابل توجه است که این تقاضا اگر شب می شد رد می شد) و عقیده بر آن بود که شب مایه نان را نمی دادند و می گفتند خوب نیست.

تهیه خوراک، آشپزی و خوراک غالب اهالی: آشها - پلوا - خورشها - حلواها - برنج - گوشت - ماهی - لبنیات - عدسی - مرغ - قابل ذکر است که آبگوشتی بیشتر مصرف می شود. و لبنیات نیز در هر سفره ای دیده می شود.

در مورد غذای زمستانی باید گفت که، قورمه کردن گوشت - خشکاندن تره و سبزیجات و میوه جات (برای آشها و خورشها در زمستان) و میوه های خشکباری. غذاهای ایام مخصوص: غذاهای ماه رمضان (آش در افطار و غذاهای معمولی و ساده)

غذاهای ایام سوگواری محرم: (برنج قیمه - چلو کباب - گوشت لوبیا - پلو عدس و کشمش - برنج بادمجان - چلو مرغ) غذاهای عزا و پرسه و سوگ خانوادگی (حلوا، چلو قیمه، چلو کباب، چلو مرغ)، غذاهای مهمانی ها و عروسیها چلوکباب و چلو مرغ می باشد.

چاشنی هایی که مصرف می شود: ترشی - رب - سرکه - آبغوره - غوره غوره - آبلیمو - شیر در مورد سرکه می گویند که ترشی درست کردن و سرکه انداختن آمد نیامد دارد.

تنقلات: شیرینها - آجیل - مرباها (انواع مختلف) - قاووت.

آشامیدنی ها: چای - دوغ - شربت های متعدد - عرقیات (عرق بیدمشک - عرق نعناع - عرق کاسنی - عرق خارشتری (برای سنگ کلیه خوب است).

در مورد آداب ماست گرفتن از همسایه: اگر شب می رفتی ماست بگیری از همسایه، به شما نمی داد و اگر مریض داشتی يك زغال كوچك می انداخت در ماست و بعد تحویل شما می داد، برای اینکه چشم به گاوش نزنی و عقیده بر این بود که شب نیایی ماست بگیری و باید روز بیایی ماست بگیری.

و در مورد غذاهایی که با هم نمی سازند این نغمه بود که، عسل و خربزه با هم نمی سازند.

۴- کار و فعالیت در روستا

کار عجین شده است با مردمان این خطه، و کار مایه رشد و تقویت روحیه در آنهاست از کوچک تا بزرگ و فعالیتهای کشاورزی و دامپروری، باغداری، همراه یکدیگرند از جو و گندم، زیره، نخود، بادنجان، خیار، گوجه فرنگی، سبزی، انار، زردآلو، انگور، بادام، آلو، ألوجه گرفته، در این سرزمین کشت می شود. و آب چشمه سلیمانیه آنها را آبیاری می کند، آب چشمه ۱۱ سنگ است که واحد جوی آب را می گویند دو سنگ آب در داخل فین بوسیله مردان کشاورز به مصرف باغات و مزرعه ها می رسد و ۹ سنگ آن ۲ روز و ۲ شب (پنج شنبه و جمعه دشت دروازه فین) - ۵ روز و ۵ شب دشت فین بزرگ و حسن آباد تقسیم می شود و این کار توسط اهالی فین برنامه ریزی شده است. جوانان در فین به پدر و مادر خود در کارهای روزمره کمکهای شایانی می کنند و در زندگی همپایه آنان حرکت و احترام قابل وصفی بر آنها می گذارند.

در مورد بکار گیری برخی از اصطلاحات در کشاورزی باید گفت که:
لت، لته گاه، وار، وارگاه، خور، خورازگاه، روزقه، طاق، سرجه، سلخ آب، چشاب، پغاز کردن آب.

يك پیش آب: (يك سنگ آب است).

راقش: (محصول پیش رس).

ورگش: (دیررس).

آگشت، واکشت.

زمین و هر: (کاشته نشده).

نشته: (گوساله یکساله).

۵- اصطلاحات آب و آبیاری

سراب - بن آب - ته آب - حقاب - آبشوره - پس آب - آب زیپو.

ضرب المثل های مربوط به آب:

«آب که توی گودال ماند بوی گند می گیرد»

«آبی که لت خورد دیگر جمع نمی شود» که این مثل را در مورد کاری

می گویند که گذشته است و قابل جبران نیست.

معماها و چیستانهای مربوط به آب:

این معما که می گوید این چیه؟ که هر چی میره به دنبالش نگاه نمی کنه؟ که جواب آن آب است. یا این معما این چیه؟ که یکی می رفت یکی می ماند یکی سرش را می جنباند. که جواب آن آب وریگ جوی و علف کناری جوی آب است.

۶- دامداری

پرورش دام و احشام و چارپایان (بز - گوسفند - گاو - الاغ - قاطر - مادیون - پرورش گاو و گوسفند و بز برای مصرف لبنیاتی و گوشت آنها و صادرات آن به شهرهای دیگر.

۷- ورزشها

پیاده روی - دو - شنا - گوی بازی - کشتی - والیبال.
در ورزش بیشترین بازی، فوتبال است که از کوچک و بزرگ به آن علاقه دارند.

۸- خواب

ساعتهای خواب بعد از خوردن غذای ظهر يك ساعتی استراحت و موقع خواب شب ساعت ۱۰ شب و صبح رسم سحرخیزی را در خانواده بخوبی رعایت می کنند و همیشه شاد و سرحال بر سر کار حاضر می شوند.

فصل سیزدهم

- زندگی معنوی
- نژاد و زبان
- خصائص نژادی
- هواشناسی
- طب و طبابت
- اخلاق عامیانه
- کنایه ها
- ضرب المثل ها

زندگی معنوی

نژاد و زبان

نژاد مردم کاشان از ریشه نژاد اصیل آریایی است و اختلاط آن با نژادهای اقوام مهاجر تازی و ترك بسیار ناچیز بوده. یکی از دلائل اصالت و پاکی نژاد آنان حفظ زبان فارسی قدیم یا باصطلاح محلی تاتی و رایجی است که اهالی اکثر دهستانها به آن آشنا هستند، متنها در لهجه اندکی فرق دارد.

خصائص نژادی

از جمله اوصافی که مردم کاشان به آنها شهره گشته اند: خوش صورتی، آواز و صوت خوش هوش و زیرکی، ذوق ادبی و استعداد هنری می باشد که در مورد فین هم صادق است.

از جمله دیگر اوصاف عاقبت اندیشی - میانه روی - حفظ نیک نامی و آبرو پرستی - و از هر گونه افراط و تفریط احتراز می نمایند.^(۱)

لغات: ان شاء الله، به سلامتی.

لغات نحس: «سیزده»

لغات محافظت کننده: نام خدای عز و جل و دعاهاى آیه الکرسی را می خوانند.

تعارفات: تندرستی، قدم بر سرو چشم، خدا قوت.

دعاها: خدا رزقت بده - خدا عاقبت بخیرت کند - ای جوان، پیربشی.

نفرینها: الهی خیر نبینی - الهی جوان مرگ بشوی - خدا مرگت بده.

هواشناسی

پیش بینی هوا، سرد یا گرم و خشک یا بارانی بودن هوا، علائم آمدن برف و باران و تگرگ، آفتابی شدن هوا، پیشگویی سالهای خوب و بد. آسمان غره و رعد و برق، رنگین کمان یا قوس قزح.

در مورد آفتابی که بر روی زمین می تابد و در آن حال باران هم باریدن

۱- نراقی، حسن، تاریخ اجتماعی کاشان، ص ۷.

می کند، می گویند «شیر می گرید» یا «شیر می زاد».

در مورد آسمان غره و رعد و برق می گویند که «اسبی بر روی ابرها می دود که روی آن دو بشکه آب حمل می شود برای این است که صدای آسمان غره را می شنویم».

در موردی که هوا تار و تار یک شود در روز، عقیده بر آنست که گناهان زیاد شده است و باید حتماً نماز آیات خواند این موضوع در رابطه خورشید گرفتگی و ماه گرفتگی و زلزله صادق است.

طب و طبابت

طبقه بندی مزاجها (گرم و سرد و تر و خشک و سودائی و صفرائی و بلغمی) بادهایی که در بدن می ریزد (باد نزله، باد مفاصل و ...)، عطسه، خمیازه، سسکه، بیماریها (نوبه، تب، و نوبه سه يك، مخمك، كفگیرك، بادو ثقل، غمباد، زردی، یرقان، خناق، ...) علامات بروز هر ناخوشی و درمان هر يك، حکیمبashi های زن و مرد، تشخیص مرض، داروها و جوشانده هایی که به کار می برند: (پرسیاوش، عناب، سپستان، فلوس، شیرخشت، خاکشیر، زنیان، آویشن، پرزوف، سنبل الطیب، گل گاو زبان)، (شاخ حجامت و خون گرفتن) شکسته بند دلاک دوره گرد (کشیدن دندان) ناخوشیها و زخمهای واگیردار: تراخم، کوفت، خوره، سیاه زخم، ناخوشیهای باطنی و درونی (جوع، استسقا، غمباد، دق) ناخوشیهای ظاهری و جلدی (سالک، زگیل، زرد زخم)^(۱).

خوش یمن بودن یا بد یمن بودن جانوران خاصیت درمانی فائند و آنها را برای درمان پاره ای امراض مفید می دانند. نگهداری برخی از جانوران در خانه شگون دارد «مثل کبوتر» و برخی بدیمن است. تفال و تطیر از حرکت یا آواز جانوران: اگر کلاغ در پشت بام خانه ای قارقار کند مسافری از راه می رسد، اگر جغد در خانه ای شیون کند آن خانه ویران شده و ساکنانش در بدر می شوند.

اوزان و مقادیر

مقیاسهای محلی و قدیمی، مقیاس طول: وجب، چارك، گز، ذرع، فرسخ،

۱- انجوی شیرازی، سید ابوالقاسم، گذری و نظری در فرهنگ مردم، ص ۱۲۲.

مقیاس سطح: جریب (فین)، دانگ، قصب (۲۵ متر مربع)، آبخوران (که در شیراز بیشتر برای اندازه گیری باغها به کار می رود و يك آبخوران یا آبخوران برابر شصت مترمربع است).

وزن ها: کیله، پیمانه، نخود، مثقال، نمه (ربع و قه شیراز)، وقه (نصف چارك در شیراز)، سی سنگ (پنج سیر در کرمان)، ... پنجاه (يك چارك در اصفهان) ^(۱) يك من در فین که ۶ کیلو می شود.

اخلاق عامیانه

از عدالت اجتماعی وصف خوبی دارند و آرزویشان این است که عدالت در تمام جهان گسترش یابد، در وطن دوستی (حق آب و گل) بشر دوستی، خدا کوهی را به موئی می بخشد، هر که دهن می دهد روزی هم می دهد، دروغگو کله کلاهش سوراخ دارد، مرده دستش از دنیا کوتاه است، آدم پولدار سر سبیل شاه نقاره می زند. احترام به خویشاوندان، (کلید بهشت زیر پای مادر است) حق پدر و مادر، حق دایه، عاق والدین، حق سلام و علیک (که کوچکترین ها این را بخوبی نسبت به بزرگترها رعایت می کنند)، حق همسایگی، حق نان و نمک، بزرگتری گفتند، کوچکتری گفتند. و آداب و تشریفات در برابر مهمانان، (که با احترام و تکریم همراه است).

کنایه ها

«حرفهای صد تا يك قاز» کنایه از سخنان بی ارزش و بی اعتبار، یا «کج بودن پالان» کنایه از انحراف اخلاقی و عقیدتی است. «فلانی پالانش کج است» یعنی از نظر اخلاقی و عقیدتی منحرف است. «بالش نرم گذاشتن» کنایه از فریب دادن. «بالش نرم زیر سرش گذاشته اند» یعنی او را فریب داده اند. «بی ساز و نقاره رقصیدن» کنایه از مستعد بودن شخص برای هر کاری است. «فلانی بی ساز و نقاره می رقصه» یا «نزده می رقصه» یعنی آماده انجام هر کاری است.

۱- انجوی شیرازی، سیدابوالقاسم، گذری و نظری در فرهنگ مردم، ص ۱۲۴.

اشاره‌ها

عهد دقیانوس، اشاره به دوری زمان، این حرفها مال عهد دقیانوس است.

تشبیه‌ها

مثل قرص ماه خوشگل است، مثل خرس گنده است، مثل کنه می چسبد،
مثل ازرق شامی به آدم نگاه می کند.

ضرب المثل‌ها

- ۱- آفتابه خرج لحیم کردن: تعمیری که خرج آن مساوی یا بیش از بهای شیء مورد تعمیر است.
- ۲- اگر فضول نباشد شاه چه می داند خم دره کجا است.
- ۳- اگر علی ساریبانست می داند شتر را کجا بخواباند: شخص مطلع و کاردان و کارآزموده خود چاره کار را می داند.
- ۴- اگر کاردش بزنی خونس هم در نمی آید: از شدت خشم و کینه به هیچ چیز توجه ندارد. در منتهای خشم و غضب است. همانند: کاردش بزنی خونس در می آید.
- ۵- اگر کاسه آب در دست داری بگذار و بیا: همانند و به معنی: اگر ابریشمت در آتش است بگذار و بیا.
- ۶- اگر گاه از تو نیست کاهدان که از تست: به اشخاص پرخور که به خوراکی مفت رسند و زیاده از حد خورند بر سبیل طعن و طنز گویند.
- ۷- انگشت به شیر زدن
- ۸- خردیزه خودش را توی چاه می اندازد که ضرر به صاحبش بزند.
- ۹- خشوای قمصری
- ۱۰- دبه در آوردن
- ۱۱- زمستان می رود اما رو سیاهی به ذغال می ماند.
- ۱۲- کاشون ما شلوغ و پلوغ است.
- ۱۳- مثل عقرب نف انداخته.
- ۱۴- گر صبر کنی زغوره حلوا سازم.
- ۱۵- مرغ را برای تخم کردنش می خواهند نه برای غرغر کردنش.

- ۱۶- چاشته خوره بدتر از میراث خوره است.
- ۱۷- آب آمد و تیمم باطل شد- چو آب آمد تیمم نیست در کار- تیمم باطل است آنجا که آب است.
- ۱۸- این گوی و این میدان.
- ۱۹- ای والله: آفرین، بارک الله.
- ۲۰- این يك دهن را بد خواندی: این گفته یا خواست و یا توقعت بیجا بود.
- ۲۱- با آل علی هر که در افتاد بر افتاد: در افتادن و از در خصومت در آمدن با اهل دل جز نابودی و زیان نتیجه دیگری ندارد. همانند: با دردکشان هر که در افتاد بر افتاد (عوام بجای برافتاد و افتاد گویند).
- ۲۲- با بدان بد باش با نیکان نکو- جای گل گل باش، جای خار خار.
- ۲۳- باب شدن: معمول شدن.
- ۲۴- با پنبه سر بریدن: با نرمی و ملایمت کسی را رام کردن یا مورد استفاده قرار دادن یا به کسی زیان وارد آوردن مثال: از بس زرنگ و مدیر است آنچنان با پنبه سر آدمیرا می برد که نه خون داشته باشد نه درد.
- ۲۵- باج به شغال نمی دهد: به زور چیزی به کسی نمی دهد.
- ۲۶- باج سبیل خواستن یا گرفتن.
- ۲۷- باد در کلاه انداختن، مغرور و متکبر شدن.
- ۲۸- بار کردن: پختن گوشت یا هر غذای دیگر. مثال: گوشت را بار کرد.
- غذایش را در کما جدان یا در قابلمه بار کرد.
- ۲۹- بار کسی بار نشدن: کفایت نکردن، کافی نبودن.
- ۳۰- بار گردن کسی شدن: امری را جبراً پذیرفتن.
- ۳۱- بکله کسی زدن: دیوانه شدن یا مقدمات دیوانگی در کسی پدید آمدن مثال: مگر به کله ات زده است که می خواهی خانه خود را بفروشی، این روزها به کله اش زده است، کارهای عجیب و غریبی می کند.
- ۳۲- به کوچه علی چپ زدن: در موقع گفتگو تجاهل کردن و خود را از موضوعی به موضوع دیگر انداختن «و از شاخی به شاخی پریدن»، مثال: از فلان موضوع از او پرسیدم ولی خود را به کوچه علی چپ زد و ابداً بروی بزرگواری خود نیاورد.
- ۳۳- بگرد تا بگردیم: در جواب کسی گویند که تهدید کند چنین و چنان

خواهم کرد. مثال: مطمئن باش انتقامی از تو خواهم گرفت که «آنسرش پیدا نباشد»
مخاطب: بیا به میدان و «بگرد تا بگردیم».

۳۴- بگو مگو کردن: جرو بحث کشیدن. مثال: این دو نفر همیشه کارشان
بگو مگو کردن است^(۱).

لغت و اصطلاحات: خسرو: بفتح خ و سکون سین (مادر زن و مادر شوهر).
با خسوره (بابای شوهر) - دائیزه: (خاله) - یاده: (جاری، زن برادر شوهر) زی یسمان:
(زن تازه زا) - نسا و نسا کده: (سمت جنوب) بسو و هند: (کوزه بزرگ دهن گشاد) -
رشنیق (غیر سید) - زهراب و پیشاب: (ادرار) چلسمه: (آجیل) - چنقلوسه: (قلقلک
دادن) برمه: (دیگ سنگی) - پالش (آبکش) - رجه: (یارزه: بند و ریسمانی که لباس
به آن می آویزند) - شیر در غرابه: (آبی آسمانی) - ناسازی: (بیماری) پنگانیدن،
شکم نالید (فرزندار شد) - آله کردن: (دو پاره کردن) - آله صورت و بغ: (یک طرف
صورت) - آغوز: (شیر اول گاو تازه زا) - هند و تموم کردن: (نقشه کاری را کشیدن) -
آونگون: (آویزان کردن) - گیجگاه: (شقیقه) - شید کردن: (گستردن) - هوای گرگ و
میش: (تاریک و روشن) - قمپوز در کردن: (لازف زدن) - پسین: (بعد از ظهر) -
گزمه: (میرشب) - پر انداز (شمه) - ورننداز کردن و اسيفا کردن: (با دقت
اندیشیدن) - طاس: (لگن حمام)^(۲).

۱- امینی، امیر قلی، فرهنگ عوام، جلد اول آ- ز.

۲- نراقی، حسن، تاریخ اجتماعی کاشان، ص ۳۴۰-۳۴۱.

فصل چهاردهم

زندگی اسرار آمیز
- ارواح نیکوکار و زیانکار
- فالگیر زن و مرد
تفال خانوادگی برای گشایش کار و درمان بیماریها
جشنهای کهن و باستانی
- چهارشنبه سوری
- نوروز
- سیزده بدر

زندگی اسرار آمیز

الف - ارواح نیکوکار و زیانکار

ما را صاحبخانه، پرستو، خروس سفید و مرغی که کارد را به روی آنها حرام می کنند، گربه سیاه، احضار ارواح، تعویذ و دعاها، حمامهای جنی، دره ها و تپه های جنی، خانه های جن زده (سایه و سایه زدگی، شب نباید در آینه نگاه کرد). قابل تذکر است که این اعتقادات در گذشته بصورت قوی در بین مردم رواج داشته است و اینک این اوهام وجود ندارد و اگر باشد خیلی کم است.

فالگیر زن و مرد

انواع فالهایی که می گیرند، فال نخود، پیشگویی با مهره، سرب یا زاج آب کرده، کف بین، پیشگویی کف دست، منجمین، پیشگویی از روی ستارگان، رمال، رمالی.

فالهایی که خود مردم می گیرند: فال حافظ، فال مهره به دوره. باید گفت که اینک فال نخود و فال حافظ، تعبیر خوابها در بعضی جاها دیده می شود.

۱- تفال خانوادگی برای گشایش کار و درمان بیماریها

الف - از شکل اشیاء

مثل جستن آب در گلو، شکلی که بر اثر ریختن آب و نمک بر روی تابه گذاخته درست می شود و می گویند بچه از این حیوان یا شیء ترسیده است و آداب آن، به قدم و خوشقدم بودن افراد، سبک یا سنگین بودن قدم (وقتی می خواهند پارچه بدوزند یا اینکه کاری را شروع کنند به بچه می گویند تو راه برو که قدمت سبک است، کوزه نو را به دست کسی آب می اندازند که دستش سنگین باشد تا کوزه زود نشکند)، عطسه و خمیازه، سق سیاه، نفوس خیر و شر، استخاره، آمد نیامد، برای آمدن مسافر یا آمدن کسی که منتظر او هستند، (دعا می خوانند و آتش پشت پا می پزند).

چشم شور و چشم زخم و چشم زدن و مداوای کسی که او را چشم زده اند

مثل تخم شکستن، اسفند دود کردن.

نذرها و نیازها برای گشایش کار و درمان بیماریها، بخت گشایی برای دختر، نذر کردن برای پسر مثل عقیقه و حیدری کردن.

آشهای نذری که به نیت برآمدن حاجت ها شان می پزند مثل: آش رشته، آش جو، حلوا، آجیل مشگل گشا، گرفتن ختم، مثل ختم امیرالمؤمنین (ع)، ختم صلوات و ختم انعام و مانند آنها. انداختن سفره ها مثل سفره سبزی (در کرمان)، سفره پیروهمرو (به وسیله زرتشتیان یزد) سفره بی بی سه شنبه، سفره بی بی حور و بی بی نور، (سفره فاطمه زهرا (ع)، سفره حضرت رقیه (ع)، سفره حضرت ابوالفضل (ع)، در فین کاشان.

قابل ذکر است که در فین کاشان این سفره ها همراه با روضه خوانی و دعا است.

ب- دعاها و آدابی که برای آمد کار یا شگون انجام می گیرد

آداب مسافرت مثل رد کردن مسافر از زیر قرآن، پاشیدن آب پشت سر مسافر، دعا خواندن و رد کردن از حلقه یاسین، اقرائی (راهی)، پختن آش پشت پا، شروع به کار جدید و خرید، پی ریزی ساختمان خانه، قربانی (قربانی درخت خرما در کرمان) مراسم رخت نو بردن، ناخن گرفتن، ماه دیدن، دندان افتاده و موی سر. باید گفت که در فین، مسافر از زیر قرآن رد کردن، پاشیدن آب پشت سر مسافر، دعا خواندن، قربانی و غیره وجود دارد.

ج- دعاهایی که برای دفع شر می خوانند

آیه الکرسی، دعای قرآن، سوره یاسین خواندن.

۲- جشنهای کهن و باستانی

الف- چهارشنبه سوری

از جشنهایی که تقریباً در غالب نقاط ایران عمومیت دارد جشن شب چهارشنبه سوری و به تعبیر درست تر جشن آخرین سه شنبه سال است. اما اینکه چرا به آن چهارشنبه سوری می گویند نه سه شنبه سوری به روز رسمی از نیمه شب

آغاز و نیمه شب بعد پایان می یابد و نام روزهای هفته و تاریخ نیز نیمه شب تعویض می شود. اما عرف و عادت در ایران آن است که معمولاً هر روز بعد از غروب آفتاب را جزء روز بعد می شمارند، مخصوصاً در مورد برگزاری مراسم ادواری یا جشنها معمولاً این عادت قویتر است.

چهارشنبه سوری نیز از جمله جشنهایی است که قسمت اعظم آن غروب روز سه شنبه آغاز و پایان می گیرد. در مورد چهارشنبه سوری باید گفت که جشنی به این اسم، بدون شك مربوط به دوره بعد از اسلام است چه ایرانیان درگاه شماری خود شنبه و آدینه نداشته اند. و هر يك از سی روز هر ماه نام خاص خود را داشته و به نام یکی از ایزدان و امشا سپندان خوانده می شد. البته وجود گره هایی از سنن و عادات ایرانیان پیش از اسلام در این جشن، بمانند آتش افروزی را نمی توان نادیده انگاشت. گرچه بعضی از روایتهای شفاهی افروختن آتش را در شب چهارشنبه سوری (در بعضی مناطق در شب آخرین چهارشنبه ماه صفر) به مختار ثقفی نسبت می دهند. در اسناد این پرونده به مطالب زیر بر می خوریم:

در بعضی از نقاط از جمله آذربایجان علاوه بر چهارشنبه آخر سال یا چهارشنبه سوری، سه چهارشنبه جلوتر از آن هم هر يك اسامی مخصوص به خود دارند و مراسمی هم در این سه چهارشنبه انجام می گیرد. مردم برای تدارك وسایل و خوراکیهای چهارشنبه سوری به بازار می روند و چیزهایی می خرند. که بعضی از آنها به نیت خاصی خریداری می شود. مراسم آتش افروزی در شب چهارشنبه سوری و اینك آتش را در كجا روشن می کنند.

(روی پشت بام یا در کوچه و خیابان یا در حیاط خانه؟) تعداد کپه های آتش که روشن می کنند. چیزهایی که برای آتش افروزی از آنها استفاده می کنند (از خار و بوته یا از چوب و هیزم یا مواد سوختنی دیگر) وسایل آتشبازی مانند ترقه، هفت ترقه، هفت رنگ، نارنجك، موشك. کسانی که این وسایل را می سازند. بعضی ها به نشانه شادی در شب چهارشنبه سوری تفنگ در می کنند. بعد از سوختن بوته یا هیزم چه می کنند؟ بعضی جاها مرسوم است که یکی از افراد خانواده با آداب خاصی خاکستر آتش چهارشنبه سوری را جمع می کند و می برد و در آب روان می ریزد و بر می گردد.

آداب کوزه شکستن. معمولاً به نیت دور ریختن و از بین بردن پلیدی ها، کوزه می شکنند. و پیش از شکستن آن، چیزهایی هم توی کوزه می ریزند. فالهایی که در

شب و روز چهارشنبه می گیرند. (مانند فال مهره به دوره فالگوش ایستادن و فالهای دیگر) جزئیات و آداب و ترتیب هر فال. قصه هایی که راجع به درست بودن این فالها تعریف می کنند.

غذاهایی که برای شام چهارشنبه سوری می پزند و می خورند. موادی که آجیل چهارشنبه سوری از آنها درست شده. قاشق زنی و شال انداختن، مراسم صبح روز چهارشنبه (پريدن از روی نهر آب، قیچی کردن آب، چیدن ناخن و ریختن آن در گنداب، آوردن آب چهارشنبه از چشمه و نظایر آن که در آذربایجان معمول و مرسوم است.)

باید گفت که در فین کاشان در قدیم بعضی از این آداب و رسوم که در بالا ذکر شد متداول بوده و پريدن از روی آتش و گفتن جملاتی چند، و آجیل دادن به افراد را در خود داشته و اینک این رسم از جایگاهی برخوردار نیست و بصورتهای پراکنده بین کودکان رواج دارد.

ب- نوروز

پیشواز کردن از نوروز و آمدن پیک های نوروزی مانند حاجی فیروز و نوروزی خوانها که با خواندن اشعار در تعریف از نوروز، آمدن این عید را مژده می دهند، در بعضی از شهرهای مازندران و سنگسر، سایاچی ها و تکمچی ها در بعضی از شهرها و آبادیهای آذربایجان، نوروز نثار در قزوین تدارکاتی که برای نوروز دیده می شود، از قبیل پختن یا خریدن شیرینی و مواد غذایی، حمام رفتن، خانه تکانی، نظافت عمومی، سبزه سبز کردن، سفید کردن ظروف مسی و مانند آن. عمو نوروز و قصه آن. شعرها و شوخیهایی که بچه ها برای خواستن لباس عید دارند مثل این که شهر می گویند «عید برای گل منا ر خوبست» غذا و خوراکیهای شب عید و ایام عید. طرز انداختن سفره هفت سین و چیزهایی که توی سفره می گذارند. دعاهایی که در موقع تحویل سال می خوانند. دست دادن و روبوسی سر سفره هنگام سال تحویل، مایه کیسه دان بزرگ خانواده به بچه ها و کوچکترها. عقاید و معتقداتی که درباره تحویل سال دارند مثل اینکه می گویند زمین روی شاخ گاو می گردد و عقیده به اینکه اولین نفری که وارد خانه می شود باید قدم او خوب باشد و کارهایی که در این مورد انجام می دهند (در بعضی) از شهرها و آبادیهای مازندران چند روز قبل، از یک نفر که به خوشقدم بودن معروف است دعوت می کنند که روز عید بعد از تحویل

سال به خانه آنها بیاید و در عوض مقداری شیرینی یا مبلغی به او می دهند. طرز دید و بازدید ایام عید و اینکه این دید و باز دیدها تا چه روزی ادامه دارد و تعطیلات عید چند روز است. آداب و تربیت عید دیدنی از ملای محل و ریش سفید و بزرگترهای خانواده و خانواده های عزادار و زیارت امامزاده ها در روز عید. عیدی دادن و چیزهایی که به عنوان عیدی می دهند، عیدی فرستادن از طرف خانواده هایی که تازه عروس یا تازه داماد دارند. رفتار مردم در ایام عید نسبت به یکدیگر مثلاً اگر در طول سال از یکدیگر دلتنگی دارند ترتیب آشتی کنان آنها در ایام عید چگونه است؟ پیشگویی خوب و بد بودن سال، سرگرمیها و بازیهای بچه ها و بزرگترها در ایام عید از قبیل شرط بندی، تخم مرغ بازی، معرکه گیری و ورزش.

قابل توجه است که بعضی از آداب در فین کاشان رعایت شده و با فرا رسیدن نوروز، همراه با بهار طبیعت، مردم آن دیار بهار قلبها را با دید و بازدیدها جشن می گیرند و در کنار چشمه سلیمانیه به تفریح و یاد خدا می پردازند و از بوهای بهاری که از باغهای مجاور به مشام می رسد، اذین خوبها را بر آن دیار استوارتر می کنند و مردم همه شاد و خرسند هستند.

ج - سیزده بدر

نحس دانستن روز سیزده، طرز رفتن به سیزده بدر و برگشتن، اسم جاهایی که برای در کردن سیزده می روند وسایلی که برای رفتن به این محلها از آنها استفاده می کنند، سرگرمیها و بازیهای روز سیزده بدر، غذاها و خوراکیهای روز سیزده بدر. در بعضی جاها روز سیزده بدر به امامزاده می روند و کشتی گیرها، کشتی می گیرند و بساط معرکه گیرها هم روبراه است. سبزه گره زدن، سبزه عید را روز سیزده بدر توی آب روان می اندازند. بعضی جاها (مثل بعضی از شهرهای لرستان) به جای روز سیزده، روز چهاردهم فروردین از خانه ها بیرون می روند و آنرا چهارده بدر می گویند.^(۱)

در فین کاشان که سیزده بدر خیلی مشهود است و جمعیتی از افراد از جمله از کاشان و تهران و شهرستانهای ایران، در این روز در باغ فین تجمع کرده و در کنار چشمه به شادی می پردازند و همراه آن از آثار باستانی فین هم بازدید کرده و سیر در

۱- انجوی شیرازی، سیدابوالقاسم، گذری و نظری در فرهنگ مردم، از ص ۲۳۶ تا ۲۳۹.

طبیعت باصفای آن دیار می کنند از آش خوردن و آجیل خوردن در آن روز، به صورتهای پراکنده دیده می شود و به امامزاده شاهزاده ابراهیم رفتن از خصوصیات آن روز می توان نام برد.

در دشتهای فین کاشان مردم بصورتهای خانوادگی جمع شده و به گفتن قصه ها و داستانها و ماجراهای زندگی، بحثهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، مشغول و بچه ها در گوشه و کناری به بازیهای مرسوم ادامه می دهند و تا غروب به همین روند، می گذرد بعد، این گروهها، شب آخر تعطیلی را به میهمانی و شب گذرانی در خانه های اقوام بسر می برند و روز چهاردهم فروردین، همگی با دلی شاد، در محل کارهای خود حاضر، و با کوششی وصف ناپذیر اقتصاد کشور را به گردش در می آورند.

فصل پانزدهم

جشنهای دینی و مذهبی

- عید قربان

- عید غدیر

- نیمه شعبان تولد حضرت قائم (ع)

جشنهای دینی و مذهبی

اعیاد بزرگ و مشهوری مثل عید مولود حضرت رسول (ص)، عید قربان (شتر قربانی در کاشان، بزرگ کردن شتر یا گوسفند قربانی، طرز تقسیم گوشت قربانی، آدابی که دارند) عید فطر، عید مبعث، عید مولود حضرت امیر (ع)، عید بزرگ نیمه شعبان، شب برات، عید غدیر (روز عید غدیر به دیدن سادات می روند) و اعیادی که به مناسبت تولد هر يك از ائمه می گیرند، جشن و پذیرایی و مهمانی و مراسمی که برای آمدن حاجی از حج و برگشتن از زیارتهاست، غذاهایی که می پزند و خوراکیهایی که صرف می شود، اشعاری که در اینگونه جشنها خوانده می شود. کسانی که این اشعار را می خوانند.

۱- عید قربان

مراسم شب و روز دهم ذیحجه که مصادف با عید قربان است، حیوانی که قربانی می کنند: قوچ، بز، گاو نر یا شتر (شتر قربانی در کاشان)، طرز آرایش قربانی (به گردن قربانی شال و پارچه های رنگی می بندند و روی پیشانی آینه ای قرار می دهند، سرمه کشیدن به چشم قربانی و مانند آن)، طرز تقسیم گوشت قربانی، قربانی شریکی، کسانی که قربانی کردن برای آنها واجب است. (حاجیها و افرادی که استطاعت مالی دارند).

دید و بازدید مهمانها، فالهایی که می گیرند، عقایدی که راجع به خون و استخوان گوسفند قربانی دارند. بعضی معتقدند در شب و روز عید قربان لحظه ای هست که در آن لحظه هر کس هر آرزویی بکند برآورده می شود. قابل توضیح است که مراسم قربانی در فین کاشان برگزار می شود و از شور و هیجان قابل وصفی برخوردار است و جایگاه معنوی مخصوصی را به خود اختصاص داده است از گوشت قربانی به افرادی که محروم از نظر مالی هستند، داده می شود.

۲- عید غدیر

روز عید غدیر مردم به دیدن سادات می روند و سادات با نقل و شیرینی از مهمانان پذیرایی می کنند، روز عید غدیر لباس نمی دوزند چون معتقدند انگشتان عقربك در می آورد، زیارت امامزاده ها، نذرهای مخصوص روز عید غدیر، روز عید

غدیر خانه را جارو نمی کنند چون معتقدند با جارو کردن در این روز آن خانه تا سال بعد پر از مورچه می شود و عقاید و مراسم دیگر مربوط به این عید مذهبی، مردم فین در این روز وقتی به دیدن سادات می روند بعضی از سادات به آنها هدیه هایی از جهت تبرک می دهند و آنها این اهدا را نزد خود سالها نگهداری می کنند (این هدیه پول می باشد).

۳- نیمه شعبان تولد حضرت قائم (ع)

ماه شعبان، مراسم شب برات یا نیمه شعبان تولد حضرت قائم (ع)، چراغانی و نذرهایی که می کنند مانند: پختن سمنو، بیشتر عروسیها را به شب نیمه شعبان می اندازند چون شب فرخنده ای است، روشن کردن شمع و پختن غذای مخصوص، روزهایی از ماه شعبان که روزه گرفتن را مستحب می دانند.

- نیمه شعبان همه کوچه و بازار و مراکز دیدنی و مساجد و امامزاده ها از چراغانی خیلی خیره کننده آذین شده و مردم همه شاد و مراکز به شیرینی دادن و مدیحه سرایی مشغولند.

فصل شانزدهم

مراسم مذهبی

- ماه محرم

- ماه صفر

- ماه رمضان

مراسم مذهبی

مراسم مذهبی خاص که در روزها یا ماههای معینی از سال برگزار می شود.

الف - ماه محرم

سوگواری دهه محرم - دسته های سینه زن و زنجیر زن، علامت و علم و کتل و بیرق، نخل، حجله قاسم.

ترتیب راه افتادن و حرکت کردن دسته ها، نوحه خوان، بستن دکانها و تعطیل عمومی. تکیه ها و حسینه ها، نام و تاریخچه حسینه ها و تکیه های معروف محل، روضه خوانی و روضه خوان مرثیه ها، مراسم روز تاسوعا و عاشورا، شام غریبان. - عزاداری در فین کاشان بصورت خیلی منظم، با سر دادن ندهای الهی و اطعام دادن به عزاداران همراه است.

ب - ماه صفر

مراسم عزادارای روز بیستم ماه صفر، عزاداری روز بیست و هشتم ماه صفر (رحلت رسول اکرم (ص) و شهادت حضرت امام حسن (ع). مراسم سال وفات حضرت فاطمه زهرا (ع). (ایام فاطمیه) در ماه جمادی الاول.

ج - ماه رمضان

کلیه آداب و رسوم محلی و شرعی و عرفی ماه مبارك رمضان، تدارکاتی که برای ماه رمضان دیده می شود از قبیل تهیه نان و مواد غذایی، حمام رفتن، خانه تکانی و نظافت عمومی، پیشواز رفتن ماه رمضان، کلوخ اندازان: (در اکثر شهرها یکی دو روز مانده به ماه رمضان برای خوشگذرانی و تفریح مراسمی بر پا می کنند) و مراسمی شبیه آن هر چه هست، مراسم رویت هلال ماه و چگونگی مطلع کردن عموم مردم از دیدن ماه نو، بیدار شدن در سحر و تعیین وقت سحر و وسایلی که به کار می رود (ساعت زنگی، توپ سحر، از روی ستاره ها، با صدای مناجات، با صدای خروس، بوق حمام، جار کشیدن در کوچه ها، دیوار زدن، خبر شدن همسایه به وسیله همسایه دیگر...) مناجاتهایی که در سحر خوانده می شود، روزهای ماه رمضان چه می کنند؟ سرگرمیهای روزهای بلند تابستان و کوتاه زمستان، تغییراتی که در وضع کسب و کار مردم و کسبه پیدا می شود. مثل کار حمامی ها، بقالی ها،

نانوا، قنادها و ... بچه های نابالغ چطور روزه می گیرند؟ وعده هایی که پدران و مادران به بچه ها می دهند. مثل «اگر روزه گنجشکی یا روزه نصف روزه بگیری آخر سر ملائکه هر دو تا را به هم می چسبانند».

غذاهایی که اکثریت مردم برای سحری می پزند، طرز پختن و خوردن آنها، به چه وسیله تمام شدن وقت سحر را تشخیص می دهند و تمام شدن وقت سحری و خوردن را چطور به اطلاع مردم می رسانند؟ چگونگی نیت کردن، چیزهایی که در افطار صرف می شود، آدابی که برای خوردن افطاری دارند (مثلاً اول خرما یا قند داغ می خورند)، چگونگی تشکیل مجالس واعظ و سخنرانی و روضه خوانی، ترتیب دعوت از واعظان، مقدار پول یا اجناسی که واعظ می گیرد و کسانی که این پول یا جنس را می دهند.

شبهای رمضان را چگونه می گذارند (خواندن نماز و دعا - شب نشینی - رفتن به خانه همسایگان و دوستان، رفتن مردان به قهوه خانه ها، بازیهای که می کنند («گل بازی» و «ترنابازی»)

روزها و شبهای خاص ماه رمضان

مراسم شبهای احیاء، نماز وادعیه، مراسم عزاداری، شب قدر، مراسم خاصی که غالب جاها در فاصله شبهای ۲۲ تا ۲۷ رمضان دارند. مراسم شب و روز ۲۷ ماه رمضان: دوختن پیراهن مراد و کیسه پول و غذای خاص آن شب و روز.

مراسم شبهای چهارشنبه و جمعه آخر ماه و نذرهایی که می کنند.

در ایام ماه مبارک از طرف خانواده داماد برای نامزد یا عروس هدیه فرستاده می شود (یا افطاری می فرستند) یا از طرف خانواده عروس برای داماد تحفه ای می فرستند. مهمانیهایی که ترتیب می دهند و کسانی را برای افطار شام دعوت می کنند و غذاهایی که صرف می شود.^(۱)

- عقاید مردم فین کاشان که ماه رمضان را بهار دلها برای خود می خوانند تا تزکیه و تهذیب د رانوار وجودیشان رخنه کرده و عباداتشان مورد قبول حضرت حق قرار گیرد.

مراسم رمضان وقتی شروع می شود هیئت های عزاداری محله ای اعضای

۱- انجوی شیرازی، سید ابوالقاسم، گذری و نظری در فرهنگ مردم، ص ۲۴۲ و ۲۴۴ ص ۱۴۵ و ۱۴۶.

گروه خانه ها را روی کاغذی نوشته و در حقیقت برنامه نویسی می کنند که مراسم شب اول رمضان در کدام خانه باشد و این برنامه تا روز سیهم ماه رمضان برنامه ریزی می شود. هر شبی هیئت محله در خانه ای مراسم را برگزار می کند و بدین قرار که: قرآن خواندنی بصورت آموزشی و بعد دعای توسل و در شبهای پنج شنبه دعای کمیل و در آخر به نوحه سرایی و سینه زنی ادامه می دهند و این را باید تذکر داد که این برنامه می تواند بنام هر شخصی نوشته شود و در حسینیه یا مسجد، این مراسم اجرا شود. در شبهای احیاء، دعای جوشن کبیر و سحری دادن و افطاری دادن مرسوم است.

بچه ها علاوه بر روزه گنجشکی گرفتن، مراسمی در شبهای رمضان دارند، بنام «هوم بابایی» این رسم که در زمان قدیم همه گیر در فین و کاشان بود اینک بعضی وقتها اجرا می شود.

- از شب اول ماه رمضان تا شب ۱۵ ماه رمضان ادامه دارد بدین قرار که: بعد از خوردن افطاری، بچه ها بصورت گروههای ۶ تا ۲۰ نفر جمع شده و برای خود یک رهبر انتخاب کرده تا این گروه را هدایت کند. این گروهها بر هر خانه ای که رسیدند، در خانه را می زنند و پشت در خانه ایستاده، همه فریاد می زنند «هوم بابا، هوم بابا» و رهبر گروه ندا در می دهد که امام اولم، گویم علی را بچه ها هوم بابا، هوم بابا را تکرار می کنند و باز رهبر گروه ندا می کند امام دومم، گویم حسن را، بچه ها هوم بابا را تکرار می کنند و تا امام هشتم را می خوانند بدین - صورت که امام هشتم، گویم امام رضا را، بچه ها ندا می کنند بیوسم گنبد زرد طلا را، و بعد صلوات می فرستند و رهبر گروه، دست به دعا بر می دارد و صاحب خانه را دعا می کند و بچه ها همه آمین می فرستند صاحبخانه در خانه را باز می کند و در کاسه ای که در دست رهبر گروه است پولی یا خرمایی می اندازد و بچه ها همه خدا حافظی کرده و بر در خانه دیگر حاضر می شوند و این کار ادامه دارد تا ساعات ۲۳ شب، و بعد بچه ها پولها را بین خود تقسیم می کنند این رسم بنام «هاهایی» هم معروف است در ضمن باید یادآوری کرد که این رسم در شب پانزدهم ماه رمضان یا شب نیمه توسط بزرگسالان اجرا می شود.

فصل هفدهم

- زندگی اجتماعی
- خانواده و خویشاوندی
- تعریف خانواده
- اشکال مختلف خانواده
- در ایران بطور کلی از سه خویشاوندی ...
- خویشاوند نسبی
- خویشاوند سببی
- خویشاوند رضاعی
- تحول در خانواده
- ازدواج و اشکال آن
- خواستگاری و عروسی
- مرگ

زندگی اجتماعی

خانواده و خویشاوندی

خانواده یکی از نهادهای اجتماعی نخستین است که شالوده حیات اجتماعی محسوب می گردد و گذشته از وظیفه فرزند آوری و پرورش کودک و در نتیجه استمرار نسلها و بقاء نوع بشر، وظایف متعدد دیگری از قبیل فعالیتهای اقتصادی، آموزش و پرورش و اجتماعی کردن فرد را نیز بر عهده دارد. خانواده به عنوان عامل واسطی است که قبل از ارتباط مستقیم فرد با گروهها، سازمانها و مؤسسات اجتماعی، نقش مهمی در انتقال هنجارهای اجتماعی و میراثهای فرهنگی به عهده دارد. با توجه به اینکه خانواده با نظام پایگاهی جامعه در ارتباط است، پایگاه اجتماعی فرد نیز تا حد زیادی متکی بر پایگاه اجتماعی خانواده خواهد بود.

امروزه مطالعه خانواده بعنوان يك نهاد اجتماعی و سلول اصلی جامعه، یا کوچکترین واحد بنیادی جامعه مورد توجه بسیاری از جامعه شناسان و مردم شناسان و روانشناسان اجتماعی است و خصوصاً این توجه معطوف به تغییراتی است که در ارتباط با گسترش صنعت و رشد شهرنشینی در ابعاد و زمینه های خانواده پدید آمده است. عده ای در دهه های پیش بر اساس آنچه که بر غرب گذاشته است، عقیده داشتند که نهاد خانواده به مرور به سستی می گراید، و تغییرات تدریجی این نهاد را در مقابل تحولات سریع اقتصادی و تکنیکی تمدن غرب تا مرز اضمحلال پیش بینی می کردند. ولی در حال حاضر این نظریه بد بینانه نه تنها در غرب بطور کامل تأیید نمی شود، بلکه اصولاً در کشورهای مشرق زمین که فرهنگ آن با فرهنگ غرب تفاوتی آشکار دارد. به هیچ عنوان صادق نیست، حتی در جوامعی نیز که گرایشی در جهت تضعیف مقررات قانونی و مذهبی ازدواج پدیدار شده بود، بزودی مشکلات و پیامدهای نامطلوب این طرز زندگی زناشویی روشن شد و به عمل ازدواج جنبه قانونی داده شد و مقررات جدیدی برای حفظ خانواده به عنوان سلول اصلی ارگانیزم جامعه وضع و اجرا گردید.

در جامعه شناسی خانواده بعنوان يك نهاد اصلی اجتماعی که دارای حیات ویژه ای است با روش علمی مورد مطالعه قرار می گیرد و چگونگی پیدایی خانواده و تطور و دگرگونیهای آن در طول تاریخ تبیین می شود و نیز مسائل و دشواریهای

خانوادگی و علل و آثار و نتایج اجتماعی ناشی از آن بررسی می شود. تحقیق در زمینه خانواده از این نظر دارای اهمیت است که در جامعه های امروز خانواده دستخوش تغییرات و ناهماهنگی قرار گرفته و به تدریج شکل و هیئت قدیمی خود را از دست می دهد و به گونه جدیدی تطور می یابد، در نتیجه در کارکردهای خانواده تغییراتی ناهماهنگ با تغییرات ساختی آن پدید آمده است، روابط درون خانواده، روابط میان پدران و مادران از يك سو با فرزندان (دختران و پسران) و نیز روابط میان فرزندان با یکدیگر و با اولیاء آنها، تحت تأثیر شرایط اجتماعی جامعه قرار گرفته و در آن دگرگونیهای پدید آمده است و از این لحاظ ممکن است در معرض آسیب پذیری قرار گیرد و دچار از هم پاشیدگی شود. بنابراین خانواده که هسته اساسی جامعه را تشکیل می دهد در بسیاری از جامع های غربی استحکام خود را از دست داده و به تدریج رو به ضعف است و دولتهای غربی از این لحاظ احساس خطر می کنند و بیم دارند که دیگر قادر نباشند جلوی آسیب های خانواده را بگیرند. اهمیت مطالعه در زمینه خانواده بویژه برای پیش گیری از بروز دشواریهایی که جامعه ها با آن مواجه هستند امری ضروری است.

تعریف خانواده

خانواده عبارتست از گروهی از افراد (دو نفر یا بیشتر) که میان آنها روابط خویشاوندی برقرار است و در مکان واحدی زیست می کنند. این گروه اختصاصاً در جوامع امروز از پدر، مادر و فرزندان تشکیل می گردد. به عبارت دیگر خانواده سازمان یا اجتماعی است که مبتنی بر روابط خویشاوندی (سببی و نسبی) می باشد. خانواده يك نهاد اجتماعی است و در همه جا و همه زمان وجود دارد و بدون آن دوام و بقاء جامعه میسر نخواهد بود. هیچ جامعه ای نیست که در آن نظام خانوادگی برقرار نباشد، هر يك از ما به گونه ای در خانواده پا به هستی نهاده ایم و در کانون خانواده و تحت مراقبت و تعلیمات اقوام خود پرورش یافته و با زندگی اجتماعی آشنا شده ایم. و به احتمال زیاد خود نیز به تشکیل خانواده مبادرت خواهیم کرد. اصطلاح خانواده، با خانوار فرق دارد. در خانواده روابط خویشاوندی وجود دارد ولی در خانوار این رابطه شرط نیست، ممکن است افرادی با هم زندگی کنند که هیچگونه رابطه خویشاوندی نداشته باشند. در سرشماری عمومی ایران برای خانوار دو شرط اساسی در نظر گرفته شده است:

۱- داشتن اقامتگاه معمولی مشترك

۲- هزینه اقتصادی مشترك

به عبارت دیگر خانوار تعدادی افراد را گویند که زیر يك سقف زندگی می کنند و دور يك سفره غذا می خورند، صرفنظر از نوع رابطه ای که میان آنها وجود دارد، در حالیکه خانواده يك واحد زیستی است که مرکب از زن و شوهر و فرزندان آنها است^(۱)

— در طول تاریخ خانواده اشکال مختلف داشته است و در هر عصر با تحولات، اقتصادی و اجتماعی دگرگونی پذیرفته است.
خانواده در هر جامعه ای تحت تأثیر فرهنگ آن جامعه است و شکل آن برای مردم آن جامعه قابل قبول و محترم است.

اشکال مختلف خانواده عبارتند از:

۱- خانواده هسته ای یا زن و شوهری که از يك زن و يك مرد و چند بچه تشکیل می شود.

۲- خانواده گسترده

۳- خانواده پدر نامی

که در مجموع این سه نوع خانواده پدر سالاری نامیده می شوند.

۴- خانواده پدر بومی

۵- خانواده پدر تباری

۶- خانواده مادر نامی

که در مجموع این سه نوع خانواده مادر سالاری نامیده می شوند.

۷- خانواده مادر بومی

۸- خانواده مادر تباری

اینک به شرح اشکال مختلف خانواده بطور اختصار می پردازیم:

۱- خانواده هسته ای

از يك مرد، يك زن و تعدادی بچه تشکیل شده است. تا قبل از تشکیل خانواده جدید، خانواده هسته ای را گاه خانواده مستقل هم می گفتند.

۱- نيك خلق، وثوقی - علی اکبر، منصور، مبانی جامعه شناسی، ص ۱۵۹، ص ۱۶۰ و ۱۶۱.

۲- خانواده گسترده

وسیع تر از خانواده هسته ای است، و تشکیل شده از يك مرد، يك زن و بچه های آنها. البته فرقی که خانواده گسترده با خانواده هسته ای دارد این است که فرزندان پس از ازدواج در خانه والدین خود می مانند و با زن و شوهر و بچه های خود، همگی در خانواده پدر و مادرشان زندگی می کنند.

نمونه این خانواده بیشتر در جوامع شرقی است. و از این جهت نام گسترده دارد که روز بروز بر تعداد افراد خانواده اضافه می شود. اگر پدر خانواده بمیرد برادر بزرگتر جای او را می گیرد.

قابل توضیح است بیشتر خانواده در فین بصورت گسترده بوده در قدیم، و هم اکنون به دوره جدید آرام آرام منتقل می شود و خانواده هسته ای جایگزین خانواده، گسترده می شود.

خانواده پدر نامی

در این نوع خانواده شهرت برای فرزندان از جانب پدر است مثل جامعه ماکه همه نام خانوادگیشان را از پدر خود می گیرند (در فین کاشان همچنین است).

خانواده مادر نامی

در مقابل خانواده پدر نامی است. یعنی فرزندان نام خانوادگی را از مادرشان می گیرند. مثل بعضی از قبایل در لرستان.

خانواده پدر بومی

در این نوع خانواده حق انتخاب محل زندگی با پدر خانواده است، و همه تصمیمات در این زمینه بر عهده اوست.

خانواده مادر بومی

در این نوع خانواده حق انتخاب محل زندگی با مادر خانواده است و همه تصمیمات بعد از مادر است. در ایران خانواده مادر بومی بیشتر در شهر اصفهان دیده می شود. ولی در سایر نظام پدر بومی برقرار است.

خانواده پدر تباری

در این نوع خانواده زندگی و خانواده از پدر و فرزندان ذکور تشکیل شده است، یعنی دخترها پس از ازدواج از خانه بیرون می روند و پسرها با زنهایشان باقی می مانند. در این نظام تعیین سرنوشت زندگی بعهده مردهای خانواده است.

خانواده مادر تباری

بعکس خانواده پدر تباری است، یعنی تشکیل شده از مادر و فرزندان دختر و بچه هایشان، و در این خانواده فرزندان پسر باید پس از بلوغ و ازدواج خانواده خود را ترک گویند.

خانواده پدر سالاری

در این نوع خانواده مرد حاکم مطلق بر خانواده است و زن مثل شیئی از اشیاء خانواده است و مقام و موقعیتی ندارد در گذشته بسیار دور در این نظام پدر حتی می توانست دستور کشتن فرزندانش را صادر کند. در این نظام همه برتری را برای پدر قبول دارند.

خانواده مادر سالاری

در این نظام نه تنها تسلط در خانواده از آن زنان بود حتی در بعضی مواقع سلطنت نیز بر عهده زنان و دختران گذاشته می شد از جمله پوراندخت و آذرمدخت و کیاندخت در نظام مادر سالاری به سلطنت رسیدند. در این نظام مادر خانواده تسلط کامل دارد و دختران مادر در خانواده می مانند و اگر مادر نتواند این مسئولیت را بعهده بگیرد این وظیفه بعهده برادر مادر واگذار می شود.^(۱)

۱- فرجاد، محمد حسین، مقدمه ای بر جامعه شناسی، ص ۱۱۰-۱۱۱-۱۱۲.

در ایران به طور کلی از سه خویشاوندی بشرح زیر می توان سخن بمیان آورد

۱- خویشاوندی نسبی

نوعی خویشاوندی است که آنرا قرابت خونی نیز گویند. پیوند والدین با فرزندان خود و نیز پیوند بین برادران و خواهران و ... از این نوع محسوب می گردد.

۲- خویشاوندی سببی

این نوع خویشاوندی به دلیل ازدواج به وجود می آید. کلیه افرادی که از طریق زناشویی با یکدیگر ارتباط پیدا می کنند و در شبکه خویشاوندی قرار می گیرند. جزء این گروه به شمار می روند.

۳- خویشاوندی رضاعی

نوع خویشاوندی است که به دلیل هم شیر بودن دو نفر ایجاد می گردد که البته از لحاظ شرعی تابع شرایطی است و ازدواج بین دختر و پسری که از يك مادر شیر خورده باشند. به همین دلیل، ممنوع است. در ایران خویشاوندی نسبی از دو خویشاوندی دیگر اهمیت بیشتر دارد و بویژه ازدواجهای درون گروهی موجب گسترش شبکه های خویشاوندی می گردد. قدرت این نوع خویشاوندی و وسعت چنین شبکه هایی در روستاها و جامعه عشایری ایران به مراتب بیشتر از شهرها است و به نظر نمی رسد که گسترش صنعت و شهرنشینی موجب کاهش شدید اهمیت و کارکردهای شبکه خویشاوندی به گونه جوامع غربی گردد.

در نظام ایلی «تیره» بعنوان واحد خونی یا خویشاوندی ایل تلقی می گردد و به همین دلیل افراد درون تیره ها با یکدیگر خویشاوندی نسبی دارند و پیوندهای زناشویی نیز به صورت درون گروهی است. چادرنشینی که در نقاط مختلف، یکجانشین شده اند ارتباط خویشاوندی و ازدواج درون گروهی خود را کماکان حفظ کرده اند. مثلاً جافکانلوهای دهکده سهل آباد قوچان اغلب با افراد طایفه خود در آبادیهای دیگر ازدواج می کنند. بطور کلی ازدواج در میان کردهای قوچان عمدتاً از نوع خویش همسری است.

تحول در خانواده

در ایران، خانواده، طی سه ربع قرن اخیر، دستخوش تغییرات زیادی شده است و هنوز در حال دگرگونی است.

خانواده از شکل قدیمی خود خارج شده است و بصورت خانواده هسته ای (زن و شوهری) تطور می یابد.

با وجود این خانواده گسترده که بازمانده خانواده پدر سالاری قدیم است هنوز بکلی از بین نرفته و بویژه در مناطق روستایی، عشایری و شهرهای کوچک کم و بیش به چشم می خورد. در این گونه خانواده ها هنوز پدران اختیار اداره امور خانواده را بر عهده دارند و زن و فرزند در مواردی حتی اگر فرزندان ازدواج کرده باشند، تحت نظر پدر به زندگی زنشویی خود ادامه می دهند. و از لحاظ اقتصادی وابسته به پدر هستند. اما مسأله این است که هنوز درباره خانواده ایرانی از لحاظ جامعه شناسی مطالعه همه جانبه ای صورت نگرفته است و اطلاعات ما بیشتر جنبه آماری دارد که بر اساس سرشماریها بدست می آید. در سرشماری عمومی ایران، چهار نوع خانواده مورد قبول واقع گردیده است.

۱- خانواده زن و شوهری بدون فرزند

۲- پدر و مادر و فرزندان ازدواج نکرده

۳- پدر و مادر فرزندان ازدواج کرده بدون نوه

۴- پدر و مادر و فرزندان ازدواج کرده با نوه.

از خانواده نوع چهارم که سه نسل را در بر گرفته و نوعی خانواده گسترده بشمار می رود. بیشترین نسبت با ۷۴ درصد در روستاها و ۲۶ درصد بقیه در شهرها سکونت دارند.^(۱)

ازدواج و اشکال آن

ازدواج را می توان يك قرارداد اجتماعی مبنی بر توافق و سازش بین زن و مرد برای دوام جامعه دانست.

ازدواج دو حالت دارد.

الف - درون همسری که بدو صورت:

۱- نيك خلق، وثوقی - علی اكبر، منصوره، میانی جامعه شناسی، ص ۱۷۶ و ص ۱۷۷.

۱- ازدواج با خویشاوندان

۲- ازدواج با محارم می باشد

ب- برون همسری که ازدواج با بیگانگان است.

ازدواج با خویشاوندان از نظری خوبست، چون شناخت برای افراد وجود دارد. در جامعه ای که روابط دختر و پسر را نمی پذیرد این ازدواج نقش مهمی در دوام خانواده دارد. عیب ازدواج خویشاوندی این است که بچه ها بعلت هم خونی، ممکنست مریض متولد شوند. اجازه ازدواج خویشاوندی در جوامع غربی داده نمی شود.

ازدواج با محارم در بین پادشاهان قدیم رایج بوده برای اینکه قدرت و ثروت از دربار بخارج منتقل نشود برادران و خواهران با یکدیگر ازدواج می کردند ازدواج برون همسری در غرب پذیرفته شده است.

در ازدواج اگر قواعد و اصول انسانی رعایت شود انجامش کار طبیعی و درستی است، ولی پا گذاشتن به زندگی زناشویی نادرست ممکنست موجب بروز بعضی بیماریهای روانی شود.

اقسام ازدواج

۱- ازدواج يك همسر گزینی

۲- ازدواج چند زن گزینی

۳- ازدواج چند شوهر گزینی

۴- ازدواج گروهی

۱- ازدواج يك همسر گزینی

يك زن با يك مرد تشكيل زندگي می دهد. متعادلترین و انسانی ترین نوع ازدواج است و بچه ها از نظر جسمی و روحی در کمال سلامت متولد شده پرورش می یابند. البته بشرطی که روابط انسانی بین زن و مرد بخوبی حفظ شود.

۲- ازدواج چند همسر گزینی

در جوامع اسلامی رایج است، و مرد می تواند تا ۴ زن داشته باشد. چون در عصر پیغمبر فاصله و شکاف طبقاتی زیاد بوده، بهمین دلیل مردان می توانستند

زنهای متعددی داشته باشند تا بدینوسیله اقتصاد زندگی آنها را تأمین کنند. شرط لازم این نوع ازدواج این است که مرد بتواند عدالت اقتصادی و اجتماعی بین زنهایش برقرار سازد. بچه های این نوع خانواده معمولاً رفتارهای نامتعادل و نابهنجار دارند. این بچه ها یا هیچوقت تشکیل زندگی نمی دهند یا اگر تشکیل دادند زندگیشان زود از هم پاشیده می شود و یا برعکس ممکنست همسران ایده آلی باشند و زندگی شان دوام بیشتری یابد معمولاً در ازدواج های نادرست اثر نامطلوب زندگيهای زناشویی از اثرات مطلوب آن خیلی بیشتر است.

۳- ازدواج چند شوهر گزینی

این نوع ازدواج در قبایل توداس (هند) و تبت و برخی قبایل سرخ پوست آمریکا متداول است.

در این نوع ازدواج مردی که اول وارد خانه می شود کلاهش را به در خانه آویزان می کند و مردان دیگر حق ورود به خانه را ندارند. بچه ها از طرف مادر شناخته می شوند و ثروت از طرف مادر است و مادر روی بچه ها تسلط داشته و تأثیر می گذارد.

۴- ازدواج های گروهی

در این نوع ازدواج رابطه آزاد جنسی بین همه وجود دارد. قبایل چاکچی های سیرری به این روش ازدواج می کنند. این نوع ازدواج در بعضی از قبایل جنوب هند و سرخپوستان نیز متداول است.

هر يك از اقسام ازدواج تابع شرایط فرهنگی جامعه بوده و برای مردم آن سرزمین قابل قبول است. هر قدر در ازدواج سازگاری فکری و اجتماعی بیشتر باشد دوام آن بیشتر است. بدنبالش خانواده پایدارتر باقی می ماند.

خواستگاری و عروسی

در قدیم که به خواستگاری دختری می رفتند، سرزده، به خانه دختر، رفته و او را می دیدند اگر دختر را پسند می کردند، موهایش را دیده تا ببینند تمیز هست یا نه؟ یا به عنوان بوسیدن، دهانش را بو می کردند تا اینکه ببینند دهانش بو می دهد یا نه؟ اگر از نظر فامیلهای داماد، عروس را می پسندیدند، برای «مهر برون» وقتی را

در نظر می گرفتند. افراد خبره دو فامیل در خانه عروس جمع شده و بحث و صحبت‌های مهر را دنبال کرده و اگر موافقت ایجاد شد، ساعتی و روزی را برای مراسم عقد در نظر می گیرند.

مراسم عقد کنان

میوه‌ها، غذاها و خوراکیهای متعدد و کسانی برای چیدن میوه‌ها و دادن غذاها و پذیرایی در نظر گرفته می شود و سفره عقد عروسی و داماد بر پا شده با چیزهایی که در آن سفره است.

خرافاتی که برای پای سفره عقد دارند، مثل بستن داماد یا کارهایی که قبلاً می کنند تا نتوانند داماد را ببندد، انداختن مهر عروس به دل داماد.

بعضی جاها تخم مرغ را در پیشاب دختر می جوشانند تا داماد و عروس به هم محبت پیدا کنند، بعضی جاها يك میخ را به گوشه اطاق می کوبند که زندگی داماد و عروس محکم شود، از میان زنان، یکی دو تن روی سر عروس قند می ساینند.

بعد از عقد، داماد پایش را روی پای عروس بگذارد و عروس جلوی پای داماد بلند می شد یا که عروس پیشقدم می شد و داماد باید رونما بدهد. در دادن رونما، فامیل‌های داماد این کار را انجام می دادند. مادر عروس هم مجبور بود مطابق رونمایی فامیل‌های داماد، چیزی به جای آنها بگذارد.

رسم دیگر این بود که گلاب می آوردند و روی شست عروس و داماد می ریختند. و عروس داماد دو شست خود را رو بروی هم قرار داده روی نعلبکی و گلاب می زند و يك قفل به عروس می دادند تا عروس شب عروسی آن قفل را باز می کرد و موقعی که عروس را به خانه داماد می بردند، پدر و مادر آنها دنبالشان نبودند عید که می شد برای عروس پارچه می آوردند در روز ماه رمضان روز واکنی و عید قربان، گوسفند قربانی کرده و آنرا طبخ کرده و بعد با زینتی خاص برای عروس می آوردند تا آثر ا میل کند.

خلاصه اینکه پیوند زناشویی در فین بیشتر بصورت گسترده و خویشاوندی است و همه بصورت فامیل دیده می شوند، جهاز عروس برای هر کسی مقداری خاص تعیین شده است و با جشن و خوشحالی عروس وارد خانه داماد شده و زندگی تازه را شروع می کند.

مرگ

وصیت کردن هنگام مرگ، طلب بخشش از اقوام و آشنایان که آنها را ببخشند و حلال کند.

نشان مرگ: جان کندن (مرده ثوابکار و گناهکار)، روبه قبله کردن محتضر، خوراندن آب و تربت، پیرایش مرده (بستن چشم و دهان)، خواندن قرآن و دعا بر بالین میت، شیون و زاری، سوزاندن شمع در اطاق مرده، شب زنده داری، گوشت شربت و حلوا که در اطاق مرده می گذارند.

حمل و تشییع جنازه: رفتن هفت قدم به دنبال تابوت، مکبر، غسل و شستشوی مرده (سدر و کافور)، غسل و مرده شور، کفن فروش و کفن میت، جریدتین، کفنهای مخصوصی که رویشان آیه هایی از قرآن کریم نوشته شده، نماز میت، قبرستان، مراسم دفن، گور کن و کندن قبر، مرده را (بخصوص اگر زن باشد) چه کسی در گور می گذارد؟ تلقین میت، کاسه العفو، سنگ لحد، پاشیدن خاک روی مرده، پاشیدن آب روی قبر.

مرده هایی که به امانت می گذارند. مزدی که به مرده شور، کفن فروش، گور کن، و مکبر می دهند پرستش اموات و نیایش مردگان — مجالس ختم و عزاداری و ترجیم و سوگواری، پرسه (پرسه صبحگاهی و پرسه عصرانه در بجد بیرجند) مراسم اولین شب جمعه، شب هفتم، چله و سرسال، سوزاندن شمع، خرج دادن و خیرات برای مردگان، لباس مخصوص و مدت عزاداری.

بازدید گورستان و بازدید قبر و خطاب به مرده، نگاهداری قبرها، موقوفات ادعیه و مراسم سالانه که انجام می دهند.^(۱)

مردم فین کاشان با تجلیل و مراسم خاص با حضور مردم، با احترام، تابوت مرده را برداشته و خیلی منظم تشییع می کنند و به خاک می سپارند و بعد خانه مرده را پرده های عزاداری زده و مردم برای تسلیت به آنجا رفته و احترام می گذارند و بعد ختم، شش و هفت و چله و سال را بخوبی برگزار کرده و صدقات و خرج دادن و خیرات را بر خود لازم می دانند و هفتگی به قبرستان رفته و فاتحه می خوانند.

۱- انجوی شیرازی، سیدابوالقاسم، گذری و نظری در فرهنگ مردم، ص ۱۵۸.

فصل هیجدهم

تصاویر و توضیحات



نمای خیابانی باغ فین کاشان



نمایی در باغ فین



نمای خارجی شترگلوی صفویه



بچه ها در باغ فین کاشان



هتل امیرکبیر کاشان



امامزاده شاهزاده احمد و محمود (ع) (فین کوچک)



حمام فین کاشان



مشهد اردمال کاشان



بقعه شاهزاده ابراهیم (ع)



فصل نوزدهم

- نتیجه گیری
- ارائه پیشنهادات
- منابع و مأخذ

نتیجه گیری

اینک در انتهای تحقیق بذکر اهم موضوعاتی که در آداب و سنن اجتماعی فین، می توان گفت، خواهیم پرداخت.

و راجع به هر کدام توضیحاتی مختصر و در حد توان خود خواهم داد و سپس چند پیشنهاد را ارائه می کنم.

الف - کاشان شهر توریستی و گنجینه تمدن بشری است چون قدمت آن با کشف تپه های سیلک به هزاران سال قبل از میلاد می رسد. و از نظر تاریخی، سیاسی، فرهنگی، هنری، جاذبه های فراوان در دل خود دارد.

ب - روستای فین کاشان با باغ تاریخی و چشمه سلیمانیه خود، آذین بخش شکوه کاشان می باشد بنای با طراوت و زیبای باغ تاریخی فین، هر تماشاگری را به تعجب می اندازد. با حرکت آب در جویهای متعدد و برنامه ریزی شده و گردش آب در فین و بعد تقسیم آن، خود يك داستان واقعی از هنرمندی مردان با تلاش ایرانی را در ذهن تداعی می کند.

ج - قتل ناجوانمردانه امیرکبیر توسط ناصرالدین شاه در حمام فین کاشان در سال ۱۲۶۸ هـ. ق بعد سیاسی باغ را نمایانگر کرده است.

د - موزه باغ تاریخی فین از زیبایی بخصوصی حکایت می کند و اشیاء ما قبل تاریخ، اشیاء تپه سیلک، فرمان شاهان، لباسهای مردم ایران، سکه های ضرب شده شاهان و قرآنهاى نفیس قدیمی، و آثار خوشنویسان، در این مجموعه گردآوری شده است که سعی کرده ام تمام اشیاء قدیمی را در کتاب ذکر کنم.

هـ - درباره قتل امیرکبیر و توطئه انجام شده داخلی و خارجی و چگونگی ضربه زدن به پیکره اجتماع با نیت قتل مردی قدرتمند در تمام جهات، و تبعید امیر به باغ تاریخی فین، و اقدامات خوب امیر در جهت پیشرفت بناهای فنی و علمی ایران سخن زیاد گفته شده است.

ط - بقاع متبرکه فین کاشان و معروفترین آنها شاهزاده ابراهیم و بقعه حضرت سلطانعلی (ع) در مشهد اردهال که مردم فین مراسمی خاص و تعظیم و تکریم در برابر این بقاع انجام می دهند.

ثواب زیارت حضرت سلطانعلی (ع) : از حضرت امام صادق (ع) روایت شده که ثواب زیارت برادرم حضرت سلطانعلی مثل زیارت جدم حسین (ع) است و هر که را قدرت طواف اجداد عالیمقام من نباشد گو برود در بارکرس و برادرم

سلطانعلی (ع) را طواف کند که ثواب طواف او مثل ثواب طواف ایشان است.
ظ - از هتل توریستی امیرکبیر که دارای ۱۰۲ اتاق می باشد و آموزش و پرورش در فین (۷۱-۷۲) در مقطع ابتدایی و راهنمایی و شرکت درین که مواد مورد نیاز شرکت نفت حفاری را تهیه می کند مطالب جالب گنجانیده شده است.
شرکت درین این مواد را تولید می کند:

- ۱- باریت
- ۲- بنتونیت
- ۳- گوگرد میکرونیزه
- ۴- تاسیسات فروبار
- ۵- اکسید آهن (هماتیت)
- ۶- آهک هیدراته
- ۷- تاسیسات زغال میکرونیزه
- ۸- آهک برای تصفیه آب

اهم موضوعات فین کاشان

۱- فین کاشان با خانه های سنتی، بافت مخصوص را به خود اختصاص داده است. این خانه ها در داخل باغهای فین به طرز خیلی زیبایی آرایش یافته است.
۲- باغهای میوه که بیشتر آن انار می باشد به این محل چهره ای دیگر بخشیده است.

۳- ساختار اجتماعی شهر کاشان و فین يك مونس فرض می شود هر کنش و واکنشی که در یکی از آنها بوجود آید در دیگری روی خواهد داد.
۴- در آینده ای زود کاشان و فین در يك مجموعه خواهند بود و فاصله جغرافیایی از بین خواهد رفت چون هر روز ساخت يك واحد مسکونی در ادامه کاشان و فین، فاصله ها را کمتر می کند، با این وجود مردم کاشان هر روز با فین ارتباط متقابل دارند.

۵- داد و ستدها و امور اقتصادی کاشان و فین ارتباط با هم دارند.
۶- خویشاوندی کاشان و فین، بر اثر ازدواجهایی که صورت گرفته، همچنان ادامه دارد.

۷- بیشتر بافت اجتماعی فین با همدیگر فامیل هستند و ازدواجهای آن درون

گروهی می باشد.

۸- اینک که اتوبان قم- کاشان و کاشان- اصفهان از کنار فین خواهد گذشت به اهمیت آن بیشتر می افزاید.

ز- جشن های کهن و باستانی از جمله چهارشنبه سوری، سیزده بدر، نوروز.

۱- چهارشنبه سوری: از جشنهایی است که قسمت اعظم آن غروب روز سه شنبه آغاز و پایان می گیرد.

۲- سیزده بدر: روز ۱۳ فروردین، رفتن به دشت و دمن، که پوشش سبزی داشته باشد.

۳- نوروز: عید باستانی و بهار طبیعت و سال تحویل که مراسم خاصی بدنیا دارد.

س- جشنهای دینی و مذهبی که شامل عید قربان، عید غدیر، نیمه شعبان تولد حضرت مهدی (ع).

ش- مراسم مذهبی خاصی که در روزها یا ماههای معینی از سال برگزار می شود.

۱- ماه محرم ۲- ماه صفر ۳- ماه رمضان.

ص- خانواده یکی از نهادهای اجتماعی نخستین است که شالوده حیات اجتماعی محسوب می گردد.

۱- تعریف خانواده: خانواده عبارتست از گروهی از افراد (دو نفر یا بیشتر) که میان آنها روابط خویشاوندی برقرار است و در مکان واحدی زیست می کنند این گروه اختصاصاً در جوامع امروز از پدر، مادر و فرزندان تشکیل می گردد.

۲- در سرشماری عمومی ایران خانوار دو شرط اساسی در نظر گرفته شده است:

الف- داشتن اقامتگاه معمولی مشترك

ب- هزینه اقتصادی مشترك

۳- اشکال مختلف خانواده عبارتند از:

الف- خانواده هسته ای

ب- خانواده گسترده (در فین کاشان بیشتر از این نوع خانواده دیده می شود)

ج- خانواده پدر سالاری

د- خانواده مادر سالاری

۴- در ایران سه نوع خویشاوندی وجود دارد:

الف - خویشاوندی نسبی

ب - خویشاوندی سببی

ج - خویشاوندی رضاعی

۵- ازدواج و اشکال آن:

الف - درون همسری (ازدواج با خویشاوندان)

ب - برون همسری (ازدواج با بیگانگان)

۶- خواستگاری و عروسی، که مراسم ویژه ای را دنبال می کند.

۷- مرگ، مردم فین کاشان با تجلیل و مراسم خاص با حضور مردم، با احترام

تأبوت مرده را برداشته و خیلی منظم تشییع می کنند.

باری حال که شمه ای از نتیجه گیری به سمع شما رسید به ارائه پیشنهادات

پردازیم.

ارائه پیشنهادات

اینک به طور مختصر به ارائه پیشنهادات پردازیم:

۱- طرحهایی برای فضا سازی روستای فین باید اجرا شود.

۲- شهرداری کاشان خود را موظف بداند تا باغ فین را بطور زیبایی از انواع

گلهای ایرانی آذین بندد.

۳- چون روستای فین کاشان جاذبه های توریستی دارد و از اقصی نقاط جهان

برای دیدن آن به آنجا می آیند. باید تبلیغات هنرمندانه ای با بکارگیری از متدهای

اسلامی مدنظر باشد تا تأثیرگذاری آن بحد مطلوب بر روی ملل مختلف مؤثر گردد.

۴- چشمه سلیمانیه يك نعمت است. پس با يك طراحی مفید می توان آب

آنرا در خارج از باغ بصورت «نماد باغ فین» به نمایش گذاشت و این طراحی توسط

هنرمندان ایرانی می تواند انجام گیرد.

۵- نمایشگاهی از تمام آثار باستانی کاشان و فین ترتیب داده شود که در این

مجموعه از فرهنگ مردم گرفته تا ساختن ماکتهایی از بناهای تاریخی با ذکر

تاریخچه آن و فضا بندی آن مد نظر گرفته شده باشد تا هر کسی به این نمایشگاه آمد

از تاریخچه و محل جغرافیایی بنا و آداب و سنن آن بطور مختصر اطلاعاتی کسب

نماید.

۶- بقاع متبرکه باید توسط میراث فرهنگی کشور مرمت اساسی شده و تزئین‌هایی در آنها صورت گیرد.

۷- از نظر خیابان، باید کاشان تا فین بصورت خیلی زیبایی بلوار سازی شود.

منابع و مأخذ

نام نویسنده	نام کتاب
نراقی، حسن	تاریخ اجتماعی کاشان انتشارات دانشگاه تهران در مهرماه ۱۳۴۵ - انجمن آثار ملی
کلانتر ضرابی، عبدالرحیم	تاریخ کاشان چاپ اول اردیبهشت ۱۳۳۵ چاپ دوم اسفند ۱۳۴۱ انجمن آثار ملی ۱۳۴۸
فرخ یار، حسین	بناهای تاریخی کاشان چاپخانه نخستین چاپ اول بهار ۱۳۷۰
موسوی، دکتر سید احمد	بروشور باغ فین کاشان چاپخانه انتشارات علمی و فرهنگی چاپ اول تابستان ۱۳۷۱
فرخ یار، حسین	مجموعه تاریخی، مذهبی مشهد اردهال (کاشان) چاپخانه نخستین چاپ اول تیرماه ۱۳۶۹
فرخ یار، حسین	نشریه سيلك (۱) ناشر شهرداری کاشان لیتوگرافی و چاپ: بهمن

نام نویسنده

نام کتاب

تاریخ انتشار: آذر ماه ۱۳۷۲

دکتر وثوقی و نیک خلق - منصور،
علی اکبر

مبانی جامعه شناسی
حروفچینی: انتشارات خردمند
چاپ: قدس
چاپ ششم: ۱۳۷۲، پاییز

فرجاد، محمد حسین

جزوه مقدمه ای بر جامعه شناسی
چاپ دانشگاه آزاد اسلامی
واحد تهران

مدنی، آیت الله ملا عبدالرسول

تاریخ اشرار کاشان
باهتمام حسینعلی پورمدنی
انتشارات مرسل
چاپخانه: مهر - قم
نوبت چاپ اول - زمستان ۱۳۷۰

هاشمی رفسنجانی، حجة الاسلام
و المسلمین اکبر

امیرکبیر یا قهرمان مبارزه با استعمار
وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم

بهداد، آ

طلوع رستاخیز
(دوران اصلاحات امیرکبیر)
چاپ: نقش جهان
انتشارات پیوند - تهران، بهار ۱۳۶۴

رزم آرا

فرهنگ جغرافیایی
انتشارات: اداره جغرافیایی

نام نویسنده

نام کتاب

ارتش (دایره اطلاعات جغرافیایی)
سال ۱۳۵۶

دهخدا، علی اکبر

لغت نامه دهخدا ۱۳۵۴

انجوی شیرازی، سید ابوالقاسم

گذری و نظری در فرهنگ مردم
انتشارات اسپرک
چاپ اول: پاییز ۱۳۷۱

امینی، امیرقلی

فرهنگ عوام یا تفسیر امثال و اصطلاحات
زبان پارسی
انتشارات دانشگاه اصفهان
جلد اول: آ- ز
نوبت چاپ: دوم - چاپ اول
۱۳۵۳ سال انتشار: ۱۳۶۹

نراقی، حسن

آثار تاریخی کاشان و نطنز
انجمن آثار ملی، ۱۳۴۲



